

شنید و چه دید که در این موقع بساجه و ماطله گذرانند خوب بود وزیر داخله بقدری که میخواهد استرضای خاطر دوستانش را فراهم کند صد يك بلکه هزار يك او را در جلب استرضای خاطر ملت سعی نموده و يك فكره هم برای مملکت میگردود اگر يك ملتی با از خودش رضای مینماید بهتر از این بود که يك عده را از خودش خوشنود کند بنده هیچ علت اینکار را نمی فهمم اگر وزیر داخله بقدری که در حفظ علائق شخص خود که در خدمت حکومت آنجا تهیه کرده جدیت دارد قدری هم اظهار علاقه مندی با این آب و خاک و جدیت در ایفای او میسر کرد یقیناً مملکت باین روز سیاه نبود اگر شاهزاده وزیر داخله که از شاهزادگان بزرگ ایران است قدری ابراز حس ایرانیست میشود روز کار ما ایندهم نبود زمامداران حکومت امروزه که مسئول آسایش و آسودگی ملت هستند خوب بود چنانچه برای آسودگی و آسایش خاطر و راحتی همیشه فکر رفتن شمیران و نوشیدن آب خنک و استنشاق هوای لطیف و تماشاى مناظر گلهای رنگارنگ و ریاحین و چیدن فواره ها و صفای آب شار هارا مینمایند که از حاصل دست رنج این ملت بدبخت اندوخته اند قدری هم تامل و فکری بحال بدبخت این مملکت صوماً و کرمانشاه خصوصاً بنمایند که در این هوای گرم نستان قدرت خارج شدن از وزیر سقف اطاق و آسایش در يك هوای آزاد و فضای بازی از صدای تفك و ترس گلوله ندارند بنده میدانم این چه ترتیبی است و چرا باید وضع مملکت اینطور باشد مطالب خیلی است ولی چکنم که نزاکت پارلمانی و مقتضیات کنونی بن اجازه نمیدهد اظهار کنم اولاً اینجا داخل جزئیات نشدم و بعضی مطالب که نباید گفت عرض میگردم .

حفظ نزاکت و برای جلوگیری از بعضی گفتگوها و برای حفظ موقیبت امروزه مملکت موضوع استیضاح مانرا خیلی محدود قرار دادیم و اولاً استیضاح راجع است بوزیر داخله و ثانیاً راجع است به يك قسمتی از مملکت وسیع ایران به نایب حسین کاشانی راجع نیست بوقایع ساوجبلاغ راجع نیست بوقایع جاهای دیگر که مسئولیت تمام آنها بوزیر داخله مربوط است و مستقیماً بایشان متوجه میشود راجع نیست بلکه راجع است بيك موضوع محدود مبنی که تمام نقاط آنجا در يد قدرت ایشان است وما چون اینست مطالب را میدانستیم استیضاح را مستقیماً به خود ایشان متوجه نمودیم زیرا وزیر معارف دستی در اوضاع کرمانشاهان ندارد که ما ایشان را مسئول قرار دهیم و بگوئیم که چرا در شورای معارف آن را مطرح نکرده اید و یا چرا وزیر رست و تلگراف بوظیفه خودش رفتار کرده تلگرافات خصوصی و رمزی وزیر داخله را بکرمانشاه میخاربه کرده یا این که بوزیر رست و تلگراف توییح کنیم که چرا مکاتیب خصوصی ایشان را گذاشته اند در جیبه پست انداخته شود و بان حدود ببرند و آنجا را متشوش میکنند ایشان را هم داخل مسئولیت نمیدانیم چنانچه عرض کردم ما مسئولیت را متوجه بوزیر داخله میدانیم و در باب وقایع و اوضاع ناگواری که در کرمانشاه رو داده مستقیماً ایشان را مسئول میدانیم بنده هم مثل رفقای خردم و مثل آقای حاج میرزا محمد فرموده نمی توانیم در اینجا بنشینیم وقایع مهمه در حدود و شور ما روی دهد و اسباب بدبختی و یرشانی و اسباب تضییقات واضطراب و تزلزل خاطر مولکان ما بشود وما در اینجا روی صندلی مجلس در هوای معتدل خیلی ملایم بنشینیم و قانون یستی به گذاریم برای بدیم که آیا مسگورات را میشود در داخل یا ثبات یستی حمل و نقل کرد یا خیر ما نمی دانیم بچه امنیت خاطر در اینجا بنشینیم برای در قانون یستی بدیم در صورتی که بدانیم آن بدبخت هائی که مارا و کبیل کرده اند دچار هزار بدبختی و تضییقات و فلاکت شده اند ما نمی توانیم اینست مطالب را تحمل کنیم بنده نمی توانیم هم عقیده نباشم با کسانی که يك اهمیت فوق تصوری بامنیت مملکت میدهند البته آقای وزیر داخله در مقابل هرایش بنده تصدیق خواهند فرمود که امنیت مملکت مقدم بر همه چیز است امنیت مملکت يك چیزی است که در هر اقدامات مهمه یستی بان وزراء است امنیت مملکت يك اسباب اطمینانی است از برای قاطبه اولیای امور در يك مملکتی اگر امنیت نباشد هیچ چیز نیست اگر امنیت نباشد و کبیل نمی تواند روی صندلی مجلس بنشینند و بقانون گذاری مشغول شود وزیر نمی تواند براحت مشغول اجراء امور وزارت خانه خودش باشد پس امنیت اولین چیز حتی است که برای مالازم است ولی بدبختانه امروز می بینیم که امنیت از يك قسمتی از مملکت ما که کرمانشاه باشد رو بزوال میگذازد بنده چندان مربوط باوضاع کرمانشاه نیستم که آقایان وزراء از من اسناد میخواهند بنده اسناد نمیتوانم بایشان نشان بدم نتیجه ای بینم و بر حسب تحقیق از آقایان و کلابی کرمانشاه و از خارج شنیده و میدانم که اوضاع کرمانشاه نهایت

**وحیدالملک** - بنده بنده میخواهم عرض کنم که امروز يك سیستم جدید و يك ترتیب نوینی از برای مذاکرات پارلمانی بعبان آمدنیست استیضاحی از وزیر داخله شد که ایشان به هیچ وجه دفاع نمی کند بنده نمی دانم این چه ترتیبی است اگر بطریق موافق و مخالف پارلمانی صحبت میشود باید بهمان طریقه که مجلس شورای ملی داشته است صحبت بشود ولی اگر این يك ترتیب جدیدی است و تمام اظهاراتی را که نمایندگان راجع به آقای وزیر داخله کرده و می کنند ایشان قبول دارند بنده هم اظهارات خودم را بکنم .

**رئیس سده ( ۱۰۸ )** - نظامنامه داخلی را فرانت بفرمائید که در باب آقایان وزرا مینویسند هر وقت بخواهید حرف بزنید همانوقت اجازه داده می شود .

**وحیدالملک** - بله بنده يك مطلب جدیدی را میخواهم در پشت تریبون مجلس عنوان کنم موضوع مذاکرات امروز محدود به استیضاح آقای وزیر داخله راجع با امور کرمانشاه است راجع به اوضاع و وقایع ناگواری است که در آنجا روی داده و این استیضاح راجع بسیاست عمومی مملکت نیست زیرا اگر ما میخواهیم راجع بسیاست عمومی مملکت استیضاح بکنیم با نهایت جرئت به آقایان وزرا میگفتم که ما میتوانیم صد فقره استیضاح روی تریبون مجلس و روی میز دیامت مجلس بگذاریم ولی برای

**وحیدالملک** - بنده صحیح است بنده این عرض خودم را پس میگیرم

**مرات سلطان** - بنده دو چیز است که قابل تردید نمی دانم یکی سابقه اطلاعات وزیر داخله است از اوضاع کرمانشاه و دیگر انقلابات و هرج و مرج که امروزه در کرمانشاه تولید شده اگر چه وزیر داخله اختیار را نمیده یعنی آن اختیاری را که لازم است نیکیوتند و هر قسم اخبار را اصلاح دانستند آن اخبار را صحیح باقیم بروز نامه ما می فرستند و این دلیل و شاهد بر این است که کرمانشاه يك احوال ناگوار مخالفی را دارد بنده عرض میکنم سوء تدبیر وزیر داخله و مسامحه وزیر داخله در اعزام حکومت به کرمانشاه تولید این زحمت را کرده بنده عرض میکنم رشته آسایش اهالی بدبخت کرمانشاه بواسطه همین ترتیبات امروز طوری متزلزل و طوری هرج و مرج آنها را تهدید می کند که به هیچ وجه من اوجود بنده نمی توانم در اینجا ادعان کنم که سابقه خصوصی و اطلاعی که حضرت والا نسبت باوضاع کرمانشاه داشته است قصوری در امور آنجا نکرده است زیرا حکومت آنجا را تاکنون اعزام نداشته است اگر چنانچه وزیر داخله بخواهند بفرمایند من از اوضاع کرمانشاه اطلاع نداشتم به هیچ وجه نمی توانم این فرمایش را بفرمایند زیرا خودشان در پشت همین تریبون فرمودند که سالها در کرمانشاه بوده و اقدامات کرده اند بنده خودم هم با آقای وزیر داخله بودم و سابقه خصوصی وزیر داخله را اگر سایر آقایان نمایندگان میدانند بنده کاملاً میدانم پس بنده عرض میکنم آن علتی که باعث شده است حکومت را تا بحال نفرستند و يك هرج و مرجی در آنجا تولید خود چیست اگر چه آقای وزیر داخله سکوت دارند و به هیچ وجه من اوجود اظهار نمی فرمائید و بنده ( ۱۰۸ ) متشیت شده اند ولی بنده عرض میکنم رفته رفته کار کرمانشاه و اهالی آن بواسطه نداشتن يك قائم و نگاهبانی بیش از این خراب میشود و اسباب مخاطره برای تمام اهالی کرمانشاه فراهم میآید ما امروز يك قسمت از مملکت و يك سرحدی را می بینیم که در يك هرج و مرجی واقع شده که به هیچ وجه من اوجود نمیتوانم باین آسانها آن را تأمین کرده و انتظام داد در صورتی که اگر وزیر داخله تصدیق بکنند میدانند يك ماه قبل از این کار کرمانشاه را بهتر از این مرتب و منظم میکنند امیر مفتح دو ماه است که از کرمانشاه معزول شده است از اواخر حکومت امیر مفتح رفته رفته اسباب افتشاش در کرمانشاه فراهم شد و این افتشاش با بواسطه سوء تدبیری بوده که امیر مفتح اعمال کرده یا بواسطه اتفاقات دیگری بوده که بنده نمی دانم همین قدر عرض میکنم چرا وزیر داخله با سابقه خصوصی که بحال کرمانشاه داشت با ترتیبی که میدانست تاکنون اقدامی نکرده هر کس را گفتند حاکم آنجا بکنند اشکالی تراشیده و آن کس را هم که خودشان حاکم کردند اسباب و لوازم کار او را فراهم نکردند هر وقت هم کسی بخواد اظهار یا سؤالی بکنند بفرمایند اقدامات لازمه شده یا میشود هیئت دولت مشغول است و وقتی بخواهیم از ایشان استیضاح کنیم تمام هیئت وزراء را میآورند بمجلس و میگورند (سوالدارتبه) هیئت دولت بطوری است که اگر بخواهند از وزیر

داخله استیضاح کنید ماها همه آمده ایم جواب بدیم پس معلوم میشود که آقای وزیر داخله يك یستی بان محکمى مثل هیئت دولت دارد و در کمال قوت قلب نشسته و هیچ حاکم معین نمیکند بنده با آقایان نمایندگان نمیتوانیم تصویب کنیم که این اقدامی را که وزیر داخله می کند از روی بیگانه ملاحظه نیست بنده گمان میکنم در این موضوع يك ترتیبات خارجی هست که بنده نمیدانم چیست و مقصودم از بعضی ترتیبات خارجی که عرض میکنم اینست که بنده از جریان امور وزیر داخله اطلاع ندارم و خصوصیات عمل وزیر داخله را نمیدانم چیست ولی همینقدر عرض میکنم که مسئولیت کار کرمانشاه تماماً بعهده وزیر داخله است و يك نقطه مهم از ما امروز در حال تزلزل و در غایت هرج و مرج است و به هیچ وجه من اوجود هیچکس در آنجا از جان و مال و ناموسش ایمن نیست و تلگرافاتی را که مکرر در روزنامهجات و خودشانهم البته دیده اند دلیل و شاهد است که هر روز و هر شب در آنجا چند نفر کشته شده و این ترتیب برای این است که بکنند معاون دو آنجا معین کرده اند که از اهل خود شهر است و نمیتواند در آنجا حکومت کند مسلم است کسی که از اهل جایی باشد نمیتواند قائم آن قوم بشود تمام این ترتیبات و عدم اعزام حکومت را بنده از سوء تدبیر و مسامحه وزیر داخله میدانم و عرض میکنم مسئولیت کار کرمانشاه تماماً بطور مستقیم بعهده وزیر داخله است .

**ملک الشیراء** - اگر ماده ۱۰۸ را بموقع عمل نمی گذاشتیم البته بهتر بود و تکلیف معلومی شد زیرا تعلق ها باید بترتیب مخالف و موافق پیش برود بنده میدانم چرا از طرف آقای وزیر داخله اظهار می نشود .

**رئیس** - مردم را نمیشود بحرف زدن مجبور کرد اگر میخواهند حرف میزنند اگر نمیخواهند استیضاح را و این اظهارات را در اینجا بکنیم معذالك اظهارات کلیات را گذاشته ایم و برای اینکه حفظ نزاکت را باید کرد تسلیم شده ایم و حفظ مسئله را بکرمانشاهان منحصر کرده ایم و در مسئله کرمانشاه گویا شخص وزیر داخله تنها در معرض استیضاح باشد بنده ساحت سایر وزراء را مقدس میدانم و همچنین ساحت وزیر داخله را هم باید مقدس دانست اما وزیر داخله که از همه مسئولیت وجدانی خود بر آید حالا ما چه کنیم که آقایان وزراء جور کش آقای وزیر داخله شده اند ما چه کنیم که حضرت اشرف آقای عین الدوله رئیس الوزراء میخواهند محبوبیت دیرینه خودشان بر این کار فدا کنند ما چه کنیم که اینستائیل ما را مجبور کرده است این استیضاح را بکنم رفقای من مقدمت را گفتند آنچه بنده هم میدانم فقط يك جره مختصرش را عرض کردم و خیلی هم متأسفم از اینکه محبوبین مملکت ما میخواهند محبوبیت خودشان را در سر این موضوع بی انصافانه فدا کنند واقماً حیفاست و بیش از این دیگر عرض نمیکنم .

**حاج میرزا حسین** - چون موضوع مسئله استیضاح از وزیر داخله بود و در موضوع کرمانشاه آقایان تمام مطالب را فرمودند و موضوع هم متعدد

رأیستند نیستند ولی کسی که میخواهد در مملکتی که دارای سی کروار نفوس است در روی افکار عمومی عرض اندام بکنند البته باید ملاحظه سابقه مذهبی راداشته باشد بهرحال اینرا هم مسکوت عنه میگنارم لکن موضوعی که تمعيب شده است و حضرت والا وزیر داخله در آن موضوع طرف استیضاح واقع شده اند مسئله امنیت و مصونیت جان و مال مردم است و گمان نمیکنم این مسئله هم چندان لازم نباشد گفته شود و در این زمینه حمله بشود بنده تصور میکنم وزارتت که مسئولیت مقدرات يك مملکت را بدست میگیرند خود آن ها باید بیشتر در این مسئله دقیق باشند و اگر قانون اساسی هم نباشد وزیر مشغول امنیت مملکت است و باید جان و مال اهالی ولایت کرمانشاه را حفظ کند آن کرمانشاهی که در عرض این چند سال چندین دفعه لگد کوب اشرار شده آن کرمانشاهی که چندین مرتبه تاراج و غارت شده آن کرمانشاهی که خود و وراره بهتر از ما حالش را میدانند آن کرمانشاهی که چندین دفعه هستی او بیاد فنا رفته آن کرمانشاه متأسفانه از سوء تدبیر ( یا آنکه سابقه دیگری داشته کینه نمیدانم و مسئولیت آن هم راجع بشخص حضرت والا است باز دارد میسوزد آن کرمانشاه را هول داده اند و در میان کودالی انصاخته که از آن کودال زوال اوبیرون میآید زیرا اگر قدری در مسئله دقیق شویم می بینیم که متأسفانه کرمانشاه امروز دارد رنگ سیاست ایران را تغییر میدهند بنده نمیخواهم عرض کنم امامتوانم التماس کنم که چرا این مقدمات را فراهم آوردید که جان و مال اهالی کرمانشاه امروز در معرض خطر باشد و بیست نفر مجبور شوند در این استیضاح بفرمایند چه باید بکردار با اینجا کشیده شده است و داریم بطرف يك وادی خیلی تاریکی کشیده میشود آقایان وزرا بهتر از ما اینها را میدانند آنها هم وجدان دارند آنها هم دل دارند و عاطف و انفعالات دارند البته وزرا هم ایرانی هستند و باید بیشتر از ما باینست طلب اهیت بدهند شما خودتان میدانید که ما مجبور شده ایم این استیضاح را و این اظهارات را در اینجا بکنیم معذالك اظهارات کلیات را گذاشته ایم و برای اینکه حفظ نزاکت را باید کرد تسلیم شده ایم و حفظ مسئله را بکرمانشاهان منحصر کرده ایم و در مسئله کرمانشاه گویا شخص وزیر داخله تنها در معرض استیضاح باشد بنده ساحت سایر وزراء را مقدس میدانم و همچنین ساحت وزیر داخله را هم باید مقدس دانست اما وزیر داخله که از همه مسئولیت وجدانی خود بر آید حالا ما چه کنیم که آقایان وزراء جور کش آقای وزیر داخله شده اند ما چه کنیم که حضرت اشرف آقای عین الدوله رئیس الوزراء میخواهند محبوبیت دیرینه خودشان بر این کار فدا کنند ما چه کنیم که اینستائیل ما را مجبور کرده است این استیضاح را بکنم رفقای من مقدمت را گفتند آنچه بنده هم میدانم فقط يك جره مختصرش را عرض کردم و خیلی هم متأسفم از اینکه محبوبین مملکت ما میخواهند محبوبیت خودشان را در سر این موضوع بی انصافانه فدا کنند واقماً حیفاست و بیش از این دیگر عرض نمیکنم .

نیست که انسان بخواهد صحبت کند یا مطالبی که میگوید مطالب جدیدی باشد ولی تمام این گفتگوها برای این است که شخص وزیر داخله مشول امنیت مملکت است و چون ما میتوانیم در موضوع امنیت هر اقدامی بخواهیم بکنیم با کمال جدیت میتوانیم بنا بر این تمام این مطالب برمیگردیم باینکه چرا وزیر داخله در موضوع اعزام حکومت کرمانشاه مسامحه کرده باینکه خودشان بجز یک تلگرافی که از کرمانشاه میآید (و حال آنکه ما میدانیم آن تلگراف مبنی بر چه اساسی بوده و خود وزیر داخله هم میدانند) باینکه فوراً مجلس و ریاست مجلس تلفن میکردند و جاعتی را زحمت میدادند که ای داد ای فریاد مسئله خیلی اهمیت دارد باینکه فکری بکنید اقدامی بکنید که کار را اصلاح کنیم و این مسئله مکرر واقع شده که در هر مجلس که وکلای کرمانشاه وسایر آقایان حاضر بودند خدمتشان مرض کردند که اگر بخواهید امور کرمانشاه اصلاح شود باید حکومت فرستاده شود و با سابقه که بعضی ماورین دولت در کرمانشاه دارند و خود وزیر داخله بهتر میدانند میتوانیم بگوئیم بواسطه مسامحه کردن وزیر داخله تجری آنها زیاد تر شده و بیشتر اسباب انقلاب آنجا را فراهم آوردند لهذا تمام توجه ما به وزیر داخله است و تمام مقصود ما این است که چرا در فرستادن حاکم مسامحه کرده اند.

است و محتاج باستیضاح و هیچگونه مذاکره نیست شاید بنده با این ترتیب و اظهاراتی که میکنند موافق نباشم اما یک جمله آنرا بنده نمیتوانم فراموش کنم و آن اینست که با اطلاهی که دارم شخص وزیر داخله با سابقه اطلاع و طول خدمتی که در اطراف و اکناف ایران و در ایالات و ولایات داشته در راه علاج بهتر از هیئت وزراء امروزه میدانند خاصه در عمل کرمانشاه که چندین دفعه و چندسال در صحنه عزت حکومت و ایالت داشته اند و بر طبق اظهارات خودشان جزئیات امور آن حدود را با اندازه مطلع هستند که حتی از خانواده های ایلات و جمعیت کوچک و بزرگ سکنه آنجا و حالات روحیه آنها و اوضاع اقتصادی آنها و قوای آنها ضعف آنها بخواهی اطلاع دارند و این اطلاعات البته ماحصل این است که در قوه دارند در مدت ده روز یا پنج روز آن حوالی و آن نقاط را اگر چه در منتهای افشاش هم باشد امنیت کامل بمانند که نظیر آن در هیچ یک از نقاط ایران دیده نشود و مسلم است در صورتیکه ممکن است افشاش را امنیت داد ممکن است امنیت را هم به افشاش انداخت عرض کردم چیزی که بنده را باین استیضاح متوجه کرده است دو مطلب است یکی اهمیت فوق العاده اوضاع ناگوار کرمانشاه که بوظیفه یک نفر نماینده ناچارم استیضاح نمایم یا توضیح بخواهم یا سؤال کنم تا بالاخره خودم را از هر جهت و ترتیبی که هست آسوده خاطر کنم و نسبت به اهمیتی که واقعه امروزه دارد و علتها و مخالف اظهارات آقایان نمایندگان میشد مطالبی پیدا میشد که ممکن بود در آن بحث شود ولی با این تفصیل بنده داخل در جزئیات نمیشوم و باید هم نشوم چون موضوع راجع بکرمانشاه است اگر چه این آقایان ناگوار در این مدت اخیر در خیلی از نقاط مملکت اتفاق افتاده است حالا چرا نمایندگان را مجبور به استیضاح نکرده شایده برای این بوده که اطلاعات دیرتر رسید یا جلوگیری میشده است و اتفاقاً خبر مسئله کرمانشاه زود رسید و علمه مردم و نمایندگان کرمانشاه را متوجه کرده و آنها اظهاراتی کردند که از همان نمایندگان دیگر با اهمیت فوق العاده ناگوار این آقایان متوجه ساخت بنده علاوه بر اینکه در جزئیات داخل نمیشوم بدینخانه در بعضی کلیات هم نمیشود وارد شد چیزی که سبب شده است و واقفان فشار دمایی آورده است و حال هر کس را نسبت به وقایع ناگوار کرمانشاه متزلزل میکند و شاید از دست قسمت یک قسمت آن راجع به وقایع حاضر و نه قسمت آن راجع به وقایع غیر مرغوبی باشد که ممکن است متعاقب آن واقع شود این است که در واقع هزینه داری و هر صاحب تکلیف و صاحب وجدانی را مجبور میکند که بوظیفه شخصی و وکالتی و وجدانی متذکر و متوجه باین مسئله بشود و دیگران هم متوجه و متذکر کنند مقصود از دیگران هم هیئت دولت و شخص وزیر داخله است که مسئولیت این مطالب مستقیماً مربوط و راجع بایشان است این است که دو مسئله بنده را مجبور کرد باینکه در این استیضاح وقتی داشته باشم و وارد باشم خواه اینکه در مقابل این اظهاراتی که شده است و آنچه را که بنده میگویم مطالبی مفصل یا مختصر صحیح یا سقیم صحبت بشود یا نشود ولی چیزی که هست و بنده مریشیدم و در افواه هم هست اینست که میگفتند مسئله کرمانشاه سابقه که وزیر داخله نسبت بامور آنجا وارد توضیح و اوضاع

متجانس بگویم و قضاوت نمیتوانم بکنم ولی عرض میکنم استیضاحی که شده است در مسئله سوه اداره و مسامحه است و مایک قاعده ثابتی داریم که وقتی نتیجه غلط است البته مقدمه غلط بوده است در هر حال صرف وقت در مقدمه نیکم همینقدر میبینم نتیجه افشاش کرمانشاه است و در اینباب هم آنچه باید مکرر اینکه توضیحات وزیر داخله را تصحیح کنم و همانطور که عرض کردم ماده (۱۰۸) بنده از قضاوت محروم میکنم و نمیتوانم در اینباب تصمیم بفرمایم خودم را بآن جهتی که مقتضی یک نفر شخص است که میخواهند کار بکنند چطور اظهار کنم

**رئیس الوزرا** - میتوانم عرض کنم مجلس امروز یک مجلس تاریخی است بجهت اینکه هیئت دولت مسئولیت مشترک را که قبول کرده بودند حالا بموقع اجرا میگذارد برخلاف سوابق ایام که اینطور نبود باینکه حضرت ولا شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند یک قل و دلی بیان میآید و میگردد گمان میکنم اگر مطلب را خیلی ذیل بدهیم زحمت هردو طرف زیاد خواهد شد موقع مملکت ما امروز اینطور نیست که وزراء با وکلاهی که کمروزی یا یک کنگرانی پیدا کنند بلکه الله باید هردو متفقاً برای اصلاح و غیر مملکت هم رای هم عقیده باشند و با اتفاق یکدیگر کار کنند باید آقایان نمایندگان خوب بدانند که از روز اول عقیده من همین بوده است و تا امروز همین طور رفتار کرده و با استدلال ایشان کار کرده ام ولی تأسف میخورم از اینکه در اینجا بعضی مذاکرات شده که اگر رجوع بگذشته ها بکنیم خوب پیدا میکنیم گویا آنقدر وقتی برای ما نمانده که بتوانیم کلیه آن نظریات را اصلاح کنیم همه میدانند که مادو ماه است در کار داخل شده ایم در دو ماه از یک هیئت دولتی که شریزه مملکتشان از هم پاشیده شده و همه جا منتقل بود چه میخواهد و اگر در ظرف ایندو ماه هم باز مجال خودشان میگذاشتند شاید کاری بهتر از این بیشتر از این میکردند از هر طرف فشار آورده و میآوردند هیئت دولت گرفتار مسائل آنی است و هر دقیقه برایش یک بلای پیش می آید این نیست مگر بواسطه پریشانی مملکت اینرا البته خودشان فهمیده اند و بایستی سعی کنند آن پریشانی را بردارند و از روی انصاف خوب است آقایان و کلاهی بکابینه رئیس الوزرا بوزارت داخله و خارجه و یست و تلگراف و سایر جاها بیایند نگاه کنند ببینند در آن روزی که این هیئت دولت تشکیل یافته است تا امروز چند قدم جلو رفته و چه کرده است شاید مقتضی نباشد حالا من در اینجا بگویم ولی اگر ملاحظه کنند خواهند فهمید که این هیئت دولت خادم بوده است یا غیر اگر چه هر وقت نمیتوانیم تصور کنم که آقایان تصور خیانت کرده باشند ولی ممکن است به بیند این هیئت دست صکار و دست منصور سهل العمل بوده اند یا غیر آن خوب است این یک کار معلوم شوم در مسئله کرمانشاه چون مسئله معلوم بود خواستیم مطلب کلیتاً گفته شود بعد جواب داده شود باید خوب در نظر داشته باشند که مسئله کرمانشاه در موقع این کابینه نبوده است و آن روزی که من کابینه وار شدم و تشکیل هیئت

دولت را دادم قبل از همان روز واقع شده بود و باید در نظر داشته باشند که بفاصله دوسه روز بعد از آن متزلزل بودیم که حال کرمانشاه امروز و امشب چه میشود و با صبح چطور خواهد شد و اقداماتی که در اینباب شده است اگر لطف بفرمائید و از نظر لطف و محبت نگاه کنید میتوانیم تصدیق کنیم که قصوری نشده است و با آن اوضاع و حال شهر کرمانشاه بقدری که لازم بوده هیئت دولت سعی کرده است و با مشکلاتی که آنوقت بود فوراً ژاندهامری با آنجا فرستاد (که علاجاً سه صد نفر ژاندهامری است) و بعضی دستور العمل های کافی نسبت به ایلات داد و آن پریشانی هشرتی که خودش اسباب پریشانی حواس همه بود سکوت پیدا کرد هیئت دولت بآن پروگرامی که بجلس داده است باید باعلی درجه حفظ بیطرفی را بنماید و این مسئله را کاملاً رعایت کند و اگر یک اتفاقی در یک نقطه واقع شود باید نظرش بوقف بیطرفی باشد و تا گریز است که این مطلب را در مد نظر داشته باشد و هیچ وجه نیاید از آن غفلت کند در مسئله حکومت آنجا هم آقایان میدانند که حکومترا معین کرده ایم و تمام مخارجش را هم داده ایم حتی برای اینکه زود تر حرکت کند باین طریق مالیه قریب سی هزار تومان هم علاوه بر مخارجش تصویب کرده ایم که زودتر برود و اینرا باید همه آقایان بدانند مخصوصاً آقایان و کلاهی کرمانشاه خوب میدانند و در همه مواقع بوده اند و در تمام جزئیات یا هیئت دولت موافق بودند و اگر یک مشکلی پیش میآید این را رفع میکردند میدانند که هیچ قصوری برای روانه کردن حکومت نشده و حکومت هم شاید تا سه چهار روز دیگر حرکت کند باینکه در نظر حاضر است می دهند و حرکت میکنند برود و شاید تا دو روز دیگر معاونش را بفرستد برود اگر در نظر داشته باشند در همان روز فوراً آن اطاق با آقای حاجی امام جبهه و آقای مدرس و سایر آقایان و شاهزاده سلیمان میرزا بودیم باجه جدیدی تمنا کردم بفرستد تلگرافخانه و با حکمران شاه حرف بزنند اینها برای چه بود ؟ برای اصلاح کار آنجا نبود برای اینکه دولت جز آسایش اهالی آنجا نظری نداشت والا دولت خودش اینکار را میکرد اینست مطالب برای همین بود که همه با اتفاق اسباب آسایش مردم فراهم کنیم مقصود دیگر این نبود خیلی چیزها میگویند و خیلی چیزها میگویم اگر بنا باشد هر چیزی را که میگویم قبول کنیم گمان میکنم همه ماها زحمتان زیاد شود وزیر داخله بیکه قولیتی دارد من هیچ نمی توانم بگویم غفلت کرده است بجهت اینکه هر کاری که داشت چه در این موضوع چه چیزهای دیگر و در هیئت وزراء مطرح میشد دستور العمل میگرفت میرد و مینوشت همه میدانند در واقع اگر خطائی شده است ماها کرده ایم و هیچکدام از این امر خارج نیستیم کابینه وزارت داخله حاضر تلگرافخانه موجود خوب است آن آقایانی که پریشان عمل شده اند دست قیلاً بیعت دولت و شخص رئیس الوزرا مینوشتند که ما وظیفه هستیم و میخواهیم این اعمال راجع بکرمانشاه را بخصوص ببینیم و هر کس میخواست من باکمال صمیمیت حاضر بودم و مذاکره نداشتم چرا ؟ برای اینکه میخواستم چیزی پوشیده نباشد و با موافقت آقایان و کلاهی کاری شده باشد اگر از من میخواستند

من میگفتم میرفتند در تلگرافخانه و در کابینه وزیر داخله و میدیدند چه تلگرافی آمده و پنهان داشته است تمام آنها را جستجو میکردند و یک سندی می آوردند اینجا می گفتند وزیر داخله باینکه چه کاری را کرده است من گویا یک شخص نباشم که بتوانم یک کسی را که بوطن و مملکت خودش خیانت میکند قبول کنم شکر میکنم خدا را که یک بیشرانی باز وزیرانی دراز می توانم در اینباب اظهار خودم را بکنم حتماً اگر چیزی معلوم شده بود من از وزیر داخله حمایت نمیکردم و البته منم باشا موافق میشدم خیلی تأسف دارم که یک وقتی از یکی از آقایان و کلاهی شنیدم که میگفتند شاهزاده فرمانفرما با سنجاییها خیلی عداوت دارد و سنجاییها ابداً بصرف فرمانفرما کول نمیدهند و اطاعت نمیکند حالا میشنوم که میگویند سنجاییها با تمایلات فرمانفرما بعضی کارها میکنند ببینید چقدر ضلالت حکدام یک صحیح است نپندارم حالا آن قدر دل رادر آخر کلام بگویم و بیش از اینهم حالا لازم نمیدانم عرض کنم حقیقت باین پیش آمده امروز من کابینه خودم و هیئت دولت حاضر را متزلزل می بینم من یک شخص هستم (و گویا همینطور هم باشد و ادعا نباشد) که وطنم را را خیلی بر اندازم دوست میدارم و این حال امروزه را برای اندازه برای مملکت مضرمیدانم باین ترتیب این کابینه دیگر نمی تواند کار بکند بهتر این است آقایان و کلاهی این کابینه را با نظر لطف و محبت رد کنند و یک کابینه دیگری رادر نظر بکنند

**محل الدوله** - قبل از آنکه بنده بجهت عرضم اظهارات تأسف انگیز خودم را در وقایع کرمانشاه عرض کنم بدون اینکه مطلع شده باشم که در این مسائل دولت چه اقداماتی کرده است و چه نظری اتخاذ کرده است در اینجا گوش میدادم نه نفر از نمایندگان معترم دعو کرات با یک اظهارات و مان پرستی و حقیقتاً از روی مملکت خواهی اظهاراتی راجع به وقایع کرمانشاه فرمودند و بنده دست دقت کردم و دیدم مشابه آن وقایع در اغلب نقاط مملکت موجود بوده است که مخصوصاً همه وقت خبر آن یا رسیده و تأسف خوردم و متعیرانم لهذا اجازه خواستم که یک عرضی بکنم و آن این است که ما همیشه در کار های سیاسی این مملکت با یک ائتلافی داخل میشدیم و در بیشتر امور و نظام مملکت بآن اندازه که از خودمان برمیآید اقدام نموده راجع باصلاحات معایب گذشته مملکت سعی میکردیم و در جزئی و کلی باهم مشورت داشتیم و از این ائتلاف خیلی خوشوقت بودم مخصوصاً از نمایندگان ائتلاف پرسیدم

**رئیس** - از موضوع خارج نشوید.

**محل الدوله** - خیلی خوب - مقصود این است در موضوع این استیضاح که از طرف آقایان نمایندگان میشود بنده خیلی خوشوقت میشدم اگر قبلاً مطلع میشدم تا در آن شرکت میکردم حالا بعد از فرمایشات و بیانات آقای رئیس الوزرا که دفاع کردند (و البته حق وزیر داخله بود دفاع کنند) بنده ناچارم خاطر آقایان را بیک نکته متوجه بسازم و آن این است که دنباله هر استیضاح ممکن است بحرانی باشد بنده شخصاً و همینطور رقضای من نهایت احتراز را از بحرانی دارم و باین هلت همیشه موافقت با سایر نمایندگان داشته عقیده مان این بوده که با تقاطی افکار موافقت (و بلکه اخیراً از طرف آقایان اظهار

شده که باید با اتحاد) امورات مملکتی را انتظام بدهیم و خیلی افسوس دارم که چرا در این مسئله مهم قبل از وقت مذاکره نشده و ما را هم مطلع نکردند تا ما هم بدانیم و حالا آقای رئیس الوزرا اظهار عجز از اداره کردن مملکت میکنند خوب بود سابقاً یک هیئت دولتی را در نظر میداشتیم و اگر آقایان در نظر دارند بنده را متذکر کنند که با قوت قلب برای جلوگیری از خرابی بحرانی عقیده خود را اظهار کنم و بتوانیم در اینباب فکری کنیم تا دچار مضرات بحرانی نشویم.

**وحیدالملک** - بنده اظهار نظامنامه دارم **رئیس** - بفرمائید

**وحیدالملک** - اظهار بنده راجع است بماده ۴۷ نظامنامه داخلی گویا ماده (۴۷) نظامنامه داخلی مکتوب خاطر آقایان نباشد زیرا استیضاح از یک نفر وزیر منجر بحرانی نمی شود پس از آنکه استیضاح از یک نفر وزیر شده سه قسم رای میدهند نیست **رئیس** - این راجع باخطار نظامنامه

**وحیدالملک** - چرا چونکه فرمودند استیضاح منجر بحرانی میشود

**رئیس** - عرض میکنم راجع باخطار نظامنامه نیست اینکه میفرمائید تفسیر ماده نظامنامه است خطار نظامنامه وقتی میتوان بکنید که مواد نظامنامه رعایت نشده باشد هر وقت دیدید در خلاف نظامنامه ترتیبی واقع میشود آنوقت خطار بکنید

**وحیدالملک** - بسیار خوب

**سردار سعید** - اولاً خیلی متأسفم که شاهزاده وزیر داخله خودشان جوابی ندادند و شاید بعضی تصور کنند که این سکوت ایشان در حقیقت یک تصدیق است چون مذاکراتی که تا بحال شده است راجع بشخص ایشان بود و باید ایشان جواب بدهند اما اینکه حضرت والا میفرمایند موقع کمورت نیست باید هم رای و هم عقیده بود البته ما هم عقیده مان همین بود و دو ماه است که آقایان و کلاهی ساکت مانده اند و مثل یک تماشاچی از کنار نگاه میکردند و در اتفاقی که در این مملکت واقع میشد مخصوصاً که همین مسئله که مذاکره میکنیم یعنی مسئله کرمانشاه ساکت بودند و سکوت ما هم همین دلیل بود که با هیئت دولت همراه باشیم و با وزیر داخله ضدیت نکنیم و حرف نزنیم و ببینیم آنجا چه میکنند شاهزاده وزیر داخله دو ماه متصدی این شغل بودند و در دو ماه گمان میکنم اگر کسی بخواهد کار کند خیلی خوب میتواند نتیجه بگیرد در حالی که ببینیم قبل از دو ماه خیلی از کارها شده بود که حالا آن کارها شده است پس معلوم میشود که ایشان در این دو ماه کاری که نکرده اند در صورتیکه میتوانند در این دو ماه کرمانشاهان را بجات سکوت نگاهدارند یعنی همانطور که در دو ماه قبل بود حالا هم همان صورت را داشته باشد بدینخانه ببینم آنطور نیست و خیلی بدتر و خرابتر شده جلو که نرفته ایم سهل است خیلی هم عقب افتاده ایم اما اینکه فرمودند کار کرمانشاه همان اول کابینه حضرت والا هیئت الدوله مجلس معرفی شد مطرح و محل مذاکره بود بنده هم تصدیق دارم

و یکی از آن اشخاصی که در آن موقع امیدواری بانام کار سکرمانشاه داشت بنده یعنی تصور میکردم با آن احاطه تامی که شاهزاده وزیر داخله بارضاع ایالت قرب دارم و آن شناسایی شخصی که با یکی یکی رؤسای ایلات و اشخاص و رجال آنجا دارند بکنی صورت و اوضاع آنجا تغییر خواهد کرد و موافق صلاح حال مملکت اداره خواهد شد بدبختانه دیدیم نشد و مجبور باینست استیضاح شدیم اما اینکه فرمودند ژاندارم فرستاده شده و دستورالعمل بر رؤسای ایلات داده شده فرستادن ژاندارم را بنده تصدیق دارم ولی دستوری که فرمودند بر رؤسای ایلات داده شده است عرض میکنم دستوری که از یک وزیر داخله که اطلاعات کامله از آن ایالت دارد داده میشود لابد باید نتیجه داشته باشد اما همه می بینیم که بکنی سوء اثر بخشیده ما نمیدانیم این دستور چطور داده شده اینک فرمودند برای اعزام حکومت تصویب کردند فلان مبلغ اضافه بدهند بنده تصدیق دارم ولی گویا تصدیق دادن پول را کرده اند ولی هنوز نه چیزی بحکومت داده شده است و نه او برای حرکت حاضر است اینک فرمودند بروند در کابینه وزارت داخله تقبلی کنند من با کمال تأسف عرض میکنم ممکن است خیلی چیزها باشد که اصلاً در کابینه وزارت داخله وجود نداشته باشد یعنی همان کتب های شخصی و میان مکاتبات شخصی که در منزل انجام داده میشود و ابتدا در کابینه موجود نیست باین ترتیب هیچ جوابی باستیضاح ما ندادند و نمیدانم حاضر هستند یک جوابی از برای این سهل انگاری ها و بی مبالایی ها بدهند یا خیر ؟

**وزیر داخله** - اعتراضات آقایان نمایندگان را که فرمودند همه را شنیدم و اینکه بنده بلافاصله بعد از یک نفر بلند شدم جواب بدم بجهت اینست که ما خودمان را در تحت یک دسیسایی می دانیم و بواسطه فرمایش آقای رئیس الوزراه بود در حضور خودشان میگویم که فرمودند هر چه میشدی مرخص نیستی جواب بدمی حالا مجبورم بعضی نسبت ها که اینجا داده شد آنها را باید یکی یکی جواب بدم افلا میگویند تلگرافات رمزی و خصوصی من متعیرم کسی که این حرف را در مجلس باین عظمت میزند خجالت نمیکشد و نمیداند که یک وزارت تلگرافی هست که محکوم است تلگراف رمز خصوصی را از کسی قبول نکند چطور این نسبت را در یک همچو مجلسی که واقفاً مقدس است میدهند و نمیدانند در همچو جائی نباید افزا زد تلگراف رمز آنچه شده است از طرف وزارت داخله و بمر وزارت داخله است و مهر وزارت داخله در دست میرزا سلیمان خان معاون وزارت داخله است اداره رمز و منشی رمز معین است از آنجا به تلگراف خانه کرمانشاه مغایره میشود و از آنجا بتلگراف خانه کرمانشاه مغایره میشود و هر چه بوده است از روی یک سندی بوده است از روی هوا و هوس که نباید حرف زد باید یک سندی بامضاء و مهر فرمانفرما دریاورند و بگویند تو فلان کار را کرده و لفظ تنها که فایده ندارد من میگویم این رمز را باید پیدا کنند و بیاورند و بگویند تو فلان موقع این تلگراف رمز را کرده و از کرمانشاه صورتش را از برای من آورده اند آن

وقت بروند با اداره رمز وزارت داخله نمرایش را ببینند بروند در تلگرافخانه نمرایش را ببینند واصلش را در تلگراف خانه کرمانشاه پیدا کنند و بیاورند مرا مجازات کنند و بدارم بزنند ولی مع التأسف یک لفظ قناعت می کنند بنده حاضر و فراین مجلس مقدس اظهار میکنم هر کس بامضاء من تلگراف رمز یا مکتوب شخصی در آورد که دستورالعملی بایلات کرمانشاه داده باشم کوچکترین مجازات من دارم کشیدن من باشد و این مسئله را در این مجلس با حضور این جماعت میگویم این یک مطلب است اما مطلب دیگر این که مکرر گفتند وزیر داخله گفت من در کرمانشاه نفوذ دارم بنده حاشا نمی کنم که تکرار می کنند بنده بی حد و اندازه نفوذ دارم یک روزی بنده در آنجا حکومت کرده ام و یک اشخاصی را میشناسم و صبح است من نفوذ دارم افسوس که آقای وزیر خارجه دهنه بدهن من زده است که نمی توانم دو سیاسیات داخل شوم تا باهل مجلس معین کنم که چه خدمتی بوطن خود کرده ام برای نفوذ من همیشه کافی است که اگر نفوذ من در این موقع نبود و سابقه من در کار نبود حالا کله ورق قاش در همدان بلکه بالاتر بودند اینست راپورت اداره ژاندارمری و امروز در این مملکت از رئیس الوزراه گرفته تا ادانی مردم کسی نیست که بتواند منکر صحت عمل سوتیها و اداره ژاندارم بشود بهترین اداره ما امروز اداره ژاندارم است و هیچکس نمیتواند انکار کند راپورت اداره ژاندارم برای من بزرگترین سند است ولی مع التأسف میگویند صلاح نیست بخوانم هر وقت میل دارید در مجلس خصوصی بخوانید و ببینید چه نوشته است میفرمائید تکامل کرده است من معنی تکامل را نمیدانم مگر شما وزارت جنگی سراغ دارید که صدر مزار سرباز داشته باشد و من دنبال نکردم و هزار نفرش را فرستادم ما یک اداره ژاندارم داشتیم از این اداره با هزاران زحمت و با کمال جدیت و حمله سیصد نفر ژاندارم فرستادیم رفت و نظم آنجا را ژاندارم سیر دیم متصل میگویند شهر کرمانشاه بی نظم است شهر کرمانشاه در کمال آرامی است و مثل همیشه است یک واقعه در شهر کرمانشاه نبوده است که فوق العاده و فوق الطاقه باشد کرمانشاه همان کرمانشاهی است که در عرض این هفت هشت سال ده دفعه زیر و رو شده و قهلا قهلا میدانند خود شهر و اطراف در کمال آرامی است و در تحت نظر ژاندارمری است کابینت سانسون ژاندارم را مسئول کردیم و نظیم شهر را هم گفتیم در تحت نظر او باشد نایب الحکومه آنجا راهم گفتیم هر چه کابینت سانسون می گوید و رئیس صاحب مقصبات ژاندارم میگویند اطاعت کنند خودش مستقیماً نمی تواند کاری بکند ایراد میگیرند که چرا این نایب الحکومه را معین کرده ایم وقتی که ما وارد این کابینه شدیم یک گفتش در آنجا بود و رؤف هم که نمی شناسم گبست و نمیدانم از کجا آمده است تا سربل آمده بود و چاره نداشتیم جز اینکه فوراً یک آدمی را در آنجا بگذاریم که نایب الحکومه باشد و اهالی از او تمکین کنند لهذا او را معین کردیم و بهتر از او نداشتیم که مردم از او تمکین کنند و اینکه باو بگویند و سکنایه و استفاده بعضی نسبت ها میدهند نمیدانم برای چیست پدرش و برادش جان خودشان را روی حکومت مشروطه گذاشته اند باید همیشه سوابق مردم را نگاه کرد ولی دایم و سبب نمیشود مردم

ضایع کرد اگر یک روزی یک کسی خلاف بکند نمی توانیم انکار کنیم ولی سوابق او این است که عرض کردم و در آن روز هم کس دیگر را حاضر نداشتیم حتی روز اول بوکلای کرمانشاه گفتیم این آدم چطور است خودشان تصدیق میکردند و شاید حالا انکار کنند والا خودشان بن میگویند که ما امروز کسی را نداریم می خواستند بگویند اما کس دیگر را معین کنیم در خصوص اینکه می فرمائید بنده نفوذ دارم صحیح است صحیح است اما نفوذ من حد دارد بنده دیگر آنرا نخوانده بودم که یک آدمی آنجا پیدا میشود که اسمش رؤف است و باو هر چه میگویم برو نبرد این را نخوانده بودم بملوه گفتم این راپورت ژاندارمری است و در یک مجلس خصوصی برایتان میخوانم اگر ژاندارمری را صحیح و درست میدانید ببینید چه نوشته است و آنکهی بنده هر چه در این کابینه کرده ام تمام با اجازه رئیس الوزراه مملکت و استحضار سایر رفقایم بوده است همه حاضر شد و در حضور خودتان میگویم حتی بعضی تلگرافاتی که برای انکار نوشته شده است بخطامه عیشم السلطنه جرح و تعدیل شده و ما این همان ها محتشم السلطنه هم بکار گذار خودش تلگراف کرده است ما گاهی بر حسب لزوم که لازم بوده است مطلب یک درجه بالاتر برود حضرت رئیس الوزراه تلگراف کرده اند این مطلب تمام واضح است و یک کار حلیمه نشده است اما اینکه من در ایجاب جواب ندادم یا اینکه به رئیس الوزراه متوسل شدم برای این بود که مجلس با اتفاق آراء رای اعتماد در باره رئیس الوزراه داد آنوقت او ماها را بی مجلس معرفی کرد و بسا هم رای اعتماد داده شد البته من تکلیف این است کلبه این مسائل را به آنها اظهار کنم و با آنها اشتراك داشته باشم این چه ایرادی است که حکماً شخص وزیر داخله مسئول است راست است من مسئول اما که بعضی چیزهای داخلی که بیان می آید نه در بعضی مطالب سیاسی که پای اجنبی بیان می آید و در این مسائل همه با هم شریک و سهیم بوده ایم دیگر باقی یاد داشتها عرض نمیکنم و هر قسم نمایندگان معظم پارا ان میل داشته باشند من با کمال تشکر و افتخار حاضر فقط چیزی که هست می خواهم دانستم چیزی آلاش پیدا نکنند

**نظام السلطان بنده** همین قدر میخواست عرض کنم که خیلی تعجب میکنم از چنین روزی که مملکت دچار گرفتاری شده است اگر جمعی از نمایندگان بخواهند یک اظهار عقیده بکنند و یک دوائی برای درد های بی درمان این مملکت پیدا کنند میگویند سلب اعتماد از کابینه و رئیس الوزراه شده است خیر همه نیست چنانچه آقای رئیس الوزراه و وزیر داخله فرمودند مجلس رای اعتماد با ایشان داد و حالا هم نسبت بشخص ایشان اظهار عدم اعتماد بکنند ولی در موضوع این بدبختیها که پیش آمده است گمان نمیکنم آفتدر کوچک باشد که بعد از هفت هشت ماه انعقاد مجلس و کلاً آنقدر ما هم اظهار حیات نکنند و خاموش بنشینند با اینکه بواسطه ملاحظات و مناسبات شخصی یا بعضی چیز های دیگر ساکت باشند ملاً بنده بکنفر و کبل هستم قطع دارم مقدرات زندگانی من منوط و بسته بقدرات اجتماعی مملکت است لهذا با بنواستاز خودم گذشته وقتی از خودم

گذشتم از همه چیز خواهم گذشت این مذاکراتی را که آقای وزیر داخله فرمودند گمان میکنم یک مقدارش را نیشود قانع شد برای اینکه آنروز که ایشان بمقام وزارت داخله نایل شدند حالت کرمانشاه بهتر بود باز اگر بمقتضای آن روز بود باقی میماند و این واقعات تازه اتفاق نمی افتاد یک مطلبی بود میگویند نفوذ ایشان تا یک اندازه جلوگیری کرده و جدیت بخرج داده و از خیلی افتخاشات جلوگیری کرده اند در حالتی که می بینیم دو ماده قبل امن تر از امروز بود و این واقعاتی که امروز پیش آمده است فوق العاده ما را بریشان میکنند و شاید تصور شود که مجلس مقدس نسبت بوقایعی که در مملکت اتفاق می افتد بی طرف است در حالتی که مجلس باید بعضی طرفی معین باشد و حتماً باید از این وقایع جلوگیری شود در دفع این معظورات بشود تا منجر یک مرایی بعدتر از این نشود

**رئیس** - در باب استیضاح آقایان مذاکرات زاکافی میدانند یا خیر (گفته شد کافی نیست) از طرف آقای سردار معظم پیشنهاد شده است جلسه ختم شود و بقیه استیضاح بماند از برای روز ۱۳ شنبه برای اطلاع آقایان قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که امروز جلسه ختم و بقیه استیضاح بروز ۱۳ شنبه موکول شود

**سردار معظم** - عرض میکنم در این مطلب باید دقت شود و مطالب بطور خوبی گفته و شکافته شود و عقاید در اینجا کاملاً اظهار شود چون امر دائر است بین یک بهران و هم بهران و با اوضاع حاضر مسئله تولید یا عدم بهران چیز کوچکی نیست از طرف دیگر وقت گذشته است منها دو نفر دیگر بتوانند حرف بزنند آنوقت طبعاً و فهاً باید رای گرفته شود همینطور در یک مسائل جزئی کوچک تر و هادی تر مابعد مدت مدیدی وقت خودمان را صرف میکنیم چه ضرر خواهد داشت که باز فردا صبح یا امروز عصر فرق نمیکند جلسه را منعقد کنیم دو سه ساعت دیگر وقت داشته باشیم و عقاید خودمان را بگوئیم و مطلب واضح شود پس بنظر بنده این طور خیلی بهتر است چون آقایانی هم که اجازه منطق خواسته اند حاضر نخواهند بود که نوبه خودشان را از دست بدهند و اظهار عقیده نکنند بنا بر این گمان میکنم دیگر حالا موقع مذاکره نیست و بهتر این است عصر یا فردا صبح مجلس منعقد شود که یک وقتی باشد که آقایان دنباله مذاکرات و عقیده خودشان را بیان کنند و الا اگر بخواهیم بر خلاف این ترتیب رفتار کنیم و حمله کنیم و همین امروز مطلب را ختم کنیم منتها یکی دو نفر دیگر حرف خواهند زد آن وقت مجبور به رای میشود در صورتیکه مسائل خیلی است که حل نشده و گفته نشده است و بالاخره وایبگردن بگیرد

**وزیر امور خارجه** بنده در این موضوع بعقیده آقای سردار معظم میبومم اگر در این مسئله برده زیر این برده نمیبود گمان میکنم هر چه بیشتر در این موضوع گفتگو شود شاید مذاکرات ببعضی جاها منجر شود که لایق نباشد در مجلس ذکر شود این است که بنده عرض میکنم امروز با کمال

تأسف در این مجلس حاضر شده ام و یک تأسف زیاد تری خود را بر نطق می بینم زیرا این موقع تاریکی که ما امروزه داریم و مشکلاتی که در اوضاع حاضر است شاید بر هیچ یک از افراد مملکت نیهان نباشد تا چه رسد بنمایندگان محترم مجلس و از اول تا بحال عقیده ما این بود که در پیش آمد هائی که برای مملکت حاصل می شود با یک موافقت و صمیمیت و بدون سوء ظن یا بدون شهیه باینکدیگر مشغول اقدام شویم و این گرفتاری هائی که بر هیچ کس مسطور نیست شاید اصلاح شود و انشاء الله بیک نتیجه خیری منجر شود امروز متأسفانه می بینم یک استیضاحی نسبت به هیئت دولت پیش آمده است که لابد بواسطه بعضی شبهات یا بعضی سوء ظن هائی است که حاصل شده در حالتی که ممکن بود باین شبهات و سوء ظن هائی چنانکه یک نفر از نمایندگان محترم عرض کردیم بیاید و توضیحات و اقداماتی را که در ایجاب شده است بییند و از شبهاتی که دارند خارج شوند و اگر آن شبهه ها دلجلی دارد بیاینده در هیئت وزراء و بخش رئیس الوزراه که بایک نیت خیلی عالی داخل در این خدمت شده اند اظهار کنند و آن قصور یا خدای نخواست آن خطا را مرتت کنند تصور نمی کردم در یک چنین موضوهی در مجلس هلنی داخل مذاکره میماند و شونده معلوم است با همه اسباب دلخوری میشود دلخوری منجر برده و روئی میشود در صورتیکه قصداً این بود با تمام افراد مجلس بدون ملاحظه فرقه و غیره بطور اخوت و یگانگی کار بکنیم این دوری برای مملکت البته مضر و مملکت خواهد بود و از اظهارات آقایان معلوم بود که باید ذیلاً توضیحاتی خواسته باشند و ما جواب بگوئیم در این صورت امید وارم که هر ایش نده رایسمع منصفانه و بی غرضی که وظیفه شان است استماع بفرمائید که بتوان این کار را بجائی رسانید و طوری بشود که نتیجه سوئی نماند بعضی از نمایندگان محترم فرمودند در مقام نمایندگی مسئولیت دارند صحیح است کمال مسئولیت را دارند هم در پیش و جان و هم در پیش خدا هم پیش اهل مملکت مسئولیت دارند اما این مسئولیت را وقتی درست ملاحظه بفرمائید فقط در این نیست که بیانات مطلب یا شبهاتی که حاصل میشود آن شبهات طوری ذکر شود که شاید نتیجه او متأسفانه مزید شورایی این مطالب هلناً مذاکره شود بنا بر این مانده این مطالب را فرد او طول تقضیل در این مذاکره ها را نیست بهم خود تصویب نمیکنم و گمان میکنم هیئت دولت هم در این موضوع همین عقیده را دارند و همین امروز در این موضوع هر چه میفرمائید بفرمائید ولی عرضی کردم آنچه راجع سیاسیات است دو مجلس نمیتوان ذکر کرد یا کمیسیون معین کنید پدر مجلس خصوصی راجع باین مطلب ملاحظاتی بفرمائید و در مسائل دیگر هم اگر از روی انصاف ملاحظه کنیم می بینم که آن مسائل هم یک مطالبی است که بواسطه آن مسائل تحت پرده دیگری اتفاق افتاده است و توضیحات آنها را هم آقای رئیس الوزراه و وزیر داخله باندازه که مقبول بود فرمودند حالا برای نمایندگان محترم امتناهی حاصل شده باشد یا نشده باشد نمیدانم بنده که دیگر پیش از این داخل در مذاکره نمیشوم

کرده اند و هیئت دولتی برخلاف بیطرفی و حفظ روابطی که با همسایگان خودش دارد اقدامی نکرده و در کمال صمیمیت این مسئله را رعایت نموده و بیطرفی را بدون هیچ تقاوتی منظور داشته و بهیچ وجه دستوالعملی داده نشده که نسبت بشهر و ایلات داده شده این بود که باید حفظ بیطرفی را بکنید و با کسی طرف نشوید و باید موقع حاضره را حفظ کنید و با سستی یک کاری بکنید که اسباب گرفتاری نشود و مسئولیتی برای شما در پیشگاه دولتی و ملت حاصل نشود این دستورالعملی بوده است که با آنها داده شده است و برخلاف این با هیچ دستورالعملی داده نشده و اگر مسئله را بنمایندگان محترم طور دیگری اظهار کرد باشند که اسباب شبهه باشد بکنی دور از حقیقت است و صریحاً عرض میکنم دولت با هیچیک از همسایگان خود طرف و بهیچوجه نمی خواهد طرف شود و البته نسبت بیک دولتی که در مقام اسلامیت و اتحاد اسلامی از قدیم با دولت ایران روابط کامله داشته است کمال اهمیت را میدهد و هرگز نمیخواهد از حفظ بیطرفی خارج شود یا اینکه القای اسباب شده باشد که دیگران نسبت باواز این خط خارج شده باشند اما بعضی اتفاقاتی می افتد که متأسفانه بنده نمیتوان آنها را در مجلس هلنی عرض کنم و البته نمایندگان محترم تصدیق خواهند کرد بعضی مسائل که واقع میشود و هیئت دولت وظیفه دار هستند و مسئول رسیدگی بآنها هستند ممکن نیست هلناً ذکر شود و اگر نمایندگان محترم بخواهند آن مطالب را بدانند و جریان امر را مستحضر شوند هیئت دولت حاضر است تمام اقداماتی را که کرده است تا آن دانه آخر توضیحات صادره و وارده را ارائه دهد و باهموم هیئت نمایندگان یک کمیسیونی تشکیل بدهند و ملاحظه کنند و بییند که دولت تصدیق بیکه در ایجاب کرده بود منظماً با کمال حقیقت روی آن تصدیق خود ایستاده و اقداماتی را که نموده مطابق همان تصدیق بوده و غیر از آن چیزی از طرف هیئت دولت صادر نشده است و در اینجا من خیلی یادداشتها کرده بودم ولی اگر مجال دخول در آنها نیست اما چون آقای سردار معظم میفرمائید مذاکره ها را بگذارند برای فردا بنده تصور میکنم از این نقطه نظری که من دارم شاید در مذاکره زیاد ذکر بعضی اسامی بشود و مطالبی روی کار بیاید که مناسب نباشد در مجلس شورایی این مطالب هلناً مذاکره شود بنا بر این مانده این مطالب را فرد او طول تقضیل در این مذاکره ها را نیست بهم خود تصویب نمیکنم و گمان میکنم هیئت دولت هم در این موضوع همین عقیده را دارند و همین امروز در این موضوع هر چه میفرمائید بفرمائید ولی عرضی کردم آنچه راجع سیاسیات است دو مجلس نمیتوان ذکر کرد یا کمیسیون معین کنید پدر مجلس خصوصی راجع باین مطلب ملاحظاتی بفرمائید و در مسائل دیگر هم اگر از روی انصاف ملاحظه کنیم می بینم که آن مسائل هم یک مطالبی است که بواسطه آن مسائل تحت پرده دیگری اتفاق افتاده است و توضیحات آنها را هم آقای رئیس الوزراه و وزیر داخله باندازه که مقبول بود فرمودند حالا برای نمایندگان محترم امتناهی حاصل شده باشد یا نشده باشد نمیدانم بنده که دیگر پیش از این داخل در مذاکره نمیشوم

**رئیس -** گمان میکنم اول بایستی در پیشنهاد آقای سردار معظم رأی گرفت اگر تصویب شد آنوقت باید داخل در اصل مطلب شویم

**وزیر امور خارجه -** هیئت دولت تقاضا میکنند این مطلب بفرما تا منتهای امر روز حاضریم اگر تا سه ساعت از شب گذشته هم باشد اینجا بمانیم تا مطلب تمام شود چون داخل شدن در بعضی مذاکرها گمان نمیکنم صحیح باشد

**سردار معظم -** بنده پیشنهاد خود را پس میگیرم زیرا هیچ نظر خصوصی نداشتم همینطور که آقایان وزراء حاضر هستند و کلاً هم حاضرند شش ساعت دیگر بنشینند تا مطلب ختم شود اگر یک مضرتی در ختم مجلس میبیند ممکن است مجلس ختم شود موضوع پیشنهاد بنده این بود که بواسطه گرمی هوا ابتدا کمرها خانه داده شود و رأی را بفرماید بگذاریم حالا که مایل بخدمت جلسه نیستند بنده پیشنهاد خود را پس میگیرم و تا غروب در اینجا بمانم و حرف میزنم

**رئیس -** پس اگر آقایان صلاح میدانند چند دقیقه تنفس داده بشود (در این موقع تنفس شده و دو ساعت بعد از ظهر مجدداً مجلس تشکیل و شروع بتجدید مذاکرها شد

**مدرس -** قانون اساسی ما فرموده است که وزراء در کارهای هدیکر مسئول هدیکرند لهذا در کلیه امورات بنده مطابق قانون اساسی تمام وزراء را مسئول میدانم وزیر داخله وزیر امور خارجه و غیر همشان مسئولند در این مسئله که متعلق است بوزیر داخله است و مطرح مذاکره شد در واقع یک مشکل قدیمی برای من حل شد و آن این است که من قریب چهار سال است در این شهر هستم و همیشه میشنیدم که فرمانفرما آدم بدی است از هر کسی مهربانتر است جهت چیست کسی فلسفه اش را نمیبیند اما از همه کسی میشنیدم که فرمانفرما آدمی است تا اینکه مع التأسف این مسئله استنباح بیان آمد و بیروز شیدم که چند نفر از آقایان و کلاز وزارت داخله استنباح خواسته اند بنده بهیچوجه از وزرا تقدیس نمیکنم الا اینکه میگویم قانون اساسی بما گفته است بعد از آنکه بر رئیس الوزرائی اظهار اعتماد کردند و خلاقی از او نداشتند باید استادکی بکنند و از او نگهداری بکنند در این مجلس دوماه قبل با تقاضای هم خلافت معلوم نشده است و امیدواریم تا آخر هم معلوم نشود و گمان این است تا آخر این دوره هم معلوم نشود حالا بعضی مشکلاتی پیش آمده که میگویند تقصیر آقای وزیر داخله است حالا میگویم تقصیرات آقای وزیر داخله را بقیه چیست

آقایان و کلاً مسؤلفند و شاید کسی نباشد که بگوید راجع بامور کرمناشاهان بنده در جلسه خصوصی و تلگرافخانه و هیئت وزراء بوده ام راجع بامور کرمناشاهان چند کابینه و چند مجلس وجه در تلگرافخانه تماش را شخص بنده حاضر بودم تا سه روز قبل هر چه بود و این مطالبی که ناز شیدم یک مطلب تازه نبود تماش را کما هو حقه آقایان مسؤلفند و این مطالبی که در شب نامه و روزنامه افواه و غیر افواه است مثل مسئله استنباحی است که آقایان و کلاً کرده اند و ابداً اساس ندارد

بواسطه اینکه از استماع فرمایشات آقایان بنده دو چیز بیشتر استنباط نکردم اول اینکه چرا حکومتی بکرمناشاه فرستاده نشده است بنده از اول عرض کردم که تصدیق و تکذیب از آقایان وزراء نمیتوانم بنده مسئول خودم را رئیس الوزراء میدانم و از ایشان هم نه تصدیق میکنم نه تکذیب و وقتیکه رئیس الوزرائی یکی از وزرایش را اخراج کرد من تا بهم ما بکنفر را بوزارت قبول کرد باز هم من تا بهم نه تصدیق کسی را میکنم و نه تکذیب چشم بآن صلی است که رئیس الوزراء میکند اگر تمام افراد وزراء را بیرون کند بمقتضای قانون میدانم و اگر ده نفر دیگر بیاورد بوزارت معرفی کند آنها هم بمقتضای قانون میدانم من هواخواه قانون و حافظ قانون هستم نه حافظ روز نامه و شب نامه و حرفهای سر کوچه و بازار و از این حرفها که مطلبی بیشتر استفاده نکردم یکی اینکه میگویند چرا وزیر داخله به کرمناشاه حاکم فرستاده است در بیست و یک یا بیست و دو روز قبل درست حسابش را ندارم که گفتگوی حکومت کرمناشاه بود بنده بجهت مسئله خدمت آقای رئیس الوزراء که تقاضا کرده بودند رفتم آنجا نشستم مذاکره کردیم بعد خواستم حرکت کنم آقای رئیس الوزراء فرمودند

**اقبال الدوله -** حالا میآیند بانجا خواش دارم شما بنشینید به بنیاد اقبال الدوله چه میگوید و بایشان تا کذب بکنید شاید زودتر حرکت کند بنده هم اینکه خدمت آقای اقبال الدوله چون اهل اصفهان هم هیچ اخلاقی ندارم و گمان میکنم تا آخر هم بایشان اخلاقی پیدا نکنم معذرت که چون دیدم میل آقای رئیس الوزراء بحکومت ایشان است نشستم تا آمدند وقتیکه آمدند التماس کردم بایشان گفتی بکنفردی معارج را کم کند و فزونی روانه شوند با و کلاهی کرمناشاهانم در تلگرافخانه رفتم همینطور بود حتی اینکه آقای رئیس الوزراء فرمودند بکنفردی تفنگ میخوانم نه کتم اسبابش فراهم نیاید مقصود این است که مسئله این بود بنده قبول دارم که دوماه قبل باید این کارها شده باشد خیلی کارهای دیگر هم باید شده باشد چون بکاشان هم رفته باشد خیلی کارها در او راه و سوار جابلاغ و غیره تا آخر ایران باید شده باشد و لیکن هیچکدام نشده بنده تمام این مسائل را تصدیق دارم اسبابش فراهم نشده یک مطلب دیگری که فرمودند این بوده که گفتند یک دست غیر مستقیم در آنجا کار میکنند این را بنده جداً نسبت تمام افراد ایرانی تکذیب میکنم بواسطه اینکه همین ابتلاآت که در این کابینه هست در دو کابینه سابق هم بود و بنده گمان نمیکنم در ایران بکنفر مسلمانی پیدا بشود که بخواند میان دو دست از مسلمانی مسکورت پیدا بشود محال است ایرانی مسلم راضی باشد که در یک صحنی از استماع عالم کدورتی میان دو نفر از مسلمانی پیدا بشود چه رسد بایران وجه رسد باین ابتلاآت که ما داریم بنده جداً این حرفها را نسبت بکنفردی یا بکنفر از افراد ایرانی بکنی تکذیب میکنم و افزون و بهتان صرف میدانم و این مطالب را از راه شبهه میدانم بجهت اینکه تحقیقات کامل که میشود البته اسباب شبهه میشود و هیچ فکر نمیکنند که اینگونه شیوات و اینگونه القآت چه قدر ضرر اساسی برای ما دارد و چه قدر ضرر

باستقلال پنجاه سال دیگر با اولاد من که هیچ عقیده ندارم که این کابینه و آن کابینه و ده کابینه که من سیر کرده ام هیچکدام در قلیشان خطور کرده باشد که میان دمسلمان بهم بخورد نمود بالله اگر یک همچو چیزی بر شخص من یا بر مجلس معلوم باشد هر گاه خدای تعالی بخواسته بکنفر وزیر همچو کاری کرد یقین بدانم آن وزیر از ربه ایرانیت و اسلامیت خارج است نمود بالله چنین چیزی را باید باور کرد اگر یک همچو شبهه بشود باید الفاء آن شبهه را از فیدانست و از دستنی دانست که در مقام خرابی این دنیا است و ابداً نباید محل اعتنا قرار داد لهذا گمان میکنم اگر آقایان و کلاً در بیانات خودشان چیزی فرموده اند یا بنده درست ملتفت نشده ام یا واقفاً اشتباه لفظی شده است و گمان نمیکنم دوباره هیچ وزیری و هیچ ایرانی کسی همچو اعتقادی داشته باشد و اما ابتلاآت کرمناشاهان ابتلاآت است که در آن دو کابینه سابق هم که کنار رفتند موجود بود و کنار گرفته آن دو کابینه هم بواسطه ابتلاآت کرمناشاهان بود و آن اطلاعاتی که من دارم آقای مشیر الدوله آقای مستوفی المالک هم بواسطه اینکه ابلاآت آنجا یک سبکی را پیش گرفته بودند که از برای همه ضرر بود نه تنها برای ایرانیان بلکه برای همه جاسر بود و کنار گرفتن بدالت ولی عرض میکنم بنده هنوز آن عقیده را که در کابینه داشته ام دارم بلکه عقیده ام در حق این کابینه محکمتر شده است و خدا شاهد است که اگر من میدانستم که یک کابینه خواهد بود که مسئول کار بشود ابداً مخالفت نمیکنم بواسطه اینکه مملکت نو کرمناشاهان وزیر نو کرم مملکت است و باید کار بکنند ما از آنها کار میخوانم و ما نباید گمان ملت هیچ بوزیر اهدایت نمیدانیم از هر کسی که باشد کار میخوانم ما وزیری میخوانیم که بقدر خودش کار کند بنده در این مجلس عرض میکنم که این دو سه کابینه که در این دوره آمدند هیچکدام بقدر این کابینه کار نکرده اند نه اینکه کوتاهی کرده اند غیر کوتاهی نکرده مطالب سخت است و وقایع و حوادث تا گواراست البته باید اقدام کرده باشند و روز اول حکومتی بکرمناشاه فرستاده باشند اما حکومتی که بیست هزار تومان در ماه خرج توپ تفنگ میخواند سوار میخواند چه بکنند از روز اول باید اقدام کرده باشند و در پروگرام وزراء هم نوشته شده بود که پنجاهزار قشون در مرکز حاضر کنند تا حالا چرا حاضر نشده است مگر و شیدم که صورتش را حاضر کرده اند و در وزارت چنگ ماند است چرا نباید تا اکنون استمداد کافی بکاشان رفته باشد و رفع اشرار کرده باشد بکنم که دولت قدرت ندارد وقتی دولت مقصر است که قدرت داشته باشد گمان نمیکنم ما بتوانیم بگوئیم دولت ما بقدر قوه خودش کار نکرده اختصاص باین کابینه نمیفهم چه این کابینه باشد چه کابینه های پیش اتفاقاً بقدر قوه خودشان کار کرده اند وقتی که فلانجا مشغول است البته استمداد میخواند و وقتیکه در فلانجا یک حادثه اتفاق میافتد من که شخصاً نمیتوانم جاگیری کنم و یا در فلانجا که کشتی فرقی میشود من که نمیتوانم نجات بدهم پس وقتی که بقدر قوه شان کار کرده اند چه تقصیری دارند آقایان و کلاً در تلگرافخانه بودند بنده هم بودم آقایان وزراء هم بودند دیدند با کرمناشاهان چند

صحت شد بعد از آنکه کار پیشرفت نکرد مقصر کیست معذرت اگر من میدانستم بعاصر کردن کابینه در مجلس و حرفهای خشن و درشت زدن دستی روی تخته زدن کار پیش میبرد من هم بهتر از همه حرف خشن میزنم و هم مشت را بهتر از همه می توانم روی تخته میز بزنم ولی اینطور نیست اصلاح منحصراً بیک چیز است و آن اینست که و کلاهی مجلس مسئولیت مملکت را بعهده گرفته اند تا یک کابینه (آنهم نمی گویم که حتماً این کابینه باشد هر کابینه باشد) یک خط مشی انفاض کنند و برادرانه و دوستانه خودشان را از هم جدا نمایند و بقیه آقای وزیر امور خارجه که در اطاق تنفس گفتند یک دسته خودشان را اهل جابلقا و یک دسته اهل حاصل نمانند تماماً خودشان را مسئول این مملکت بدانند تعجب است که در اطاق تنفس ما جمع میشویم از اتحاد و اتفاق حرف می زنیم بعد از دو روز یک مطالبی در آنجا مذاکره میشود که ابداً سابقه ندارد و در صورتیکه از اول تا حالا در باب کرمناشاهان صحبت مرتبه بنده با آقایان و کلاً کرمناشاهان بوده و آنها هم یکمرتبه به مشکلی برای آنها حاصل شد و چه منگی نازن شد اوضاع کرمناشاهان را که همه میدانیم بقدریکه دولت قدرت داشت و بقدریکه و کلاهی کرمناشاهان قدرت داشته اند و بقدریکه شخص من و آقای حاج امام جمعه که قدرت داشتیم اقدام شد در تلگرافخانه رفتم تلگراف کردیم صحبت کردیم و ابداً باین وقایع که در آنجا اتفاق افتاده راضی نبودیم و بهیچوجه وقایعی که در آنجا پیش آمده تقصیر دولت و ملت نیست یک شخص مجهولی پیدا شده و یک حرکت مجهولی میکند و معلوم نیست در تحت اختیار کیست ما هم نمی توانیم او را خارج کنیم این تقصیر نیست مقصر را معین کنید تقصیر بر عجز است مقصر کسی است که قادر باشد و اقدام نکند نه اینکه بقدر قوه اش اهتمام بکند و نتواند کار را از پیش برد بنده گمان اینست که از روی انصاف تصدیق بکنید که نمی توانیم بگوئیم کسی بود که قدرت داشت و بقدر قوه خودش اهتمام نکرد و کوتاهی کرد لهذا در آخر کلام عرض می کنم همینطور که بر حسب صورت یک قدری الفاظ من بنطق آقایان و کلاً برخورد لابد هم عرض کنم آقای رئیس الوزراء هم در آخر نطق خودشان تا اندازه که مقتضای تکلیفشان بود بیانی فرمودند ولی بقیه بنده خارج از موضوع بود و آن این است که فرمودند با این وضع من و هیئت دولت نمیتوانم کار بکنم و بنده ابداً این مطلب را قبول نمیکنم زیرا و کلاً نظر غرض نماندند با اشتباه کرده اند یا تا کید میکنند یا از بعضی مطالب نظر سیاسی دارند یا بعضی نظر ابرامی دارند که تا کید میکنند ولی ممکن است بروند در هیئت دولت و مطالب خودشان را ذکر کنند اما چرا این رفتار را نمیکنند برای اینکه می بینند از بسکه هیئت دولت بیخبرند هر چه در اطاق تنفس میگویند اثر نمیکنند در مجلس هلنی میگویند شاید اثر کند که شاید موکلانشان در تمام ضلع مملکت بفرمانده کلانشان بقدر قوه کوتاهی نمیکنند از وزیر سؤال میکنند استنباح میکنند پس باید مجلس شورای ملی هیچ متعقد نشود غیر اینطور نیست

اگر دو نفر متعقد باشند که بگویند مجلس نباید باشد چند نفر هستند که میگویند باید مجلس متعقد باشد این مذاکرها در مجلس اگر چه یک قدری خارج از نزاکت بود لیکن این وقایع ناگوار که پیش آمده اسباب قدری شود و شاید آقایان نطق خودشان را پس بگیرند که از این مذاکره مداخلی کابینه وارد نباید زیرا نامر کلاهی مجلس الحمدالله رب العالمین خیر خواه مملکت و همه مسلمان و اسلام دوست و در مقام اصلاح مملکتی هستند البته اگر کسی شبهه داشته باشد باید از وزیر توضیح بخواهد و شاید یک دست غیر مستقیم این کار را کرده باشد و مرا بشبهه انداخته باشد من تقصیر ندارم باید شبهه خودم را ذکر کنم تا رفع شود اینگونه مطالب ابداً خللی بکابینه ندارد نمی آورد خصوصاً مثل رئیس الوزرائی که در سالها باید بگذرد یا یک همچو شخص محکمی پیدا شود و این شخص محکم از ما کرمناشاهان مجلس نباید خللی در کابینه خود ملاحظه بفرمایید و گمان اینست همان اشخاص هم که این بیانات را فرمودند راضی به بران کابینه نباشند و شاید یک همچو و سبکی نداشته باشیم که امروز به بران کابینه باشد و الا لابد فرمایش حضرت امیر (ع) را در اینجا عرض کنم (لا بد من کل قوم من امیریر - اوقاش) اگر خوب دقت کنیم می بینیم که امروز ما باین کابینه محتاجیم و باید این کابینه را نگاهداریم و اگر خوب است که خوب است و اگر بد است باید بدی هایش را بدل بخوبی بکنیم و نباید خودمان را در تمام روی زمین معرفی کنیم که بگویند این مخصوص بایرانی است که هر وقت مجلس تشکیل شد در چهار پنجاه سه کابینه عوض می کنند که وقتی مجلس متغی شد دیگر موفق به تشکیل مجلس نشویم بنده عرض می کنم باین ترتیب دیشه مشروطه را خواهیم کتد من یک شخصی بودم که همیشه حامی بودم که مجلس باز باشد ولی با این وضع دیگر در قیاب مجلس نخواهم گفت مجلس باز شود بجهت اینکه ما هر ماهی یک کابینه تشکیل میدهیم و تا از یک نقطه دو کلمه تلگراف میرسد کابینه دیگر تشکیل میدهد باین میارزد که تا امروز فلان ایل بدولت شما تلگراف بکنند که دیگر شما را برای ما تلگراف نکنید و ما عقیده بر ثبات شما نداریم بگذارید شاه تلگراف کند چه میگویند چه میکنند بکنجا میروید از کجا میآیند معذرت اگر قدری بیاناتم تند است از تمام آقایان هنر میخوانم و امیدوارم بیاناتم نسبت بتمام افراد مملکت خصوصاً نسبت با افراد و کلاً از روی اخلاص تشکیل باشد عرض میکنم اگر همین در کابینه هست باید آن عیب را رفع کرد و اگر یک عیبی در یک فردی از افراد کابینه باشد باید آنرا درست کرد با اینکه الحمدالله امروز عیب در هیچ فردی از افراد کابینه نیست و تماش حکایت روزنامه و شب نامه و حرفهای سر کوچه و بازار است که آقای شب نامه چه میگوید آقای روزنامه چه میگوید تمام میگویند فرمانفرما بد است ولی جهتش را نمیدانم چیست شاید احتمال بدهیم میانه آقای فرمانفرما با خدا بهم خورده و الا تکلیف تمام مردم این است بیرونند چرا بد است و پارلمان از این هفت نفر وزیر چه دیده و چه تقصیری کرده اند که استنباح میخواند و بعد از آنکه استنباح هم

خواستند معلوم نشود جهتش چه بوده جهتش این است که اقبال الدوله نرفته اسباب فراهم نشده است که نرفته کابینه چه تقصیر کرده است من چه تقصیر کرده ام که اقبال الدوله را بیست دفته دیده ام و التماس کردم و گفته ام ترا بخدا ترا رسول زودتر برو باز میروم معذرت من با آقایانی که استنباح خواسته اند عرض میکنم یک کابینه موجودی را امروز بن نشان بدهند که بکنفردی هم بهتر از این کابینه باشد حاضر حاضر موافقت کنم اما بایران کابینه بهیچوجه امر نیست عرض میکنم این حرفهایی که از وزیر داخله استنباح میکنند هیچ اصل ندارد و تماش شعر است قانون اساسی میگوید وزراء مسئول اعمال بکنفردی اگر بد کرده اند همه باید بروند اگر خوب کرده اند همه باید قبول شوند این نسبت را آقای مدرس تمهید که گفت وزیر داخله مسئول نیست اگر چه روزنامه نخواستند نوشت من عرض میکنم مسئول رئیس الوزراء است تا این رئیس الوزراء است و از اخلاقی بنیهم اظهار تابعیت میکنم و این القآت را هم از بعضی منشاها میدانم که بعضی را مقصر میدانم و لا حول ولا قوة الا بالله

**رئیس -** آقای سردار معظم فرمایشی دارید

**سردار معظم -** بعد از اظهارات آقای مدرس دیگر عرضی ندارم مگر بعد از یک معذرت

**مرآت السلطان -** بنده در این زمینه چند مقدمه دارم که باید عرض کنم اول یک مقدمه راجع میکنم و مثل آقای مدرس که فرمایشات خودشان میکنند بعد معذرت میخواهند معذرت میخواهم اما فلسفه هائیکه فرمودند هیچ برهان نداشت و بعد ختم بر روضه فرمودند میفرمایند من داخل در مذاکره تلگرافخانه بودم و چیزی ندیدم در حالتیکه خودشان به بنده میفرمودند بر من بعضی چیزها معلوم شد که آن مذاکرانی که در مجلس خصوصی میشد با آن مذاکره ها که در تلگراف خانه شد مثل هم نیست این مطلب را بغیر بنده فرمودند و چون حافظه آقایان است حالا در اینجا بیانی میفرمایند که بهیچوجه با آن که فرمودند مربوط نیست و آن وقت یک حرفه بدست میگیرند و میخواهند با آن حرفه در مابیل استنباح کنند کان بعضی اظهارات و فرمایشات متعصب بفرمایند که آقایان تماشایان نگویند صحیح است در حالتیکه بهیچوجه نمیدانم کان نگفته اند که بران در کابینه پیدا شود یا بخواهند کابینه را از بیث بپرند بهیچوجه من الوجوه نظریه نمیدانم کان و استنباح کنندگان این نیست که یک میفرمایند اینکه می فرمایند کدام ملائکه بو کلاهی کرمناشاهان نازل شده ملائکه نازل بر و کلاهی کرمناشاهان همان تلگرافی بود که برای آقایان نازل شده است اگر آقایان خصوصاً بیانی برای امور کرمناشاهان تصور می کنند بنده هیچ خصوصاً بیانی تصور نمیکنم میفرمایند اقبال الدوله را گفته اند بکرمناشاه بردولی اقبال الدوله نرفته است و فرستادن او از قدرت وزارت داخله خارج است و بقیه بنده وزیر داخله در اینجا دو قدرت بخرج میدهد یکی در موقعیکه باید حاکم بکرمناشاه بفرستد قدرت ندارد و از قدرت او خارج است و در موقع دیگر که باید یک حاکم صحیح

بفرستند و فرستاده بنده عرض نمیکند تماماً ده بایست یاسی هزار تومان برای موجبات حرکت حاکم فرام فرام گرفته است باید بفرستد آنجا از فروش خارج نیست بنده نمی دانم کدام يك از این دو قضاوت را قبول کنم آن ملائکه نازل که آقا می فرمایند بنده گفته است که کرمانشاهان حاکم می خواهند بیست و یکروز است همین شده و هنوز نرفته است بنده هم آقای مدرس را اهل اصفهان می دانم هم در اینجا تشریف دارند هم در مدرسه شاه اصفهان درس می دهند این ربطی با من نمی باشد بنده دولت ملک حکومت می خواهد کرمانشاه حاکم می خواهد بعد از بیست روز یا یکماه یا دو ماه که حاکم بکرمانشاه نرفت آنوقت حال کرمانشاه چه صورت خواهد داشت بنده هیچ نمی توانم تصور کنم که اقبال الدوله حاکم کرمانشاه است اقبال الدوله والی خانه خودش است بنده بهر چه چون الوجوه نمی توانم کرمانشاهان را باین هرج و مرج و اختلال به بیستم و بیست و یک روز بفرماندهای بی فایده شوم بنده ابتدا با این فلسفه های بی برهان قانع نشدم و اما در موضوع فرمایشات حضرت اقدس رئیس الوزرا نسبت باین سنجایی که فرمودند یکی از نمایندگان راجع باین سنجایی بعضی مذاکره ها کرد و آنها را با وزیر داخله مخالف میدانست این يك مسئله خیلی واضح است بنده این عرض خدمت ایشان کردم ممکن است آقای رئیس الوزرا بعد از سه ماه قبل که در وزارتخانهها موجود است مراجعه فرمایند که در زمان حکومت ایشان در کرمانشاهان همیشه این سنجایی از دست شاهزاده فرمانفرما و شاهزاده فرمانفرما از دست بیل سنجایی فریاد میکردند این چیز بفرنی و مهمی نیست و اما اینکه حضرت والا وزیر داخله راجع بنایب الحکومه کرمانشاهان داخل در تشخیصات شده فرمودند نایب الحکومه کرمانشاهان بدش را در راه مشروطیت کشتند بنده هم تصدیق میکنم که اعظم الدوله پدرش را سالار الدوله کشت پدرش را هم بداد آریخت تمام این خدمات و نظلمات را تصدیق میکنم و با سردار اجلال هم ضدینی ندارم بنده بواسطه اهمیت موقع کرمانشاهان عرض می کنم باید يك حاکم مقتدری بانجا فرستاده شود که اگر سردار اجلال هم بخواهد يك خدمتی بدولت بکند در ظل تربیت و حمایت آن حاکم بکند خود سردار اجلال بنده در این موقع مهم کرمانشاهان نمیتواند از همه حکومت بر آید در وقت مقتدر خود سردار اجلال هم همین طور باشد حالا اگر مقصودشان این باشد که در روزنامهجات نوشته شود نمایندگان کرمانشاهان چه اظهارات کردند و ما چه قسم دفاع کردیم اینها يك مطلب خصوصی است که بنده داخل دو آن ندانم اگرها بنده عرض میکنم وقتی کابینه آقای شیر الدوله متعین شد و این کابینه روی کار آمد در همان روز اول که این کابینه مشغول اقدامات شد بنده خود وزارت داخله رفتم و دیدم يك ترتیب امر مقیم را از حکومت آنجا منتقل کردند یعنی انفصال حکومت کرمانشاهان در زمان این کابینه شد و بس از آنکه تلگرافات آمد که امیر معتمد ادوی خودش را برود وزیر داخله تلگراف کردند و سردار اجلال را نایب الحکومه قرار دادند اینها را باو سیر داد یعنی امیر معتمد در سرحد بود و اینکه بعضی اقدامات و کابینه آقای شیر الدوله منتقل شد همانوقت بایستی بلافاصله برای آنجا حکم

بفرستند و فرستاده بنده عرض نمیکند تماماً ده بایست یاسی هزار تومان برای موجبات حرکت حاکم فرام فرام گرفته است باید بفرستد آنجا از فروش خارج نیست بنده نمی دانم کدام يك از این دو قضاوت را قبول کنم آن ملائکه نازل که آقا می فرمایند بنده گفته است که کرمانشاهان حاکم می خواهند بیست و یکروز است همین شده و هنوز نرفته است بنده هم آقای مدرس را اهل اصفهان می دانم هم در اینجا تشریف دارند هم در مدرسه شاه اصفهان درس می دهند این ربطی با من نمی باشد بنده دولت ملک حکومت می خواهد کرمانشاه حاکم می خواهد بعد از بیست روز یا یکماه یا دو ماه که حاکم بکرمانشاه نرفت آنوقت حال کرمانشاه چه صورت خواهد داشت بنده هیچ نمی توانم تصور کنم که اقبال الدوله حاکم کرمانشاه است اقبال الدوله والی خانه خودش است بنده بهر چه چون الوجوه نمی توانم کرمانشاهان را باین هرج و مرج و اختلال به بیستم و بیست و یک روز بفرماندهای بی فایده شوم بنده ابتدا با این فلسفه های بی برهان قانع نشدم و اما در موضوع فرمایشات حضرت اقدس رئیس الوزرا نسبت باین سنجایی که فرمودند یکی از نمایندگان راجع باین سنجایی بعضی مذاکره ها کرد و آنها را با وزیر داخله مخالف میدانست این يك مسئله خیلی واضح است بنده این عرض خدمت ایشان کردم ممکن است آقای رئیس الوزرا بعد از سه ماه قبل که در وزارتخانهها موجود است مراجعه فرمایند که در زمان حکومت ایشان در کرمانشاهان همیشه این سنجایی از دست شاهزاده فرمانفرما و شاهزاده فرمانفرما از دست بیل سنجایی فریاد میکردند این چیز بفرنی و مهمی نیست و اما اینکه حضرت والا وزیر داخله راجع بنایب الحکومه کرمانشاهان داخل در تشخیصات شده فرمودند نایب الحکومه کرمانشاهان بدش را در راه مشروطیت کشتند بنده هم تصدیق میکنم که اعظم الدوله پدرش را سالار الدوله کشت پدرش را هم بداد آریخت تمام این خدمات و نظلمات را تصدیق میکنم و با سردار اجلال هم ضدینی ندارم بنده بواسطه اهمیت موقع کرمانشاهان عرض می کنم باید يك حاکم مقتدری بانجا فرستاده شود که اگر سردار اجلال هم بخواهد يك خدمتی بدولت بکند در ظل تربیت و حمایت آن حاکم بکند خود سردار اجلال بنده در این موقع مهم کرمانشاهان نمیتواند از همه حکومت بر آید در وقت مقتدر خود سردار اجلال هم همین طور باشد حالا اگر مقصودشان این باشد که در روزنامهجات نوشته شود نمایندگان کرمانشاهان چه اظهارات کردند و ما چه قسم دفاع کردیم اینها يك مطلب خصوصی است که بنده داخل دو آن ندانم اگرها بنده عرض میکنم وقتی کابینه آقای شیر الدوله متعین شد و این کابینه روی کار آمد در همان روز اول که این کابینه مشغول اقدامات شد بنده خود وزارت داخله رفتم و دیدم يك ترتیب امر مقیم را از حکومت آنجا منتقل کردند یعنی انفصال حکومت کرمانشاهان در زمان این کابینه شد و بس از آنکه تلگرافات آمد که امیر معتمد ادوی خودش را برود وزیر داخله تلگراف کردند و سردار اجلال را نایب الحکومه قرار دادند اینها را باو سیر داد یعنی امیر معتمد در سرحد بود و اینکه بعضی اقدامات و کابینه آقای شیر الدوله منتقل شد همانوقت بایستی بلافاصله برای آنجا حکم

این اظهاراتی که شد بنده را اقتناع نمیکند و بایستی يك ترتیب صحیحی برای اصلاح اینکار اتخاذ شود و استیضاح هم برای همین مواقع است و الا بضرر والا شاهزاده عین الدوله حکمال اطمینان و اعتماد را داریم و بیهران کابینه هم قائل نیستیم و باز در پایان عرض خودم از آقامذرت می خواهم

**رئیس - آقای مدرس داخل در شخصیات نشدند و شا داخل در شخصیات شدید و میدانید بموجب ماده ( ۱۱۲ ) نظام نامه در شخصیات نباید داخل شد .**

**حاج شیخ اسدالله -** بنده بکنفران و کلا همتم که در موقع تشکیل این کابینه و در موقع معرفی شدن کابینه آقای رئیس الوزرا اظهارات استناد کردم و حالا هم بآن اعتمادیکه نسبت به آقای رئیس الوزرا داشتم باقی هستم و در مورد این استیضاح هم از ابتدای جلسه تا بحال خیلی در فرمایشات آقایان از روی بکنظر بیطرفی تامل کردم که به بنده قدر واقع نسبت قصور یا تقصیری که به آقای وزیر داخله در اینجا داده میشود از روی بکنظر فرمایشات آقایان آنچه حسن کرده ام که مطابقت استفاده میشود یکی راجع بکلیات است و آن اینست که وضع کرمانشاه بد است اهالی آنجا امنیت ندارند و در حتم هستند و مورد ناخوشی و ناز واقع شده اند و از هیئت دولت استرحام شد که يك تمهیدی برای اهالی بیچاره کرمانشاه فرمایند بکنفران از فرمایشات با حرارت راجع بشکل کرمانشاه بود که بنده هم تصدیق دارم و کاملاً هم موافق هستم که اهالی کرمانشاه شاه يك حالت ترسناکی را دارند و در موقع خطرناکی واقع شده اند که هیچ مناسب نیست مجلس یا هیئت دولت بنشینند و ناظر حالت اسفناک اهالی آنجا باشند ولیکن آقایان باید تصدیق فرمایند که اینجالت متعسر بشهر کرمانشاه نیست بلکه در طرف جنوب عربستان حالت اسفناک بشهر کرمانشاه است و چندین هزار از اهراب بیچاره در آنجا هلاک شده اند و از طرفین خانهها خراب شده است و از طرف دیگر در حدود آذربایجان در ساوجبلاغ و جاهای دیگر يك حالت اسفناکی روی داده است که واقفاً هیچ کسی حس ایرانی نمیتواند حالت اهالی آنجا را بشود چه آنکه به بنده حالا میفرماید شما سوال کنم که این حالت اسفناک و وقایع ناگواری که در حدود و نفوس مملکت ایران اتفاق افتاده است تصدیق میکنم که این است که اینطور شده است بنده در اینجا تصور میکنم که جهت پیدا شده است که اینجالت اسفناک در مملکت روی داده است یکی بواسطه اینست که دل همجواری یعنی دول دوست که نسبت بمسائل اظهار اتحاد و مساعدت میکنند و ما هم کمال آمهواوری را از مساعدتهای آنها داشته و داریم بقسمی که باید و شاید حفظ بیطرفی ما را کمالاً نمیکند این یکی از جهاتش بوده است و این جهت راجع به هیئت دولت نیست و راجع بداخله مملکت نیست راجع باین کابینه نیست راجع بکابینه قبل و قبل نیست بلکه بدست دیگری است همسایگان رؤف ما نباید قدری نظر راه و تفقد بفرمایند .

**رئیس -** درسیاسیات داخل نشود .

**حاج شیخ اسدالله -** بسیار خوب از این موضوع خارج می شویم يك جهت دیگر این وقایعی که در مملکت مازوری داده است بواسطه حالت بدبختی ماست حالت ضعف ماست حالت بیولی است حالت بی قوه گی ماست آنها راجع به هیئت دولت نیست حوادث اینطور امور را پیش آورده .

**رئیس -** در موضوع استیضاح فرمایش بفرمایند .

**حاج شیخ اسدالله -** بلی از این موضوع هم خارج میشود و زیاد بسط بکلام نمیدهم و عرض میکنم يك قسمتی از مذاکراتی که امروز در ضمن این استیضاح مذاکره شده و آقایان بیشتر بآن اهمیت میدادند این بود که نسبت قصور یا تقصیر بدولت میدادند که حکومت کرمانشاه در ماه است نرفته آنچه بنده حس کردم بحث استیضاح این بود حالا در این موضوع داخل میشوم که ببینم آیا واقعاً هیئت دولت در اینباب يك تقصیری کرده است یا تمهید کرده است که حکومت کرمانشاه نرفته بنده در این موضوع تامل دارم آقایان میفرمایند بواسطه سهل انگاری دولت اینطور شده است بنده که نمی توانم تصدیق کنم دولت تقصیر کرده است اگر چه بنده در جزئیات عمل کرمانشاه داخل نبودم و آقایان و کلام کرمانشاهان و بعضی از آقایان دیگر داخل بوده اند ولی آنچه بنده شخصاً اطلاع دارم دولت در ایندت قابل خیلی سعی کرده است و برای فرستادن حکومت کرمانشاه خیلی جد داشته است آنچه بنده اطلاع دارم موفق نشده است حکومت آنجا را حرکت بدهند معلوم هم هست چرا موفق نشده است در يك چنین موقعی که ناز جز يك در اطراف کرمانشاه رخ داده است حکومت آنجا میگوید من بول می خواهم من اسلحه لازم دارم قشون لازم دارم در صورتیکه آقایان خودشان تصدیق دارند يك ایالتی که باید بطرف يك همچو قسمتی که اینقدر اهمیت پیدا کرده (شاید هم اهمیتش بیشتر شود) برود این لوازم را کاملاً لازم و اگر حالا به بنده دولت پول داشته یا نداشته است اینکده قشون حاضر مسلح داشته که همراه حاکم کرمانشاه نکرده است دولت در اینصورت هر قدر توانسته است برای اعزام حکومت کرمانشاه سعی کرده است ولیکن آن اندازه که بتواند کاملاً اسباب حرکت حکومت کرمانشاه را فراهم کند نتوانسته است اگر چه اینمطلبی نیست که راجع به استیضاح باشد و يك جمله تا کیدی است که به هیئت دولت از طرف بعضی از نمایندگان میشود که زودتر حکومت کرمانشاه را حرکت بدهند خود دولت هم کاملاً تصدیق دارد که هر چه زودتر باید حکومت را حرکت بدهند و لوازم حرکت او را فراهم نماید و در ظرف چند روز او را روانه نماید با این بیانات و باین متممات بنده تصور میکنم هیچ سزاوار نیست در این موقع يك بحرانی در کابینه پیدا شود حالا بنده بکنفران هم از اینصورت تزلزل میکنم یا بالعکس ترقی میکنم و عرض میکنم شاید آن اندازه که باید و شاید هیئت دولت جدیت بخرج نداده باشد ولی این را در يك که ترازو میگذاریم و آن بحرانی هم که بواسطه این استیضاح پیدا میشود در يك کفه دیگر ترازو میگذاریم آنوقت این دو مطلب را با

هم موازنه میکنیم به بنده يك سنگین تر است اگر چه آقایان فرمودند این استیضاح فقط از آقای وزیر داخله است بنده هم تصدیق دارم که استیضاح از وزیر داخله است ولی بعد از اینکه خود آقای رئیس الوزرا اینجا میفرمایند مسئولیت کرمانشاه بسنده هیئت دولت است و وزارت داخله مستقیماً هیچ اقدامی بدون اطلاع مادر خصوص کرمانشاه نکرده است در اینصورت پس مسئولیت راجع بکابینه میشود حالا که راجع بکابینه شد و این دو مطلب را در دو کفه ترازو گذاشتیم و سنجیدیم به بنده يك سنگینی میکنم آیا بعد از این که این دو مطلب معلوم شد یا واضح تر عرض کنم کابینه متصل شد آیا آقایان اطمینان میدهند که يك کابینه باشد که بزودی تشکیل شود یا خیر بنده که شخصاً تصور نمیکنم بزودی بتوانیم موفق بشکیم يك کابینه شویم حالا بر فرض که موفق به تشکیل کابینه شدند آیا آن کابینه که در نظر گرفته اند بهتر از این کابینه خواهد بود یا نه آنرا هم نمیدانم که افرادش بهتر از این افراد کابینه هستند یا خیر پس این مطلب بکنفران بفرماندهای بنده خواهد شد و بنده بفرماندهای امروزه خیلی مضربندانم و هر چه ملاحظه می کنم بواسطه تأخیر اعزام يك حکومتی برای يك طرف مملکت با اینکه خیلی اهمیت دارد معیناً این مطلب را نمی شود نسبت به بیهران مطول يك کابینه داد بفرماندهای بنده را بر اینصورت از این میدانم که وقتی حکومت کرمانشاه ده روز عقب بیفتد این عقبه شخصی بنده است حالا آقایان اگر اظهارات دیگری دارند بفرمایند چون بنده از فرمایشاتشان زیاد تراز این تفهیم عرض نمی کنم اگر مطلبی غیر از این دارند بفرمایند تا بنده متفاهم بشوم

**سپهبدان هیرزا -** بنده متأسفم از اینکه آقای مدرس بیرون تشریف دارند و الا دو ماده قانون اساسی را برای یادآوری ایشان میخواندم آقا اصل ( ۶۱ ) قانون اساسی را ملاحظه فرموده اند که وزراء علاوه بر اینکه به تنهایی مشغول مشاغل متعین وزارت خود هستند به هیئت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلس مسؤول روضان اعمال بکنفران لکن چنانچه در اینجا گفته شد که قوه محافظه شان کم شده است و اصل ( ۶۸ ) را ملاحظه نکرده اند که میگوید در صورتیکه مجلس شورای یا مجلس سنا با کثرت تامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار نمایند این هیئت با آن وزیر از مقام وزارت معزول میشود در این قانون مصرح است تصور نمیکردم که آقا آن اظهارات را بفرمایند این عدم رضایت راجع بوزیر داخله است و برای یادآوری خاطر ایشان عرض میکنم که استیضاح ممکن است متمم باقتادان کابینه نشود و بعد از آنکه يك وزیر در قفلان امر مشغول شد باستیضاح متمم باقتادان يك وزیر میشود چون قانون اساسی اسم يك وزیر را برده است و همه در يك درجه اهمیت هستند برای یادآوری ایشان عرض کردم که تصور نفرمایند باین اندازه بی اطلاع از قانون اساسی هستم تا بنده خیلی یادداشت ها دارم که شروع کردند بنده هم مجبورم از آنجا بکنفران آقا بعضی عبارات را مکرر و مکرر فرمودند یکی به

بودن شخص وزیر داخله ما در اینجا همانطوریکه آقای رئیس فرمودند در شخصیات نباید داخل شویم محکمه عدلیه هم نیستیم که قضاوت کنیم ما نماینده مردم هستیم نظریه ما اعتماد و عدم اعتماد است قضاوت وظیفه عدلیه است در اینجا از مواد قانون اساسی هست که وزیر وقتیکه يك خطائی کرد باید او را در محکمه تیز محاکمه کرد اینجا محکمه تیز نیست آقای مدرس در دوره قبل بوده اند و مکرر این مسئله را بنده یادآوری کردم تعجب میکنم چه طور باز فراموش کرده اند نظریه احزاب مجلس نسبت باشخاص از روی خوبی و بدی شخص نیست که این شخص اخلاقت خوب است یا بد است رفتارش خوب است یا خوب نیست نظریه احزاب پارلمانی نظریه سیاسی است يك شخصی ممکن است بنظر جنابعالی يك راه صحیح الاخلاقی باشد و در نظر بنده چون شروع کرده است بيك کاریکه بر خلاف نظریات سیاسی است بد باشد مثلا جرایم را توقیف کرده است من جرایم را آزاد میدانم این شخص اگر شری صدمه وار و کسک نماز بخواند باز در نظر من مقصر است شا از نقطه نظر خودتان می فرمایند این شخص آدم خیلی خوبی است نماز می خواند روزه می گیرد حج میباید صحیح است البته در موقع اجر آخری مصاب خواهد بود اما از نقطه نظر سیاسی و وقتیکه روزنامه را توقیف کرد و دلیلی نداشت در نظر بنده که مطبوعات را مطابق قانون اساسی آزاد میدانم این شخص مقصر است اگر آقای حاج شیخ اسدالله ملتفت نبودند حالا ملتفت شوند اگر آقای مدرس هم توجه فرموده بودند حالا توجه بفرمایند در مجلس گفتگوی اخلاقی و ثواب و عقاب نیست در مجلس نظریه سیاسی است دیگر اینکه لاینقطع تکرار کردند که اگر يك کابینه حاشری دارم استیضاح بکنند اگر ایشان خودشان را واقفاناً قائلند قانون میدانستند این اظهارات را نمی فرمودند در قانون اساسی و چنین چیزی نیست که هر وقت کسی بخواهد استیضاح بکنند اول يك کابینه معرفی بکنند بعد استیضاح بکنند اگر چنین چیزی هست آقا بفرمایند تا بنده متفاهم بشوم در صورتیکه تنقید و استیضاح با اقلیت است در دوره گذشته هم خوب و بد با اقلیت بوده است اقلیت هیچوقت نمیتواند يك کابینه را نگاه بندارد و نمی تواند يك کابینه را تشکیل بدهند مشغول بفرماندهای هم اقلیت نیست آن اشخاصیکه اکثریت دارند و وزراء طرف اعتماد آنها هستند اگر روزی هزار مرتبه هم استیضاح بشود ورقه های سفید خودشان را در نهایت جرئت و بلاغت روی میزنند بکنفران وزراء هم بواسطه پشت گرمی که با آن اکثریت دارند کارهای خودشان را از روی نظریات اکثریت میکنند در مشغول امور مملکت اکثریت و کابینه هستند در اینصورت نباید گفت آیا يك کابینه بدتر یا بهتر از اینها در نظر گرفته آید یا خیر ؟ بنده بکنفران از استیضاح کنندگان همتم و هیچ کابینه را در نظر نگرفته ام و چون کابینه را در نظر نگرفته ام این مطلب مرا مجبور نمیکند که چشم باز باشد و قسم هم خورده باشم و ببینم بيك کاری برخلاف قانون و اصول آزادی جاری میشود و ساکت باشم گفتیم امنیت يك نعمتی است ما فوق تمام چیزها اول اساس زندگی و مملکت داری امنیت و وقتیکه امنیت نباشد کسی زندگانی ندارد یکی از همقطار های

بنده موازنه میکنیم به بنده يك سنگین تر است اگر چه آقایان فرمودند این استیضاح فقط از آقای وزیر داخله است بنده هم تصدیق دارم که استیضاح از وزیر داخله است ولی بعد از اینکه خود آقای رئیس الوزرا اینجا میفرمایند مسئولیت کرمانشاه بسنده هیئت دولت است و وزارت داخله مستقیماً هیچ اقدامی بدون اطلاع مادر خصوص کرمانشاه نکرده است در اینصورت پس مسئولیت راجع بکابینه میشود حالا که راجع بکابینه شد و این دو مطلب را در دو کفه ترازو گذاشتیم و سنجیدیم به بنده يك سنگینی میکنم آیا بعد از این که این دو مطلب معلوم شد یا واضح تر عرض کنم کابینه متصل شد آیا آقایان اطمینان میدهند که يك کابینه باشد که بزودی تشکیل شود یا خیر بنده که شخصاً تصور نمیکنم بزودی بتوانیم موفق بشکیم يك کابینه شویم حالا بر فرض که موفق به تشکیل کابینه شدند آیا آن کابینه که در نظر گرفته اند بهتر از این کابینه خواهد بود یا نه آنرا هم نمیدانم که افرادش بهتر از این افراد کابینه هستند یا خیر پس این مطلب بکنفران بفرماندهای بنده خواهد شد و بنده بفرماندهای امروزه خیلی مضربندانم و هر چه ملاحظه می کنم بواسطه تأخیر اعزام يك حکومتی برای يك طرف مملکت با اینکه خیلی اهمیت دارد معیناً این مطلب را نمی شود نسبت به بیهران مطول يك کابینه داد بفرماندهای بنده را بر اینصورت از این میدانم که وقتی حکومت کرمانشاه ده روز عقب بیفتد این عقبه شخصی بنده است حالا آقایان اگر اظهارات دیگری دارند بفرمایند چون بنده از فرمایشاتشان زیاد تراز این تفهیم عرض نمی کنم اگر مطلبی غیر از این دارند بفرمایند تا بنده متفاهم بشوم

**سپهبدان هیرزا -** بنده متأسفم از اینکه آقای مدرس بیرون تشریف دارند و الا دو ماده قانون اساسی را برای یادآوری ایشان میخواندم آقا اصل ( ۶۱ ) قانون اساسی را ملاحظه فرموده اند که وزراء علاوه بر اینکه به تنهایی مشغول مشاغل متعین وزارت خود هستند به هیئت اتفاق نیز در کلیات امور در مقابل مجلس مسؤول روضان اعمال بکنفران لکن چنانچه در اینجا گفته شد که قوه محافظه شان کم شده است و اصل ( ۶۸ ) را ملاحظه نکرده اند که میگوید در صورتیکه مجلس شورای یا مجلس سنا با کثرت تامه عدم رضایت خود را از هیئت وزراء یا وزیری اظهار نمایند این هیئت با آن وزیر از مقام وزارت معزول میشود در این قانون مصرح است تصور نمیکردم که آقا آن اظهارات را بفرمایند این عدم رضایت راجع بوزیر داخله است و برای یادآوری خاطر ایشان عرض میکنم که استیضاح ممکن است متمم باقتادان کابینه نشود و بعد از آنکه يك وزیر در قفلان امر مشغول شد باستیضاح متمم باقتادان يك وزیر میشود چون قانون اساسی اسم يك وزیر را برده است و همه در يك درجه اهمیت هستند برای یادآوری ایشان عرض کردم که تصور نفرمایند باین اندازه بی اطلاع از قانون اساسی هستم تا بنده خیلی یادداشت ها دارم که شروع کردند بنده هم مجبورم از آنجا بکنفران آقا بعضی عبارات را مکرر و مکرر فرمودند یکی به

محترم میسرید کابینه تشکیل کرده‌اید که استیضاح میکند؟ من شرح حال و شرح چیزی را که می‌دانم میگویم و استیضاح میکنم و دلایلش را هم اظهار می‌نمایم ولی تضادش بطوریکه آقای عبدالملک فرمودند با اکثریت است اکثریت حکم میکند اگر اکثریت عریض مرقبول بکند و کابینه از میان برود باز تشکیل کابینه با اکثریت است مسئول بهران هم اکثریت است نه من یا بیست نفر دیگر که در اقلیت بوده‌ام اگر عریض بنده را قبول نکرد یعنی آن چیزی را که در نظر سیاسی من خیلی خوب است در نظر سیاسی آنها مصاب نبود و رفته سفید میدهد و بهرانی هم پیدا نمیشود و اگر تصدیق نکرد ما بین خود و وجدانش مسئول است این مسئله بدیهی است که اکثریت کابینه تشکیل میدهد و اقلیت تنقید میکند یکی دو مسئله دیگر هم فرمودند که حقیقتاً پسندیده نبود عریض بنده هم اگر یک قدری خشن است معذرت می‌خواهم فرمودند استیضاح بی اساس است بنده که معنی فارسی آنرا نفهمیدم ما گفته ایم حکومت کرمانشاه نرود؛ اسباب پریشانی مردم و گرفتاریهای اهالی کرمانشاه فراهم شود؛ یک نفر نایب‌الحکومه که اسباب زحمت اهالی کرمانشاه را فراهم نموده ما معین کرده‌ایم؛ با این که خودشان میدانستند صلاح نیست این آدم را برای این مقام معین کنند و کردند و برای یادآوری خاطر آقایان و کلاً عرض میکنم در موقعیکه آقا هم تشریف داشتند عرض کردم این آدم لیدر کرمانشاه نیست این آدم آدم صالحی نیست و با همه این ترتیبات وقتی که در تلگرافخانه رفتند دیدند بنده درست عرض کردم اساس کار بد است و رفتار این آدم در کرمانشاه عاقبت و خبی و بد بود ابداهیت نداشتند و اعتنائی نفرمودند و او را تغییر ندادند بملاوه چیز دیگری که فرمودند خوب است ما که دوسه دوره است در مجلس هستیم ملتفت باشیم که لایق قطع کردن من و هواخواه قانونم و سایرین طرفدار شبنامه‌ها و روزنامه‌ها و حرفهای سر کوجه‌ها میمانم حرفهای سر کوجه‌ها چیست که ما می‌کنیم این نسبتها پسندیده نبود تمام ماها هواخواه قانون هستیم و هیچکدام طرفدار شب نامه و غیره نیستیم اگر مقصود از حرفهای سر کوجه و بازار افکار عمومی است بنده‌ها خواه و حامی افکار عمومی هستیم بلکه هر کسیکه یک اندازه وجدان داشته باشد تکیه گاه خودش را افکار عمومی قرار خواهد داد بنده از آن اشخاصی هستم که پشتبان خود را افکار عمومی میدانم و حامی افکار عمومی هر و کبلی که حامی افکار عامه نباشد و کبلی نیست در واقع وظیفه خودش را انجام نداده است بنده عرض می‌کنم همین حرفهای سر کوجه و همین کوجه کرده‌ما ما را انتخاب کرده‌اند ما باید حافظ حقوق همین کوجه کرده‌ما باشیم والا همین که انتخاب شدیم بگوئیم حرفهای سر کوجه و بازار این چیز غریبی است ما که هنوز یک صنف ممتاز تشکیل ندادیم که بگوئیم ما و کبلی هستیم و اهل شهر غیر از ما هستند ما اطراف همه آنها انتخاب شدیم و حافظ حقوق آنها هستیم وقتی که نظریه افکار عمومی یک چیزی تعلق گرفت باید نظریه آنها را تعقیب کرد نه نظریه افراد را با جمعیت باید کرد همانطوریکه فرمودند وزراء و ما و هر که مردم هستیم و ذمه دار و موظف از طرف مردم هستیم مردم ما را انتخاب کرده‌اند

ما هم باید راحت مردم را بخوایم و از برای آنها کار میکنیم البته اگر حرفهای سر کوجه افکار عامه باشد بنده تکرار می‌کنم بزرگترین توجهات ما افکار عامه است و جز او هیچ چیز نیست بنده حالا دیگر هر کس عقیده دارد و اینکه فرمودند بنده از استعمای آقای مشیرالدوله و آقای مستوفی‌الدمالک اطلاع دارم که آنها هم راجع بموضوع کرمانشاه استعفا کردند بنده هم در آن کمیونی که حضرت آقا میفرمایند بود چیزی که در آن کمیونی صحبتی نبود صحبت کرمانشاه بوده البته از برای کرمانشاه یک استعفا گلابی شروع نشده بود غیر شروع شده بود ولی صحبت کرمانشاه آن در کابینه مسئله کرمانشاه نبود بملاوه واضح است که کرمانشاه آن وقت این حالت حال را نداشت یک صحبت دیگر کردند که خیلی غریب بود فرمودند اگر نظام می‌داشتیم و قشون می‌داشتیم فلاطور میشد و یک راهبیتی بنظام دادند تعجب دارم از این که باین زودی فراموش فرمودند که بربروز بود که خودشان و چند نفر دیگر از آقایان با قانون نظام مخالفت کردند و در حد حلالاً مجدداً امروز مسئله نظام صحبت میفرمایند این همان نظام و قانون نظامی بود که بربروز بواسطه مخالفت آقایان رد شد حالا امروز باز دوباره گفتگو از نظام میکنند و اقامتای تعجب است فراموش کاری خیلی زیاد است یک قسمت از فرمایش دیگرشان این بود که خوب بود این طور بکنند یا آنطور بکنند یعنی بطور کدخدای منشی نصیحت میفرمودند ماها وقتی و کبلی شدیم خودمان را کبیر می‌دانستیم که و کبلی شدیم خصوصاً اشخاصی که بنام جمعیت و آزادی عقیده انتخاب شده‌اند اگر چه از حیث قسمت یک قدری کمترند ولی از روی یک مرأتمه حزبی و یک خلوط سیاسی و اصلی که دارند حرکت میکنند و هیچ تغییری هم در ممالک سیاسی خودشان نمیبینند اگر صد سال پیشه نصیحت میفرمایند که طرفدار انتخاب غیر مستقیم بشوم متأسفانه این نصیحت آقا را گوش نخواهم کرد و خیلی هم از ایشان معذرت می‌خواهم که نمی‌توانم قبول کنم زیرا باین فلسفه و برهان سیاسی انتخاب مستقیم را با انتخاب غیر مستقیم ترجیح داده‌ام و این یک چیزی است که بنده اثر نمیکند بجهت اینکه بیل خودم یک نظریه سیاسی را قبول کرده‌ام مثل لباس تابستانی و زمستانی نیست که از یک طرف بیوشم و از یک طرف عوض کنم باین فلسفه و عقیده قبول کرده‌ام و حالا برای اینکه مجلس را بیشتر از این معطل نکرده باشم از این مسئله هم می‌گذرم در یک مسئله دیگری گفتگو میکنم و آن اینست که متأسفانه در وقتی که وزیر داخله فرمایش میفرمودند که (همین عبارتشان را بنده یادداشت کرده‌ام) و کلاً دو یک چنین مجلس مقدس نباید چگونه خجالت نمی‌کشند اقتراء میزنند بنده بایشان یادآوری می‌کنم که و کبلی رفتاری نیست و بنده احسبی افترا نمیزند باز تکرار میکنم و کبلی هر چه میگوید از روی نظریات سیاسی و حزبی است اگر اظهار اعتماد و عدم اعتمادی میکنند از روی نظریه سیاسی است زیرا مسئولیت دارد و خجالت هم نباید بکشد زیرا حرف حسابی خجالت ندارد من به وظیفه خود عمل میکنم اگر یک اتفاقی افتاد و یک خلاف قانونی شد استیضاح میکنم سؤال میکنم البته خجالت هم

نمیکشم بلکه خودم سرافراز و با افتخار میدانم که بوظیفه خود عمل کرده‌ام کار بد در دنیا خجالت دارد کار خوب که سؤال و استیضاح است وظیفه و کالتی من است البته خجالت ندارد اگر من اقتضای کنم سؤال و استیضاح نکنم در پیش وجدان خودم شرمندم و خجل هستم فرمودند که و کلاً از روی هوی و هوس نباید حرف بزنند خیر ما هوی و هوس نداریم وقتی که می‌بینیم نایب‌الحکومه آنجا سردار اجلاس است و مردم از تمایلات و تحریکات او در تزلزلند اظهاری که میکنم این هوی و هوس نیست هیچکدام از ماها میل نداریم از و کالت استعفا بدیم نایب‌الحکومه کرمانشاه بشویم دیگر اینکه اظهار تأسف کردند که تراکت ایشان را مجبور کرده بعضی صحبتها میکنند باید انصاف بدهند که ما هفت هشت نفری که اول حرف زدیم باندازه تراکت ما را وادار و مجبور کرد که حرفهای خودمان را هم کم زدیم و از حرف اصلی خودمان مضایقه کردیم و در حقیقت محدود شدیم و در یک دائره خیلی تنگی که عبارات خودمان را برزحمت پیدا می‌کردیم والا اگر بلا حظه تراکت نبود ما هم از لفظهای هوا و هوس می‌توانستیم استعمال کنیم یا بعضی ترتیبات دیگری که اصلاً مربوط با استیضاح نبود و راجع به سیاسیات خارجی بود می‌توانستیم صحبت بکنیم و اگر موقع مقتضی بود و مصالحت بود شاید پیش از اینها می‌توانستیم در استعمال بعضی چیزهای دیگر که ناگفتنی بود داخل شویم حالا از این معما هم می‌گذرم و در موضوع اسناد که فرمودند باز یادآوری میکنم که دوسه‌ها و تلگرافانی که مغایره شده است که درست ما نیست ما با اسناد چکار داریم همانطوریکه بعضی از و کلاً حال زدند ما یک سمت این خانه را که یک کسی سیرده‌ام می‌بینیم خراب شده است حالا به بنده میگویند تو سند پیدا کن که این خانه را ساخت سه از شب گذشته خراب کرده اند یا صبح خراب کرده اند از برای من نتیجه ندارد که ساعت او را همین کم ما این خانه را آنوقت که بشما سیردهم خراب نبود حالا می‌بینم که یک سمتش خراب شده است سؤال و استیضاح میکنم اگر جوابی دارند بفرمایند که این خانه بواسطه یک مصافحه ارضی و مساوی خراب شده و من تصور و تفصیری نکرده‌ام اگر اینطور نبود محکوم واقع میشوم من نتیجه را می‌بینم لازم نیست تمام دوسه‌های وزارت داخله را تقنیش کنم زیرا البته ممکن است بعضی تلگرافات باشد که در دوسه نباشد و وزیر داخله بدین هر ای وزارت داخله نداده باشند که صورت آنرا ثبت کنند و مدتی باشد که آن صورت در کبف وزیر و در نزد خود وزیر باشد و در دوسه زرقه باشد چنانچه شنیده‌ام صد نمره کاغذ در کبف وزیر داخله دوهفته مانده است و بعد با آنها داده اند و آنها هم تصور نموده اند اگر وارد دفتر بکنند شاید اسباب اشکال می‌شود و مسئولیت اداری پیدا میکنند این است که آنها هم یک مجلسی کرده اند بکسورت مجلسی بانمره کاغذها نوشته‌اند که این کاغذها بواسطه مانعند در کبف وزیر داخله بما نرسیده و خیلی از جوابهای قوری لازم آنها فوت شده و گویا سواد می‌هم از آن صورت مجلس نوشته‌اند و خدمت آقای رئیس‌الوزراء و هیئت وزراء رسانده‌اند باینکه چنین ترتیبی از من توقع دارند برروم آن

دوسه‌ها را به بنیم شاید خیلی از آن کاغذها اسنادی که لازم است در کبف وزیر داخله مانده باشد که مدتها اطلاع نداشته باشند.

**سردار معظم** - در موقعی که بنده اجازه خواسته بودم هیچ نظری نداشتیم و هیچ نیخواستیم داخل در این بشوم که عاقبت استیضاح منجر به تبدیل یک وزیر خواهد شد یا نخواهد شد چون برای بنده فرقی نداشت و نیخواستیم داخل در این موضوع بشوم بلکه فقط میخواستیم در اینجا آن کاری که بهتر بود دولت یا نمایندگان که استیضاح کرده‌اند بفرمایند عرض کنم یعنی آن وجهه خصوصی استیضاح را یادآوری نمایم ولی اظهارات قبل از من مرا وادار بد کرده‌اند بنابراین البته از برای رسیدن یک مقصودی و از برای پیش بردن یک نیتی متوسل شدن بانواع و اقسام وسائل خیلی خوب است ولی در بعضی موارد انسان نباید انصاف را از دست بدهد آن ناطق محترمیکه قبل از من در اینجا تشریف داشتند یک چیزی فرمودند اگر چه از موضوع سؤال و استیضاح خارج بود ولی چون در موقع فرمایش ایشان اظهاری نشد بنده مجبورم جواب عرض کنم میفرمایند قانون نظام آمد و شما رد کردید و چون خطاب کردند (شما رد کردید) باید تصدیق بفرمایند که یک قدری بی‌اعتمادی فرمودند یا وقایع و مذاکرات جلسه قبل در نظرشان نبود بنده یادآوری می‌نمایم که از بدو افتتاح این مجلس امروز اولین روزی است که بارها کرده تفکیک یک اکثریت و اقلیتی در بین است بنده عرض میکنم در تمام پیش آمده‌های این مملکت تا بحال عموم نمایندگان باسویه شریک و مسئول بوده اند و شاید کسانی که از همه بیشتر مسئولیت داشته‌اند اشخاصی بودند که داخل در ائتلاف و داخل در دستجات بودند باید دانست که قانون نظام وقتی این جا آمد برای چه رد شد برای این رد شد که دو مطلبی که باستانی تفکیک شود و باهم مشابه و مقایسه نداشت در عرض هم واقع شده بودند و این دو مطلب در یک لایحه بود بعضی اظهار کردند قسمت اول این لایحه را راجع بر سایر چیزها است امروز خیلی خیلی لازم میدانیم ولی قسمت دوم که راجع بترفیع رتبه نظامی بود که سلطان چه اندازه باید خدمت کند تا باور شود یا باور چند مدت خدمت بکند تا بعد چه شود یعنی در واقع آن چیزی را که اساسش یکلی مفقود بود قبول نکردند بالاخره چون اختلاف نظر حاصل شد و یک طرف عقیده دیگری قبول نکردن این بود تمام لایحه رد شد و دولت هم همیشه می‌تواند و لو فردا در باب سایر چیزها یک لایحه دیگری پیشنهاد کند و مجلس نظریات خودش را در آن لایحه بنماید و داخل در بحث او بشود این قسمت راجع باینکه میگویند قانون نظامی رد شد صحیح است در مجلس یک نفر پیدا شد که لایحه بترفیع رتبه نظامی را تصویب کند ولی برای این بود که امروزه لزومی نداشت ولی البته مملکت قشون لازم داشت و البته تمام نمایندگان تصدیق دارند که مملکت ایران قشون می‌خواهد و از این حیث اختلاف نظری در مجلس وجود ندارد تقاضا از این مسئله می‌گذرم دوباب مسئولیت مشترکه در اینجا مذاکره‌ها شد و قانون اساسی را مثل آوردند بعضی گفتند وزراء مسئولیت اشتراکی دارند و بعضی دیگر میگویند هر یک از

وزراء مسئولیت انفرادی دارند بعقیده بنده هر دو صحیح است و این دو مسئله با هم مخالفی ندارند و هر یک از وزراء چون در یک شبهه مخصوصی کار دارند معلوم است یک مسئولیت خصوصی دارند ولی در موقعی که ما قابل به (سولی و ارنه) بشویم لازمه اش این است که قائل یک مسئولیت مشترکه هم در کابینه بشویم ولی مخصوص که ما نمی‌توانیم تکلیفی از برای دولت در اینجا معین بکنیم اگر چه این قضیه را وقتی که از یک نظر خصوصی نگاه کنیم یعنی از حیث تعیین و عدم تعیین حکومت کرمانشاه فقط راجع بوزیر داخله است ولی در صورتی که وزیر داخله در تمام ملایات و اقدامات خودش مراجع بکابینه و هم کارهای خودش کرده است و آقای رئیس‌الوزراء هم میگویند او مراجع بین کرده است اگر چه در تمام احوال او مسئولیت دارم دیگر در مقابل این حرف اگر ما بخوایم سعی کنیم بکنفران جدا بکنیم و آن یک نفر را رد بکنیم شایسته نخواهد بود ولو اینکه در واقع آن یک نفر تقصیر هم داشته باشد در صورتیکه رئیس‌الوزراء و رئیس یک حکومتی یک همچو اظهاری میکنند ما باید همه را باین چشم و بدون تفاوت نگاه کنیم اینهم راجع بمسئولیت مشترکه که در اینجا لازم بود توضیح شود و شاید مطابق قون من نظامنامه داخلی هم میگوید که اگر استیضاحی در مجلس از کابینه واقع بشود ولو اینکه بواسطه عهدهای یک نفر وزیر باشد نتیجه استیضاح بنام کابینه مربوط است و این مسئله بر میخورد ببحران کابینه بملاوه بنده درست نفهمیدم موضوع استیضاح چه چیز است و خیلی میل داشتم این مسئله تصریح بشود میگویند (کرمانشاه و ضامن خیلی بد است کرمانشاه در یک موقع اسف‌انگیزی واقع شده است) در این مسئله هیچکس مخالف نیست و در اظهار تأسف و حزن از پیش آمده‌های کرمانشاه گویا در مجلس شورای ملی هیچکس نباشد که شرکت نداشته باشد و اظهار تأسف نکنند منتهی این است که در دو چیز ممکن است اختلاف نظر واقع شود ممکن است بعضی نخواهند بوقایع کرمانشاهان یک رنگ بلتیکی عمومی بدهند و بعضی ها ممکن است وقایع کرمانشاه را از منظر خصوصی و معالی نگاه بکنند ببارت اخیری بعضیها ممکن است وقایع کرمانشاه را یک وقایعی که عمداً اتخاذ شده است بدهند و بعضیها آنرا یک وقایعی بدانند که از اختیار و قدرت دولت خارج است بنده شخصاً هیچ نمی‌خواهم و امیدوار هستم هیچ یک از نمایندگان هم میل نداشته باشند بوقایع کرمانشاه بکنند بلتیکی بدهند بجهت اینکه رنگ بلتیکی دادن بوقایع کرمانشاه بر خلاف حقیقت خواهد بود بعهدت دولت تمام جدو جهد خودش را همیشه مصروف کرده است و شاید پیش از آنچه لازم بوده است کوشش کرده است که بیطرفی خود را معطوف داشته بیک چیزیکه بر خلاف بیطرفی باشد اقدام نکنند پس نظر دولت نظری بوده است که اعلیحضرت هابونی فرموده اند در مجلس هم تصویب شده است یعنی بیطرفی این نظر نظر پارتیک زنیال مملکت است و البته هیچکس در این باب نمی‌تواند چیزی بگوید چه دولت حاضر و چه دولت هائیکه که سابقاً بوده اند این نظر را داشته اند پس باید باوضاع کرمانشاهان از منظر خصوصی نگاه کرد یعنی از منظر یک وقایعی که فوق‌العاده اتفاق

افتاده و اسباب تأسف هم است ولی یک چیزی است که جلوگیری آن باختر ما نیست و از یک طرف یک نماینده محترمی که از اوضاع کرمانشاهان بهتر از بنده سبق است در آنجا میگوید اهل سنجایی هیچ نوع تقصیری ندارد از طرف دیگری تقصیری را شامل حال مناصری که داخل در کار بودند میکند وقتی هم می‌خواهم در اصل خود قضیه بشویم یک استاد معین از هیچک از طرفین ارائه داده نمیشود که ما بدانیم نسبتهایی که میباید آیا مبنای صحیحی دارد یا ندارد یکی از دو طرف هم این مطالب را موکول بیک استادی میکنند که خواندشان در مجلس صلاحیت ندارد و نباید ذکر شود ولی طرف مقابل میگوید دوسه‌ها مرتب نیست و نمیتوانیم استادی در این جا اظهار کنیم و از طرف وزارت داخله در فراهم کردن وسائل امنیت و انتظام کرمانشاه مسامحه شده است خیلی خوب آقایانیکه مطالعه و ممکن است این حرفها بزنند ولی بعضی از نمایندگان محترم در اینجا هستند که هنوز این نظر خصوصی را نتوانستند پیدا کنند بجهت اینکه در این موضوع خصوصاً ندارند پس نظر آن عده در اینجا باید فقط بعنوان هیئت منصفه باشد لایحه یک نفر استیضاح کننده مثل یک مدعی العموم است که حمله میکند و طرف را مقصر قرار میدهد طرف هم باید مدافعه کند اما کسانی که داخل اصل مسئله و مطلب هستند و کسانی که از اوضاع خصوصی کرمانشاه اطلاع ندارند هیچ عنوان نمی‌توانند رأی بدهند مگر فقط بعنوان هیئت منصفه و تا وقتی که کاغذ بکلیات شود در اینجا ایراز شود بنده نمیتوانم و جدائاً خود را حاضر بکنم و این مسئولیت بزرگ و رأی دادن بعنوان هیئت منصفه را بگردن بگیرم پس مسئله هنوز خام و غیر معلوم مانده و بنده نمی‌توانم وجدان خودم را متقاعد کنم و با کمال موافقت و اعتدایک به کاران خودم دارم باز مطلب خودم را می‌گذارم تا یک عقیده قطعی تأمین اتخاذ بکنم و بتوانم بعنوان هیئت منصفه رأی خودم را اظهار کنم و هنوز ممکن نیست بتوانم اظهاری کنم زیرا تقصیر هیچ یک از افراد کابینه در نظر من هنوز محرز و معین نشده است دیگر آنکه فرض کنیم در قضیه کرمانشاه یک قدری هم قصور شده باشد (در صورتیکه عرض کردم این مسئله هنوز بر من ثابت نشده است) معلوم است چنانچه شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند هیچ قانونی ظاهراً نماینده را مکلف نمیکند باینکه وقتی میخواهد از یک کابینه مؤاخذه کند حتماً کابینه دیگر را حاضر کرده باشد ولی بعقیده بنده لازم نیست تمام چیزهای حال را قانون حکم کند یک چیزی که بالاتر از قانون است یعنی یک چیزی که بواسطه آن قانون نوشته میشود حکم میکنند و باصدای بلند رسا میگویند که امروز برای مملکت بحران خطرناک و مضر است من وقتیکه مملکت خودم و منافع آن را دوست داشته باشم نباید بگذارم یک وسیله برای تولید بحران در مملکت ایجاد شود و البته باید بقدر قوه سعی کنیم که در مملکت بحران تولید نشود ولو اینکه در قانون نوشته نشده باشد که حتماً اقلیت در این مواقع مکلف بحاضر کردن کابینه است چرا - برای اینکه مصالح مملکت عموم

مجلس یک نفر پیدا شد که لایحه بترفیع رتبه نظامی را تصویب کند ولی برای این بود که امروزه لزومی نداشت ولی البته مملکت قشون لازم داشت و البته تمام نمایندگان تصدیق دارند که مملکت ایران قشون می‌خواهد و از این حیث اختلاف نظری در مجلس وجود ندارد تقاضا از این مسئله می‌گذرم دوباب مسئولیت مشترکه در اینجا مذاکره‌ها شد و قانون اساسی را مثل آوردند بعضی گفتند وزراء مسئولیت اشتراکی دارند و بعضی دیگر میگویند هر یک از

نایندگان را با سویه مسئول میمانند و نباید تولید بحران کنند این را نباید بگردن اقلیت یا اکثریت انداخت علی الخصوص اگر با قبل مراجعه کنیم خواهیم دید که تمام وقایع امروزه یک چیزی است که از حوادث عادی باشد تمام پیش آمدهای امروزه و وقایعی که امروز اتفاق می افتد نتیجه اقدامات ائتلاف دستجات مجلس شورای ملی و زمامداران امور مملکت بوده که آن هیئت محترمه مؤتلفه است و تمام در این امور شریک بوده اند چطور شد حالا که باید نتیجه گرفته شود بیک اکثریت و با اقلیتی یعنی بیک اکثریت با کس و زحمت کش و بیک اقلیت تنقید کننده و اقلیت معصومی تفکیک نخواهد شد البته امر اکثریتی را خیلی خیلی زود میشود تنقید کرد و ممکن است با این ترتیب هیچک از افراد مجلس حاضر نباشند در مقابل یک اقلیتی ایجاد یک اکثریتی بکنند یعنی بمبارت اخیری یک مسئولیت مهمی بعهده بگیرند و وقتی یک اکثریتی حاضر نشد یک مسئولیتی را بگردن بگیرد آنوقت همه تبدیل بیک اقلیت تنقید کننده خواهند شد در آن صورت آقایان درست دقت فرمایند حال مملکت چه خواهد شد البته نتیجه بحران مملکت است و وجدان من اجازه نمیدهد با وضع کنونی وسائل ایجاد بحران را تهیه کنیم .

**معتصم السلطنه** - در اینجا مذاکره شد که چون ما نمی توانیم عملیات آقای وزیر داخله را از روی اسناد ثابت کنیم بنا بر این آقایان نمایندگان متقاعد نخواهند بود و جزو هیئت متصفه نمی توانند یک عقیده اتخاذ کنند ما هیچکس را مجبور نمیکنیم که با ما موافقت کند البته هر کس نسبت بوجدانش اطلاعاتی که در هر مطلبی دارد یک عقیده اتخاذ خواهد کرد ولی چیزی که هست این است که ما فقط نتیجه اعمال را می بینیم البته و کلاه نمی توانیم یک اسنادی بدست بیاورند زیرا تلگرافاتی که رسیده است و اقداماتی که شده است بدست افراد نمایندگان داده نمی شود نتیجه که امروز حاصل شده است می بینیم مثلاً اسف انگیز کرمانشاهان است و اینکه در اینجا از بحران گفتگو شد و مخصوصاً ناطق معتمد قبل از بنده فرمودند با صدای بلند رسائی بها میگویند بحران برای مملکت مضر است بنده هم با همان صدای بلند رسا نکرار میکنم که این عملیات صد درجه برای مملکت مضر تر از بحران است و در نظر دارم که بکنم از آقایان نمایندگان فرمودند ما داریم میفهمیم که با اساس مشروطیت نمی توانیم این مملکت را اداره کنیم برای اینکه در پنجاه سه کابینه تغییر کرده است و اگر مجلس منصف شود ایشان موافقت با افتتاح آن نخواهند کرد بنده عرض میکنم مجلسی که بدوافت شخص ایشان افتتاح شود کسی افتخار نخواهد داشت و بهرچیزت هیچکس افتخار نمی کند بنده بنایندگی مجلسی که شخصیات آنرا افتتاح نمایند بنده بنایندگی مجلسی افتخار میکنم که قوای ملت ایران آنرا بگیرد و در خانه عرض میکنم تنها چیزی که نتیجه اعمال را برای ما واضح میکند این منظره است که صفحات غرب به ایشان میدهد

**وزیر امور خارجه** - بنده متأسفانه خود را مجبور دیدم باینکه مذاکراتی که قبل از ظهر کردم تکرار کنم بعضی مذاکراتی می بینم در مجلس میشود که متأسفانه در خارج اثر بدی انعکاس پیدا

می کند و چنانچه قبلاً عرض کردم در این مذاکرها کوتاه تر شود برای اوضاع مملکت بهتر است و در مواقع خیلی شایان و مشتملی هم طول کلام زیبا نیست چه رسد بامروز که بیشتر قابل ملاحظه است بنده ناگزیرم دو موضوع را عرض کنم یکی اینکه آقایان بعضی مطالبی در باب شخص وزیر داخله راجع بپستله کرمانشاه تکرار میفرمایند اول عرض کردم حالا تکرار میکنم در مسائلی که اتفاق می افتد اگر یک وزیر در آن مسئله قصور کرده باشد البته می توانیم از او استیضاح کنیم اما مسئله کرمانشاه آنطوریکه هیئت دولت استشمام میکند مسئله شخصی نیست مسئله است هیئت دولت در آن ذی دخل نبوده بر این وارداتی که اینجند جاری بوده است ناگزیر هیئت دولت نظریاتی داشته است اگر نظریاتی نبود آن وقت بیخی و بی الله لازم بود مجلس شورا به هیئت دولت بتازد که چرا در این موقع هیئت دولت نظریات خودش را در این امر نکرده و بیک وزیر واگذار کرده است که او هر اقدامی بخواهد بکند ولی چون هیئت دولت بکار کرمانشاه اهمیت داده و میدهد در اقدامات راجعه بآنجا وزیر داخله را نگذاشته تنها دخالت کند و خود وزیر داخله هم حاضر نشده است تنها اقدامی بکنند در رای هیئت دولت کار کرده است و آنکه چندی نفر از آقایان نمایندگان فرمودند ما با آقای رئیس الوزراه اعتماد داشته و داریم از این عبارت معلوم می شود امروز هم اعتماد داریم در اینصورت وقتی که رئیس الوزراه در پشت تریبون میگوید من در اینکار شریک و مسئولیت دارم و بمجلس شورای ملی هم می نویسد اگر مجلس اعتماد دارد نباید قبول بکند وقتی که قبول نکرد البته با اعتماد ندارد نه بوزیر داخله بلای اگر رئیس الوزراه بیکت من مسئول صحیح بود ولی وقتیکه کتبا و شفاهاً بمجلس اظهار میکنند در اینکار ما همه مسئولیت مشترک داریم بنظر بنده داخل شدن در جزئیات جز صرف کردن وقت مجلس نتیجه دیگری ندارد اگر صحیح میگویند و رفته اعتماد بدهید و اگر ناصحیح است رد کنید بروید و بعد فکری برای کابینه بکنید و البته نه مجلس و نه هیئت وزراء و نه دیگران این عقیده نیستند که هیئت وزراء و نه دیگران این عقیده می نشینند خیر در سه روز فکر میکنند و یک هیئت دیگر پیدا میشود حالا اگر بعضی تصور کنند بحران خوب است یا بد است آن خارج از توضیح بنده است بنده عرض میکنم این هیئت بنظر اقلیت و یا اکثریت تشکیل نشده است این هیئت بنظر هیئت جامعه مجلس شورای ملی تشکیل شده است با اوضاع حاضر مملکت مقتضی است که هیئت جامعه مجلس از این هیئت نگهداری کند و با این هیئت تا آخر موافقت کند رئیس الوزراه ما حاضر نیستند با اعتماد اکثریت مجلس کار بکنند ایشان با تقدر مجلس داخل در کار شده اند و آرزوی ایشان و هیئتی که با ایشان کار می کنند این است که مجلس شورای ملی تا آخر با ایشان همان موافقت اولیه را داشته باشد موقع مملکت و اوضاع حاضر مقتضی نیست که یک کابینه با اعتماد اکثریت کار بکند مجلس هم معلوم نیست دارای اکثریت و اقلیتی باشد بجهت اینکه تا حالا ائتلافی بود و در موضوع کابینه هم اتفاق بود هنوز

هم که نمی بینم در اینجا اقلیت و اکثریت سستی داشته باشد اگر هم اقلیت و اکثریتی باشد تصور میکنم هرگز باین مشکلات حاضر حاضر مملکت هیئت دولت حاضر نباشد خودش را در مورد تنقید بعضی اشخاص قرار بدهند از مذاکره تأسف آمیز امروز پیدا است که تجدید هر روزه اش چه اثراتی خواهد داشت بعضی از آقایان مطالب را با نزاکت فرمایش میکنند بعضی طور دیگر اظهار میفرمایند و هر یک از اینها در خارج یک اثرات نامناسبی خواهد داشت و تصور میکنم آقایان نمایندگان مجلس از روی وجدان تصدیق کنند که حقیقتاً لازم است از این ترتیب اجتناب شود حالا خود آقای رئیس الوزراه هم اظهاری دارند خواهند فرمود ولی این چیزی بود که لازم دانستم بنظر آقایان برسد و عرض کردم

**مدرس** - بنده اجازه میخواهم

**رئیس الوزراه** - من امروز یک منظره فرفری مشاهده میکنم و هر دقیقه که میگذرد عالم عالم متأسفم میکنم در موضوع کرمانشاه خیلی برای من ناگوار است با اینکه نمایندگان محترم میدانند نمیخواهند بدانند و اینقدر باین مطلب صدرو ذیل میدهند در خود کرمانشاه چه اتفاقی افتاده است عدم آسایش آنجا چیست حالا که مقتضی نیست وزرا بعضی حرفها را بزنند چرا اسرار میکنند باینکه رئیس الوزراه را متهم کنید که در انتظار نامه هیچ معلوم شود مسئله که در کرمانشاه نیست از ناحیه این کابینه شده در صورتیکه حکم انضام امیر معتمد را این کابینه نداد خودش استعفا کرد و بدون اجازه آمد و آنوقت هم یک موقعی بود که دولت ناگزیر بود از اینکه بکنم را در آنجا معرفی کند پس از آنهم اقداماتی که شده است تمام با اطلاع نمایندگان بوده است نه فقط نمایندگان کرمانشاه بلکه سایر نمایندگان هم در آن امور نظر داشته همان است که اول دفعه گفتم در اینجا شخص وزیر داخله مسئول نیست هیئت دولت یا وزیر داخله را بستگی بنده است و انصافاً موقع و وقت ما هیچ اجازه نمیدهد امروز بین نمایندگان محترم و هیئت دولت ولو در یک مسئله کلی هم باشد اینقدر کشمکش و گفتگو پیش میآید البته من هیچوقت از توضیح خواستن و سؤال کردن و ایراد نودن نمیترسم و شاید این کابینه و هیئت دولت هم ترجیح ولى بهد از آنکه مطلب بدلائیل معلوم واضح شد نباید بی انصافی کرد اگر رنجشی پیدا شود از این باب است که خوب میدانند نمیخواهند بدانند مطالب حکما است و سرچیت اگر بخواهم عرض حرف بزنم در واقع خائن میشوم این خیلی مشکل است خیلی افسوس میخواهم حالا فرض میکنم وزیر داخله تمام تلگرافات را در جیب و بغل و کلاه و کفش وجواب بود قائم کرد و نرساند قبول دارم اما تلگرافخانه که حاضر است جوابهایی هم که داده شده حاضر است رجوع کند به بنید این چیز خیلی سهل و آسانی است خیلی خوب میتوان کشف کرد این چیزی نیست که حل نشود پس معلوم میشود امروز نسبت بین و کابینه من هیچ اعتمادی نیست و همان است که آقای وزیر امور خارجه گفتند من هیچ با اکثریت بایند نیستم و متازم که گوشم اقلیت

و اکثریت میشوند هزار افسوس که در این موقع مملکت این قسم گفتگوها بشود من نمی توانم خودم را حاضر کنم که با اکثریت داخل کاری شوم و با اقلیت بن حمله بکنم چیزی را که من مایل بودم همان اتحاد و اتفاق بود که خیلی باو امیدوار بودم و این خیلی خیلی برای من ناگوار است و نمی توانم همه چیز را بشنوم و خودم را راضی کنم که با این ترتیب داخل در کاری شوم ابتدا نمی توانم و گمان نمی کنم با این ترتیب حاضر کاری از من و کابینه من پیش برود زیرا دو ماه است که داخل کار شده ایم با این پریشانی حال اداره مالبه یک وزیر مالبه را که معین کرده اید از اول روزیکه داخل کار شده است روزی نیست که روزانهها چیزی راجع باو ننویسند یک وزارت خانه که هیچ رشته صحیحی نداشته و قانون تشکیلات او هم هنوز بدست وزیر مالبه نرسیده است و داخل در کار نشده است می بر او ایراد میگیرند باروزنامه است یا دیگری یا دیگری متصل با و تاخت میآورند این وزیر مالبه چطور میتواند کاری کند از روی انصاف به بنید آیا در دو ماه میشود یک مالبه را اینطور خراب کرده است درست کرد مگر از او معجزه بخواهند هزار افسوس هزار افسوس اما در مسئله جرایم بدلی قلم ازاد است و البته آزادی مطبوعات خیلی خوب است اما آزادی برای مملکت است نه مملکت برای آزادی وقتیکه جرایم از حدود خودشان تخطی و تجاوز کنند البته هیئت دولت آنها را توقیف کند جرایم چه حق دارند داخل در سیاست خارجی شوند میدانید چه می نویسند هر یک خود را بدسته بسته که هر چه بقلمشان میآید می نویسند و نمی دانند چه اندازه نتایج ناگوار در عقب دارد و چه خواهد شد و افسوس میخورم که باز هنوز نمی دانند و باز هنوز نمی بینید خیلی افسوس از آقایان نمایندگان استعفا کردم که بیایند و در کابینه و بینند این هیئت دولت در دو ماه چقدر جلو رفته و چه کار ها کرده و تا چه اندازه فوت قلب بخرج داده است بیاید به بنید که کار کردن چه چیز است من مملکت را خیلی دوست دارم و وضع نیک نانی را خیلی دوست میدارم ولی با این وضع حاضر نمی توانم کار بکنم و خیلی افسوس میخواهم انشاء الله کابینه بهتری در نظر گرفته اید و بهتر از این کار خواهد کرد .

( در این موقع آقای رئیس الوزراه و متعاقب ایشان سایر وزراء از مجلس خارج شدند )

**وزیر مالبه** اگر چه در این موقع هیچ مقتضی نبود که بنده این عرض را بکنم ولی چون راپورت کمیسیون نظارت نوشته شده است و بنده خودم را مکلف میدانم تا آن دقیقه که استعفا نداده ام بوظایف خودم رفتار نمایم بنابراین لازم است آنرا بمجلس تقدیم کنم دو شرحش را ماه به ماه نوشته اند و از اول برج جوزا گفته ام هفته به هفته نوشته اند و تمام راپورت ۳ ماهه گزاره در اف با کت است تقدیم میکنم .

**رئیس** - گمان می کنم مذاکره ها در باب استیضاح کافی است .

( گفته شد کافی نیست )

**رئیس** - رأی میگیریم بکافی بودن مذاکره آقایانیکه کافی میدانند قیام نمایند .

( همه قلبی قیام نمودند )

**رئیس** - معلوم میشود آقایان مذاکره را کافی میدانند .

**مهدی الدوله** - بنده یک اظهاراتی در نظر داشتم که میخواستم در موقعیکه توبه بن میرسد عرض کنم .

**آقای سردار معظم** نماینده خراسان بیانات مرا فرمودند در این مسئله کرمانشاه که موضوع بحث و استیضاح واقع شده است بنده نمیتوانم تصدیق کنم که اوضاع آنجا خوب است و بطور عادی میگردد البته خوب نیست و لیکن این قصورات و تقصیرات با کسی بوده است یا نبوده است موقوف باین بوده که آقایان نمایندگان داخل مطالعات میشوند و بنظر اینستکه نمایندگان کرمانشاه در این امر شرکت داشته اند و البته اطلاعاتشان کافی است و بهتر از بنده اطلاع دارند و چیزی که بر بنده معلوم شده است فقط مذاکره امروز است در دفعه قبل که می خواستم عرض کنم و آقای رئیس فرمودند خارج از موضوع است این نکته را نمیخواستم عرض کنم ما از ائتلاف یک فایده که می بردیم یک آگاهی بود که وقتی که یک مسئله خیلی مهم خطرناکی در مملکت پیش میآید بواسطه ائتلاف ما هم مطلع میشویم و چون تا بحال ازین مطلب مذاکره نبود بنده از کیفیت بی اطلاع بودم و اینکه بکنم از آقایان نمایندگان فرمودند بنام اقلیت اظهار میکنم همچنان که آقایان وزراء فرمودند بنده تا امروز در اینجا اقلیت و اکثریت نشنیده بودم و بین نمایندگان یک ائتلافی بود بلکه اخیراً عنوان اتحاد بود حالا اگر این نظر برای قسمتی از نمایندگان پیش آمده باشد البته باید باقی دیگر از حالا فکری بکنند یعنی بدانند این اکثریت راجع بیک صده از نمایندگان که در یک حزب هستند با با اتفاق بعضی بی طرف ها و مستلین خواهد شد حالا درین موضوع بنده چیزی نمی توانم بگویم جز اینکه نظر من اینست و تصور میکنم هیچ حزب قسمتی نمی تواند در این موقع مملکت بیک اکثریت و اقلیتی قبول کند و بنام اکثریت مشغول کار شود یعنی باین مشکلاتی که در این مورد احساس می کنند هیچ حزبی تعهد مسئولیت را نخواهد کرد اما در موضوع استیضاح بعقیده بنده این استیضاح راجع به هیئت وزراء میشود چون هیچو احساس میکنم که خیلی از نمایندگان بواسطه احترازی که از بحران دارند شاید در موقع رأی دادن رأی بدهند و یک اکثریت طبیعی برای این مسئله پیدا شود ولی نباید این مسئله را اشتباه کرد که هر گز این اکثریت اکثریتی نیست که بتواند مسئولیت یک مملکت و ولایت را بگردن بگیرد و سهولت یک کابینه را معرفی کند ولی باین نظر که باید از یک خطری که بنظر میآید ( یعنی بحران ) جلوگیری شود شاید رأی بدهند چون اینقدر وقتی نیست دو ماه است که از موقع بحران و آن واقعه وقصیهها که وحشت داشتم گذشت باید دانست اگر اکثریتی در مجلس پیدا شود این نقطه نظرات نه از راه مسئولیت اداره کردن مملکت

**رئیس** - آقای ملک الشمره فرمایشی دارید

**ملک الشعراء** - بنده چون بکافی بودن مذاکره رأی داده ام دیگر عرض نمیکنم

**مدرس** - در مذاکراتی که بنده کردم با بعضیها

میکند یا قبل از این کرده ام هیچ نظر شخصی در کار نبوده حالا که آمدم نشستم بین همه مرا مطرح مذاکره کرده اند اگر میدانستم چه فایده در وجود من است قبل از وزراء حرف میزدم که مرا مطرح مذاکره قرار دهند نه هیئت دولت و وزراء را خیلی چیز عجیب و غریبی است کسیکه نمی تواند جواب بدهد فحش میدهد حتی اصفهانی این جور است در اصفهان معروف است در نفر باهم نزاع میکنند چون نمی توانند همدیگر را کتک بزنند بهم فحش میدهند بنده یک مسئله در اینجا عنوان کردم آقایان بنده را مطرح مذاکره قرار میدهند بر فرض منم از میان رفتم چه فایده دارد خیلی غریب است بنده شخص حرف ندم متعرض اشخاص نشدم کسی گفت من پارلمانرا باز میکنم بنده هم یکی از افراد نمایندگانم کی همچو ادعائی کردم که اینطور فرمایشات را میفرمایند نسبت سر کوچه را بکنی دادم خیلی عجیب است هر کسی نمیتواند بولد نیست بدلیل جواب بدهد لازم نیست فحش بدهد اما مسئله که خیلی ضرر دارد در برای مملکت ضررش از همه بیشتر است همان مسئله اقلیت و اکثریت است چون در آنروزهای قدیم دیدیم کار مجلس را بکجا رساند لهذا در این دوره از این لفظ اجتناب کردیم و بنابر این بود که هر مطلبی بیان می آید یک جمعی مذاکره کنند دیگران اگر موافقت موافقت کنند و الا ساکت باشند اما امروز می بینم اکثریت دست کسی است که زیادتر فحش میدهد اکثریت دست کسی است که می خواهد مملکت را رو برو لوسی ببرد حکایت مجلس حکایت فحش دادن نیست حکایت افشاح کردن نیست حالا که بنده از این مجلس میروم ابتدا حاضر نیستم باین مجلس بایم اقلیت یک کابینه تشکیل بدهد .

**رئیس** - حالا آقایان مذاکره را کافی میدانند یا خیر ( گفته شد کافی است ) رأی میگیریم باینکه مذاکره کافی است یا کافی نیست آقایانیکه مذاکره را کافی میدانند قیام نمایند .

( همه قلبی قیام نمودند )

**رئیس** - مذاکره را کافی دانستند سه فقره پیشنهاد شده است یک پیشنهاد از طرف آقای حاج شیخ حسین بردی است که در موضوع این استیضاح رأی ساکت گرفته شود تا بعد حقیقت مکشوف شود یک پیشنهادی هم از طرف آقای اسید محمد رضا رسیده است که رأی منفی راجع بوزیر داخله گرفته شود و آقای آقا سید فاضل پیشنهاد می کنند رأی مثبت نسبت بوزراء گرفته شود پنج نفر از آقایان هم تقاضا کرده اند که رأی ساکت گرفته میشود باورفته رأی گرفته شود و موافق نظامنامه اگر رأی ساکت تشریف ندارند به بنیم رأی ساکت را قبول میکنند یا نه .

**سردار معظم** - باین وضعی که پیش آمد و آقایان وزراء بعنوان ترض واستمهات بنده بنده موضوع هر سه فقره رأی از میان رفته آنها که رفته اند برای کی رأی میگیریم .

**رئیس** - وقتی آنها مانع از مذاکره ما نمی شود .

**سردار معظم** - چرا مانع نمی شود این رأی در اعتبارنامه وکیل نیست کیفیت او مانع از رسیدگی نباشد این مسئله درباره نمایندگان صحیح است ولی در موضوع وزراء باید به بنیم دولت بجهت متقاعد میشود خود

هیئت دولت با اطمینان تکلیف رامین کندالوا و کلاچاپور می توانستند همین کنند .

**رئیس** - فعالتا چاره که هست گویا تنفس است اگر مخالفی نباشد چند دقیقه تنفس داده می شود .

در این موقع نمایندگان برای تنفس از مجلس خارج شدند و مجدداً یکساعت قبل از فروپ جلسه تشکیل شد .

**رئیس** - راجع استیضاحی که شده است آقایان عرض کردم سه فقره پیشنهاد شده است یکی رای ساکت یکی رای مثبت و یک فقره هم رای منفی مطابق نظامنامه رای ساکت حق تقدم دارد و اول باید رای گرفته شود ولی قبل از اینکه رای بگیریم باید عقیده هیئت وزراء معلوم شود که به بنیم رای ساکت را قبول دارند یا خیر چون آقایان وزراء تشریف بردند و دور نیست بفرمائید تبادل افکاری بکنند ما هم از عقیده ایشان مسوق هستیم و نمی توان امروز در این باب رای گرفت پس بهترین است که این مسئله را محول کنیم بجلسه دیگر که در باب آراء ساکت و مثبت و منفی رای بگیریم پس اگر مخالف نباشد جلسه را ختم می کنیم جلسه دیگر روز ۳ شنبه دستور هم اول مسئله اخذ رای راجع استیضاح دیگری دستور سابق بعلاوه قانون دخانیات که البته تا آنوقت حاضر خواهد شد .

**سردار معظم** - شاید قانون دخانیات هم تا جلسه آتی نرسد یا قانون دخانیات خواهد رسید یا قانون مستغلات .

**رئیس** - بسیار خوب در دستور یا قانون دخانیات خواهد بود یا قانون مستغلات .

**طباطبائی** - بعقد بنده خوب است راپورت کمیسیون هایش و مرخصی راجع برخصی آقای شریف العلماء امروز رای گرفته شود .

**رئیس** - آقای شریف العلماء چهل روز تقاضای مرخصی کرده اند و کمیسیون هم تصویب کرده است باید رای بگیریم - آقایانی که مرخصی چهل روزه آقای شریف العلماء را تصویب می کنند قیام نمایند .

( عده کثیری قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد .

( مجلس تقریباً سه ربع قبل از فروپ ختم شد )

**جلسه ۵۳**

**صورت مشروح مجلس یوم شنبه**

**هیچ دهم شهر شعبان ۱۳۲۷**

مجلس ۲ ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز شنبه ۱۳ قرائت شد .

غائبین بدون اجازه آقایان حاج امام جمعه - آقا شیخ محمد جواد - حاج معین التجار - سردار معظم کردستانی .

**رئیس** - در صورت مجلس نوشته شده است که وزیر امور خارجه گفته اند خوب است مذاکرات ختم شود مقصود این نبوده است مقصودشان این بوده که در همین جلسه مطالب ختم شود دیگر غیر از این ایرادی در صورت مجلس هست ؟

**سردار معظم** - بله پس از آنکه وزیر امور خارجه اظهاراتی فرمودند بنده پیشنهاد خود را پس گرفتیم و دلیلش را هم ذکر کردم و گفته ام حالا که آقایان

وزراء حاضر هستند جلسه امروز را امتداد دهند مامم بطریق اولی حاضریم و باین دلیل پیشنهاد خود را پس گرفتم اما يك مسئله دیگر در باب اظهارات بنده است که خیلی مختصر نوشته شده است و چون مطلب خیلی مفصل است و نمی توانم در اینجا ذکر کنم همین قدر عرض میکنم خوب بود همانطوریکه فرمایشات طرفداران استیضاح را باینکه سلامت و دلایلی منطقی نوشته اند اظهارات سایرین را بهمان ترتیب با دلایل ذکر میکردند .

**رئیس** - قسمت اول را همانطوریکه فرمودند اصلاح میشود اما قسمت دوم گمان میکنم این ایرادی که میفرمایند وارد نباشد همانطوریکه در لایحه طرفداران استیضاح رانوشته اند سایرین را هم نوشته اند .

**سردار معظم** - استدعا میکنم بصورت مشروح مجلس مراجعه فرمائید .

**رئیس** - صورت مشروح که در اینجا خوانده میشود البته صورت مشروح غیر از صورت خلاصه است و در صورت مشروح تمام مذاکرات نوشته میشود حالا اگر این صورت مجلس را صحیح میدانند صورت دیگر نوشته شود در جلسه آتی قرائت شود حالا رای میکنیم آقایانی که این صورت مجلس را تصویب میکنند قیام نمایند .

( عده فلیلی قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب نشد - مجدداً نوشته میشود و در جلسه آتی قرائت میشود دستور امروز يك مسئله اخذ رای در باب استیضاح بود و دیگر راپورت کمیسیون است و تلگراف و عدلیه راجع به قانون یستی بود مطلب سوم هم قانون دخانیات یا مستغلات بود قانون دخانیات و مستغلات حاضر نشد و اخذ رای در باب استیضاح هم گمان نمیکنم امروز صورت بگیرد اینکه امروز در اینجا مذاکره شده که رای بگیریم و قبل از رای گرفتن باید عقیده هیئت دولت معلوم شود ولی چون هیئت دولت حاضر نیستند و تا وقتی که حاضر نشوند نمی توانیم در اینجا رای بگیریم این است که اگر تصویب میفرمایند داخل شوم در قرائت راپورت کمیسیون یستی و تکرار .

**مرات السلطان** - بنده گمان میکنم باید از طرف مجلس با آقایان وزراء تا یکید شود که تشریف بیاورند شاید هیچ تشریف نیاورند همین طور یستی این مطلب مطلق شود مجلس اقداماتی را که نسبت به استیضاح بکنند کرده است باید به هیئت وزراء تا یکید شود که زودتر تشریف بیاورند معلوم شود چه اقداماتی خواهند کرد .

**رئیس** - البته سبوق هستید که هیئت دولت گفته اند تا روز شنبه مطلب معلوم میشود باز هم تا یکید میشود تا روز شنبه تکلیف رامین نمایند .

**ناصر الاسلام** - بنده کاملاً با اظهارات آقای مرات السلطان موافقم که هر چه زودتر مسئله استیضاح باید خاتمه داده شود بجهت اینکه خیلی مضحک خواهد بود که در یک همچو موقع مهمی مادر مجلس بنشینیم و قانون یستی را بگذرانیم یا بجهت استدعا میکنم تا یکید فرمائید که زودتر هیئت وزراء حاضر شوند و باین امر خاتمه داده شود .

**رئیس** - تا یکید می شود و دوباره عرض میکنم

بوجود نوشته که هیئت دولت فرستاده بودند تا روز شنبه تکلیف معلوم خواهد شد .

**حاج شیخ محمد حسین یزدی** - در موضوع استیضاح که بروز شنبه افتاد بقرینه بنده خوب است در اینکار تأخیر شود تا حرفهای طرفین واضح شود چون بنی و بین الله هنوز مطلب واضح نشده است دلم میخواست حالا که وزراء نیستند مجلس هم دست نگاه دارد و در صدد تقییس برآید یعنی دو نفر از این طرف و دو نفر از آن طرف با هم پیشینند به بنده قضیه چه چیز است بعد اتفاق آراء با هر طرفی شد رای داده شود .

**رئیس** - گمان میکنم این مسئله از موضوع خارج است و وقتی این مسئله میتواند مطرح مذاکره واقع شود که بخواهیم در باب اخذ رای راجع به استیضاح مذاکره کنیم فعالتاً مذاکره راجع دستور است حالا باید دید که این مسئله جزء دستور امروز باشد یا نهامند برای روز شنبه و فعالتاً باید معلوم شود که در قانون یستی داخل شوم یا در سایر مسائل مذاکره کنیم ؟

در اینکه قانون یستی جزء دستور امروز شود مخالفی هست ؟ ( اظهاری نشد ) معلوم میشود مخالفی نیست داخل بشوم در قرائت راپورت کمیسیون راجع بقانون یستی .

( بمضمون ذیل قرائت شد )

در آخر تبصره ماده دوم این عبارت علاوه شد چنانچه اداره یستی برای ترتیب حمل و نقل بخواهد با اشخاص مختلفه قرارداد نماید با اتباع داخله خواهد بود .

**رئیس** - در این جمله که تبصره ماده دوم ضمیمه شده است ایرادی هست یا نیست ( ایرادی نشد ) پس رای میکنیم باین ضمیمه آقایانی که این ضمیمه را تصویب میفرمایند قیام کنند .

عده کثیری قیام نمودند

**رئیس** - تصویب شد - رای میکنیم بماده (۲) ضمیمه این عبارت که اضافه شده آقایانی که ماده دوم را به ضمیمه این عبارت قبول می نمایند قیام فرمائید .

( غالباً قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد - ماده هشتم قرائت می شود :

( بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده هشتم - اداره یستی با تصویب وزارت متبوع عهده و مکان و وظایف یستخانها را تعیین نموده ترتیب برداشتن مراسلات را از جمله های یستی ارسال و توزیع آنها را مقرر میدارد

**مخبر** - ماده سوم بملاحظه ماده دوم رای گرفته نشد و مانند لهذا لازم است اول در آن ماده رای گرفته شود .

**رئیس** - ماده سوم قرائت میشود رای میکنیم .

( بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده ۳ - قرائت ذیل از امتیاز انحصاری یست خارج است .

اولاً - حمل و نقل مسافری و بنه آنها در صورتی که با وسائل شخصی یا با دستگاههای کرایه بدون تبدیل مال در عرض راه یا با کاروان یا با رام آهن یا با وسائلی که امتیاز آنها قبل از وضع این قانون

داده شده مسافرت بمنایند و حمل مسافری و بنه آنها در طرفی که حالیه همراه رو هستند و همچنین حمل مسافری و بنه آنها بوسیله دستگاههای کرایه که بقوه حیوانی یا مکانیکی در شهرها و نقاط پر جمعیت و اطراف آنها حرکت و حمل مسافر بمنایند و مالیات را نیز میپردازند .

ثانیاً - یا کتفا یا مراسلاتی که توسط بعضی از ادارات حمل میشود و تعیین شرایط و حدودش با دولت است .

ثالثاً - مراسلاتی که اشخاص مختلفه توسط کاشانگان خود برای یکدیگر میفرستند و مراسلاتی که مردم بیستخانه میرند بالزیربستانه میکنند .

رابعاً - مراسلاتی که اشخاص مختلفه حامل آنها هستند و راجع با امور شخصی خود آنها است .

خامساً - بار نامه و صورت حسابهای سرکاری که تجار به راهی مال التجاره خود میفرستند و شامل مطلب دیگری جز اطلاعات راجع به تحویل دادن مال التجاره نیست .

سادساً - اوراق راجع به سایر ادارات حمل و نقل عمومی که با وسایل حمل و نقل خودشان فرستاده می شود .

سابعاً - مراسلات متبادله قبایل دول خارجه و نمایندگان آنها ( از قبیل سفراء و وزراء و قنصلها ) که در مملکت ایران یست رسمیت میکنند و در خورجینهای سفارتی بوجوب قرارداد دولت حمل و نقل میشود .

ثامناً - مراسلاتی که از نقطه بنقطه راجع شود که در آنها یست خانه نباشد

**رئیس** - در ماده سوم مخالفی هست یا نیست ؟

**مخبر** - آن استثنائی که امروز عرض کردم که کاغذ های شخصی باید آزاد باشد نمیتانم جزء مستثنیات نوشته شده است اجازه مستثنی مندرج شده در اینجا ذکر آن نشده است

**مخبر** - چرا در مستثنیات دارد که مطالب شخصی را نمیتانند بفرستند و هیچ مانعی نیست

**عبد الملک** - تأخیر رای در ماده سوم را بنده تقاضا کردم بجهت اینکه آقای مدرس در ماده دوم يك پیشنهادی کرده بودند و محل توجه واقع شد و کمیسیون رفت چون مضمون آن این بوده که مراسلات اشخاص مختلفه آزاد باشد و تصور کردیم که کمیسیون شاید آنرا بپذیرد برای اینکه جریان همه باشد تقاضای تأخیر رای ماده سوم را تا زمان گذشتن فقره سوم از ماده دوم کردم و نمیتانم پیشنهادی که آقا فرمودند در کمیسیون چه صوتی پیدا کرده است

**مخبر** - ماده دوم که به ترتیب سابق بمجلس آمد و رای هم گرفته شد در باب نوشتجات شخصی که آقای مدرس میفرمایند آزاد باشد در اینجا نوشته شده است

( رابعاً مراسلاتی که اشخاص مختلفه حامل آنها هستند و راجع با امور شخصی خود آنها است ) در اینصورت این قبیل مراسلات جزء مستثنیات است و داخل در انحصار اداره یستی نیست

**مخبر** - بله ( مراسلاتی که اشخاص مختلفه حامل آنها هستند ) دایره اش بکفوری اذیق است از آنچه بنده عرض کردم باینکه در آن ماده قبول فرمائید

که با کتفا یا مراسلاتی که اشخاص مختلفه برای يك دیگر میفرستند مستثنی باشد اگر قبول بفرمائید رفع آن اشکال خواهد شد ولیکن اگر قبول نکنند گمان میکنم همان اشکالاتی که عرض شد باقی باشد دومه دوم که تصرفی نکرده اند و نسبت به کاغذ هایی که مردم در جیب بشلشان میکنند در مسافرت برای آنها اسباب زحمت خواهند شد و اگر در اینجا بنویسند ( مراسلاتی که اشخاص مختلفه برای یکدیگر میفرستند ) رفع این محظورات خواهد شد

**مخبر** - بنده این ترتیب را قبول میکنم که نوشته شود ( مراسلاتی که اشخاص مختلفه برای یکدیگر میفرستند و راجع به امور شخصی خود آنها است ) که نه اینکه بکنند برای جمعی دیگر هم کاغذ قبول کند و بفرستد مقصود این است آنچه میفرستند راجع به شخص خودشان باشد نه راجع به دیگران

**مخبر** - بنده این مسئله را تفهیم یعنی بنده يك کاغذی که برای کسی مینویسم خودم ببرم؟ اگر من خودم بروم دیگر چرا کاغذ مینویسم مقصود از این مسئله این است اگر بنده يك کاغذی بیک مسافری که میخواهد بکرمان برود و بدم که آن کاغذ را آنجا بگذارند من بدمه باید این ماده متعرض باشد که در راه مأمورین اداره یستی اسباب زحمت برای او فراهم نیاورند و متعرض آن شخص نشوند بفرمائید بنیم کدام يك از این فقرات است که متعرض عرض بنده شده است هر يك از این فقرات متعرض این مسئله باشد البته رفع اشکال خواهد شد و بازره عرض میکنم اگر در اینجا نوشته شود ( مراسلاتی که اشخاص مختلفه برای یکدیگر میفرستند ) رفع این اشکال خواهد شد

**مخبر** - اگر ملاحظه فرمائید این مسئله هم قید شده است مینویسد ( ثالثاً مراسلاتی که اشخاص مختلفه توسط کاشانگان خود برای یکدیگر میفرستند ) پس وقتی که حضرت عالی يك نوشته را توسط یک نفر خواستید برای يك نقطه بفرستید در واقع آن شخص کاشانه جنابالی محسوب خواهد شد و البته کسی متعرض او نخواهد شد

**مخبر** - گمان میکنم اگر بنده يك کاغذی بجنابالی بدم به برید بکرمان شاکاشانه من نیستید از باب بنده هستی ولی نعمت من هستی کاشانه یعنی نوکر این مسئله را که بنده عرض کردم بنیم در میان مردم چگونه متعارف است يك شخص مسافری از اینجا میخواهد يك جانی برود يك کاغذی باو میدهم و میگویی خدا بدست را بیاورد این کاغذ را بدوست من بده در اینصورت میخواهم مأمورین یستی دست توی جیب و بفل مرده نکنند بنا براین حالا که اینطور می فرمایند اگر در این ماده لفظ ( توسط کاشانگان ) را بیندازند این جور نوشته شود ( ثالثاً مراسلاتی که اشخاص مختلفه برای یکدیگر میفرستند ) باز رفع اشکال خواهد شد .

**حاج شیخ یوسف** - بنده گمان میکنم خیلی مسئله واضح باشد چیزی که آقای مخبر پیشنهاد کرده اند و از کمیسیون گذشته است تصریح میکنند که مراسلات اشخاص بیکدیگر کلیتاً ممنوع است در اینجا دوشق تصور میشود يك شق مراسلاتی است که بتوسط اشخاصی که با یستی میرند و در حقیقت

باصرت به بلاد وارد میشوند فرستاده میشود يك شق دیگر این است که بوسائل یست نیست بوسائل رایج مملکتی است مثلاً بنده از اینجا میخواهم به آذربایجان مسافرت کنم با مال سواری میروم کاغذ هایی پس میدهند که به آذربایجان ببرم آقای مدرس میفرمایند این قسم مکاتیب که باین وسائل به بلاد فرستاده میشود مستثنی باشد بنده گمان می کنم این قسم مراسلات را نمی شود دولت جلوگیری کند ولی آن قسمی که اول عرض کردم البته نمی شود اجازه داد و مخصوص بدولت است ولی درین شق ثانی گمان می کنم ممنوع نباشد .

**سردار معظم** - بنده می خواهم عرض کنم این ترتیبی را که آقای مدرس میفرمایند شاید اساساً صحیح باشد ولی برخلاف آن اصلی است که مبنای این لایحه قانونی است در این لایحه قانونی نظر به انحصار یستی است برای دولت و چون این نظر را داشتیم اگر به آن ترتیبی که آقای مدرس میفرمایند نوشته شود دیگر آن انحصار از بین میرود چون همیشه مکاتیب بین دو نفر است و یکی به یکطرف دیگر مینویسد پس وقتی که گفتیم اشخاص مختلفه مراسلات خود را می توانند برای یکدیگر بفرستند باید مبنای انحصاری یستی را هم لغو کنیم .

**رئیس** - گمان می کنم در این موضوع بقدر کفایت مذاکرات شد اگر پیشنهادی هست پیشنهاد بکنید تا رای گرفته شود .

**مخبر** - بنده پیشنهاد دارم .

**رئیس** - پس در ماده هشتم رای میکنیم تا پیشنهاد آقا حاضر شود .

در ماده هشتم عبارت ( دولت ) بوزارت متبوع تبدیل شده است رای بماده هشتم به ترتیبی که قرائت شد آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند ( عده کثیری قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد - ماده دهم قرائت می شود :

( بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده دهم - اداره یستی در حدود مقرر قانون مجاز است که برای احداث یست مقرری بحری فیما بین مملکت ایران و نواحی ماوراء البحر با تصویب وزارت متبوع با اشخاص مختلفه قرارداد مخصوص بگذارد .

**رئیس** - در اینجا عبارت ( با تصویب وزارت متبوع ) اضافه شده است رای میکنیم بماده دهم با این ترتیبی که قرائت شد آقایانی که تصویب می کنند قیام نمایند .

( عده کثیری قیام نمودند )

**رئیس** - تصویب شد - ماده ۱۴ قرائت می شود :

( بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده ۱۴ - امتیاز انحصاری طبع نمیر یستی و سایر هلامات راجع به حقوق یستی با دولت است حفظ و ضبط آن توسط وزارت مالیه خواهد بود و فروش با وزارت یستی است .

**سردار معظم** - در مرامی که این ماده بمجلس آمده در اینجا اظهاراتی شد و خواستم قانون یستی با قانون تشکیلات مالیه که قبلاً از مجلس گذشته بود موافقت داشته باشد و آنچه بنظر بنده می آید





تعیین نماید و مدت شرایط تادیه قیمت با مواضع آنها را تعیین کند.

**رئیس** آقای مخبر همین است ماده ۳۸ که سابق نوشته بود مفصل تر بود.

**مخبر** - بایستی همین است که نوشته شده است.

**رئیس** - در ماده ۳۸ مخالفی هست یا نیست (مخالفی نشد) مخالفی نیست رأی میگیریم آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند.

(غالب نمایندگان قیام نمودند و تبصره متمم ماده ۴۲ بمضمون ذیل قرائت شد)

تبصره - چنانچه صاحب مال برای امانت بینه نشده مفقود راضی نشد که بکن بازده قران غرامت دریافت نماید باید نامل نماید تا امانت مفقوده پیدا شود در این حالت دیگر حق مطالبه غرامت نخواهد داشت.

**رئیس** - در این تبصره که ماده ۴۲ اضافه شده مخالفی هست؟

**حاج شیخ اسدالله** - بنده تصور می کنم باید بکن مدنی برای این کار قرارداد کرد آمدن صاحب مال برود مطالبه کند یا این کار اگر ادره است حاضر شد غرامت بدهد و او نکرده آن وقت دیگر حق مطالبه نداشته باشد اما بصورت کلی سکه نوشته شده (هرگاه راضی نشد) یعنی چه؟ یعنی ادره است خودش اظهار می کند که بیا مالی که از تو سرقت شده غرامتش را بگیر آن وقت اگر نکرده حق مطالبه ندارد؟ این مطلب را باید بیک ترتیبی نوشت و مدنی برای آن تعیین کرد که واضح باشد.

**مخبر** - ادره است اساساً از برای امانت بینه نشده نباید چیزی بپردازد بجهت این که وقتی که بیک کسی امانت را بینه نکرد و مفقود شد در واقع این بیک خسارتی است که بواسطه اقدام خودش متحمل شده ولی وقتی که با این حال ادره است حاضر میشود بکن ۱۰ قران بپردازد برای اینست که اگر اتفاقاً بیک امانتی پیدا شد که بکن ۱۰ قران بیشتر قیمت آن باشد و بکن پنج تومان قیمت داشته باشد عوض صدقره امانت بی قیمت رای بکن ۱۰ قران پرداخته بتواند از این راه بکشوری برود و تلافی آن ضررها را بکند و صاحبان امانات هم حق نداشته باشند زیاد از ۱۰ قران مطالبه کنند و بگویند امانات ما بکن ۱۰ تومان قیمت داشته پس وقتی که بیک شخصی حاضر نشد بکن ۱۰ قران غرامت را بگیرد قانون با حق بدهد که تحمل کند تا مالش پیدا شود و اگر پیدا نشد حقی نداشته باشد والا بیک شخصی ۲ سال یا یکسال معطل میشود بکن ۱۰ قران را نمیگیرد آن وقت اگر امانتش پیدا نشد غرامت را مطالبه میکند در این صورت ادره است باید که وجهی برای غرامت امانات مردم از خارج پیدا کند و بیاورد بآنها بدهد.

**حاج شیخ اسدالله** - بلی تصور میکنم بیک جمله از عرض بنده را آقای مخبر در ضمن فرمایشاتشان تصدیق کردند عرض میکنم قانون ادره است را ملزم کرده که بکن ۱۰ قران در عوض امانات بینه نشده بعنوان غرامت تادیه کند برای این که بداند مجبور است اموال مردم را چه بینه شده باشد و چه بینه نشده باشد حفظ بکند همانز این که ادره است مجبور بتادیه این وجه شد بنظر بنده این عبارت معطل است زیرا میگوید چنانچه صاحب مال برای امانت بینه نشده مفقود راضی

نشد بکن ۱۰ قران غرامت دریافت دارد باید نامل نماید تا امانت مفقوده پیدا شود در این حالت دیگر حق مطالبه غرامت نخواهد داشت در اینجا باید مدنی شود که تا کی اگر حاضر نشد بکن ۱۰ قران غرامت را بگیرد و حق مطالبه نخواهد داشت باید بیک مدنی معین شود که اخطاط حق صاحب مال نشود اما اگر بطور اطلاق نوشته شود ممکن است ادره است بینه هم روزیکه امانت مفقود شده اهم از این که خبر آن بطرف رسیده یا فرسیده باشد بگیرد چون نویسنده مطالبه کنی من هم بگیر غرامت نمیدهم اگر اطلاع هم پیدا کرد و بیک اشکال و مانی از برای او پیش آمد که نتوانست برود مطالبه کند ادره است با او بگیرد حقی ندارد بقیه بنده باید بیک مدنی از برای این مطالبه قرارداد بگیرد مدنی هم زیاد باشد هر قدر میخواهند معین کنند چون نفع دولت هم در اینست که مدت داشته باشند آنها اینست مدتش را کم قرار دهند و بنده آن که صاحب مال از مفقود شدن امانت اطلاع پیدا نمود و در ظرف یکماه یا ۲ ماه یا ۳ ماه اگر مطالبه غرامت نکرد یا این که ادره است بخواست با او غرامت بدهد نکرده دیگر حق نداشته باشد اما بطور اجمال نوشتن بیک چیز گنگی است که همیشه محل تلاوع و تشایع بین صاحبان امانت و ادره است خواهد شد.

**مخبر** - گمان میکنم مطالب گنگ باشد زیرا در جای دیگر نوشته شده است معنی تمام دعوی که صاحبان امانت ادره است دارند بیکسال خواهد بود پس در اینصورت اگر امانت بیکسال آمد و مطالبه کرد و راضی شد بکن ۱۰ قران را بگیرد که میگیرد و اگر راضی نشد باید تحمل کند تا هر وقت امانتش پیدا شد بیاورد بگیرد.

**رئیس** - مذاکرات کافی نیست؟ (گفته شد کافی است)

اول رأی میگیریم در تبصره آقایانی که این تبصره را قبول میکنند قیام نمایند.

(غالب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده ۴۳ در رأی نکرده ایم و با اینکه آقایان آماده و ادره است قرائت میشود و رأی میگیریم

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۳ - در صورتی که تمام یا جزئی از بیک امانت بینه نشده مفقود شود یا اینکه تمام یا جزئی از معنوی آن خراب و ضایع گردد ادره است متعهد و ملزم است که در ازای هر بیک من مال التجاره مفقود یا ضایع شده مبلغ بازده قران بعنوان غرامت صاحب امانت کارسازی نماید بر حسب قاعده مطالبه این غرامت باید توسط فرستنده از بستخانه یا مرکز ابالتی بستخانه بشود که در آنجا امانت تحویل داده شده است ولی اگر در امانت هم میتوان مطالبه جبران ضرر را از بستخانه مقصد یا مرکز ابالتی آن بنمایند مشروط بر اینکه از فرستنده بیک اجازه نامه در دست داشته باشد همین که مبلغ بینه شده با غرامت معینه در این نامه بصاحب امانت ادا شد تمام حقوق مشارالیه از این باب به ادره است تعلق خواهد گرفت صاحب امانت از قبیل وصول وجه غرامت مجبور است ادره است را از جنس معنوی امانت مفقوده مستحضر بدارد و حتی الامکان بواسطه اطلاعات شخصی موجبات تسهیل تقصیر و تجسس آنرا فراهم آورد

**رئیس** - رأی میگیریم در ماده ۴۲ آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند

(اکثر قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد - حالارای میگیریم در ماده ۴۲ به ضمیمه تبصره آقایانی که تصویب میکنند قیام نمایند

(غالب قیام نمودند و ماده ۴۴ بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۴ - در مواقع ذیل ادره است مسئولیت های مذکوره در فصل ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ را بعهده نمیگیرد از اول در صورتی که امانت بینه شده مفقود یا معیوب شود و قبل از پرداخت وجه غرامت ادره است در بیک از معاکم رسمی ثابت نماید که قیمت امانت بینه شده بیش از قیمت حقیقی آن اظهار شده است تا بیا در صورتی که ادره است حمل اثباتی را بعهده بگیرد که موافق مسطورات فصل هفتم مجبور بقبول آن نباشد و در اینصورت خود را مخصوصاً از مسئولیت خارج نماید تا بیا در صورتی که علت فقدان یا توضیح مسورات و قایع جنگی و شورش داخلی ملک و یا انقلابی باشد که رفع آن از عهده حکومت محلی خارج است ولی مطالبه کننده همیشه حق خواهد داشت که در باب اثبات موقع اظهاراری بودن که استدلال بآن میشود دلایل لازمه را بخواهد راجعاً در صورتی که برقی یا حیف یا میل خوردن فقدان یا توضیح مسورات شده باشد.

غاصاً - در صورتی که علت فقدان یا توضیح مسورات محتویات آن ها و یا خود آنها و یا غفلت فرستنده باشد

غاصاً - در صورتی که در موقع تحویل دادن مسوله بگیرنده آثار دست خوردگی از لاف خارجی آن دیده نشود و وزن آن با وزن زمان تحویل موافقت نماید ولیکن در صورتی که فرستنده در زمان ارسال محتویات مسوله خود را روی مسوله یا روی وره که به همراه آن فرستاده میشود بنویسد و دفتر فرستنده صحت آنرا امضاء کند ولو اینکه بیبی روی لاف خارجی مرئی نشود وزن آنها با وزن زمان تسلیم موافقت نماید ادره است مسئول کسری یا معایب دیگر آن خواهد بود بجهت خسارت غیر مستقیم و عاید شدن منافع مفقوده ادره است مسئولیت بوده نخواهد گرفت.

**عدل الملک** - راجع بفقره اول این ماده که مسئله بینه باشد آقای سردار معظم راجع به مسئله بینه نظریاتی اظهار کردند و بنده از این اشکالی و آن دارم این است که در اینجا مینویسد هرگاه ادره است ثابت نماید که قیمت امانت بینه شده بیش از قیمت حقیقی آن اظهار شده است بنده عرض میکنم قیمت حقیقی با اعتبار اشیاء فرق میکنند زیرا ممکن است برای بنده بیک و دیمه یا بیک یاد کاری از خانوادگی باشد که خیلی قیمت داشته باشد با اینکه مصرفی برای مسولات خودم داشته باشم که آن اعتبار قیمت مسوله بنظر من بیشتر باشد اگر ادره است بخواهد بایک نظر بی طرفی (نه نظر خصوصی) آنرا تقویم حقیقی بکند بجهت تقویم حقیقی خواهد کرد که آن نظریه من هم تأمین شده باشد

**معاون وزارت پست و تلگراف** - از فرمایش آقایان استنباط کردم که بکن مدنی باین ماده (که برای همین اشکالات در اینجا نوشته شده است) توجه نشده است اولاً عرض میکنم از جمله این ماده در اینجا بدلائلی که مکرر در جلسات قبل شرح داده شده خیلی واضح است بجهت اینکه این مسئله در ادره است خیلی اتفاق می افتد و توضیح آن اتفاقات را هم داده ام اشکالی که آقایان در اینجا داشته اند و در کمیسیون هم مذاکره شد این بود که ادره است بجهت رعایت موافق این ماده کلیه امانتی را که بینه شده بوقت در بیاورد و حال آنکه ادره است همچو نظری نداشته بملت اینست که در اینجا نوشته شده است در صورتی که امانت بینه شده مفقود یا معیوب شود و قبل از پرداخت وجه غرامت ادره است در بیک از معاکم رسمی ثابت نماید که قیمت امانت بینه شده بیش از قیمت حقیقی آن اظهار شده است پس در این جا ادره است امانت بینه شده را قیمت خواهد کرد و ثابت خواهد کرد در اینصورت وقتی ادره است مسئولیت ندارد که ثابت کند قیمت امانت بیش از قیمت حقیقی آن اظهار شده و این ماده که فعلاً نوشته شده است برای رفع این معظور بوده است و پیشنهادهایی که فرموده بودند کاملاً در آنها دقت شد و اگر درست دقت به فرمایند این ماده میگوید ادره است بیک امانت بینه شده را که حرکت بدهد بصاحبش برساند پس از آنکه مفقود شد صاحب امانت باید امانت خودش را مطالبه میکند بعد از آنکه مطالبه کرد ادره است مکلف است تا مدتی که در این قانون نوشته شده است که یکسال است جستجو کند اگر از این باب هیچ چیزی بدست نیآورد باز مطابق این قانون مکلف است بپوشان آن قبضی که بصاحب امانت داده است قیمت آنرا بدهد پس این ماده را باین صورتی که حاله پیدا کرده میخواهد بگیرد اگر امانت بینه شده مفقود شد ادره است در آن مدتی که وقت دارد و میتواند بیک هلالی از آن پیدا کند و در بیک از معاکم رسمی ثابت نماید که قیمت امانت بینه شده از قیمت حقیقی اظهار شده است (و این حق بتمام افراد مردم هم داده شده است) پس از آنکه ادره است تمام این درجات را طی کرد و نتوانست ثابت و عدل کند که این شخص آمده و بیک امانتی بدارد بیک ادره است و بینه کرده و بطور تقلب قیمت حقیقی را اظهار نکرده و غیر واقع معین کرده و آن امانت مفقود شده و ادره است علاوه از آن امانت بدست آورده آنوقت نباید غرامت بدهد حالا اگر بفرماید امثال این کجا است عرض میکنم امثالی بسیار است و در کمیسیون هم در این باب توضیحات کامل داده ام که اینست خیلی اتفاق می افتد بخصوص راجع بکلی بستان که امروز در این ملک خیلی زیاد است و گمان میکنم دیگر هیچ شک و شبهه باقی نباشد تقاضا میکنم مقرر بفرمایند یکدفعه دیگر ماده خوانده شود تا ملاحظه فرمایند این توضیحاتی را که دادم بطوری در ماده مصرح است و رفع اشکال میشود و هیچ کجا بجهت ندارد در همه چیز در آن رعایت شده است.

**مدیر** - بلی اینکه نوشته شده است ادره است بجهت تقویم حقیقی خواهد کرد که آن نظریه من هم تأمین شده است

مفقود خود و برود مطالبه فراموش نماید ادره است میگوید من ثابت میکنم که این قیمتی را که نوشته ای زیاد است بنده گمانم این است که این بیک مدتی میخواهد که اگر تا آن مدت ادره است ثابت کرد آنها و الا باید فراموش مال مردم را بدهد این بیک مسئله بیک مسئله دیگر که میخواهم سؤال کنم این است مقتضای این ماده این است که اگر ثابت شد زیادتی قیمت کرده ادره است مسئول آن زیادتی نیست یا اصلاً مسئول مال مفقود شده نیست ظاهر عبارت این قانون این است که دیگر هیچ وجه مسئول آن مال نیست ولی گمان میکنم مقصود نویسنده این باشد مثلاً من مالی را که باینده تومان می آرد به ادره است گفته ام ششصد تومان می آرد اگر آن مال مفقود شد و ادره است ثابت کرد که این مال باینده تومان قیمت دارد ادره است هیچ ضامن نیست و بیا ضامن آن صد تومان علاوه نیست خوب است این را توضیح بدهند که مرادشان چیست؟ آیا از مواد دیگر معلوم میشود که مدت ثبوت تا چه اندازه هست یا خیر؟

**معاون وزارت پست و تلگراف** - در باب مدت چنانچه در همین قانون نوشته شده است در کلیه دعای که به ادره است تعلق میکند بیک سال معین شده است در و اما در باب جمله دوم که فرمودند البته تصدیق خواهند فرمود که وقتی ادره است تمام این درجات را طی کند و در بیک از معاکم رسمی ثابت نماید که قیمت امانت بینه شده از قیمت حقیقی اظهار شده است البته باید صاحب امانت از آن امانت صرف نظر کند بملامه ما باید بیک نکته دیگر را هم در نظر بگیریم چنانچه در کمیسیون عدلیه که آقای عدل الملک مخبرند و خود جناب عالی هم تشریف داشتید و در مواد مجازات گفتگو میشد و حالا آن مواد مخصوصاً در این موقع مذاکراتی شد و بنده توضیحاتی دادم و موکول به این شد که اگر آنچه را بنده اظهار میکنم در سایر دول هم این طور باشد روی کاغذ بیاوریم و در اینجا هم این قانون را باین مطابقت کنیم زیرا از بیک نقطه نظر ادره است در تمام دنیا بین المللی مجبور میشود یعنی با تمام ملل طرفیت دارد و باید قوانین آن با همه دنیا تا بیک اندازه مطابقت کند چنانچه بنده در این باب صورتی نوشته و الان هم حاضر دارم گذشته از اینکه در ممالک دیگر صاحبان امانت از آن امانت صرف نظر میکنند بیک مجازات معینی هم دارد مخصوصاً در قانون عثمانی و مصر نوشته شده است که باید از آن امانت صرف نظر کند و موافق قوانین موضوعه ملک آن شخص تعقیب میشود باز هم عرض میکنم که اگر درست دقت بفرمایند این مسئله خیلی خیلی بدتر اتفاق می افتد خصوص وقتیکه از مجلس شورای ملی این ماده بهمین طور که نوشته شده است تصویب شود نظایر این مسئله خیلی کم اتفاق خواهد افتاد ولی برای رفع این معظور ما تمام عیوبات را در نظر گرفته و طوری این ماده را نوشتیم که هیچ معظوری پیدا نشود چنانچه عرض کردم اول باید امانت مفقود شود تا بیا ادره است در بیک از معاکم رسمی ثابت نماید همه آقایان میدانند وقتی که پناهی ثبوت باشد اثبات خیلی کار مشکلی است وقتیکه ادره است تقلب او را ثابت کرد باید آن

شخص هم از امانتش صرف نظر کند و هم باید مجازات شود در باب مجازاتش هم باید بیک ماده پیشنهاد شود و البته وقتی که بجای خودش رسیدیم پیشنهاد خواهد شد

**مستصم السلطنه** - چیزیکه امروز معلوم شد این است که کمیسیون پست و تلگراف دارالترجمه است و وقتی که بیک ماده رد شد تا بیا کمیسیون آن ماده را ترجمه میکنند و مجلس پیشنهاد مینماید بملامه لفظ فقدان که در اینجا نوشته شده است نباید مقصود چیست و توضیحاتی را که آقای مخبر دادند بنده قانع نشدم برای اینکه وقتی بیک امانتی مفقود شد دیگر ادره است نمیتواند قیمت او را معلوم کند و اینکه آقای معاون فرمودند وقتی ادره است ثابت کند قیمت امانت بدست آمد همان امانت را ادره است بصاحبش رد میکند دیگر لازم نیست که قیمت او را ثابت کند فرضاً بیک امانتی کم شد و بعد از یکسال پیدا شد البته عین آنرا بصاحبش رد میکنند دیگر محتاج ثبوت نیست بملامه ممکن است بیک امانتی را در بین راه بیک سارقی باز کند و بیک قسمت از آن امانت بادره است برسد مثلاً قرض کنید بیک شخصی ده حلقه انگشتری در بیک بسته مس بند و برای فلان نقطه بفرستند و پنج هزار تومان قیمت برای او معین میکنند و در این بسته انگشتری دوهزار تومانی هست بیست تومانی هست و بازده تومانی هم هست آنوقت ادره است بیک از این انگشترها را که قیمتش بازده تومان است پیدا میکند بصاحبش میگوید انگشترهای تو هر کدام ۱۰ تومان قیمت داشت و مجموع آن صد و پنجاه تومان است این حرف بیهوده و منطقی نیست و ابداً بنده قانع نمیشوم زیرا وقتی بیک ادره امانتی را بینه کرد و قبلاً حق الضمانه گرفت مسئول است که آن مال را یا بینه پس بدهد یا غرامتش را بپردازد و اما اینکه میفرمایند معیوب شد فرض کنید بیک آدمی بیک هندوانه را قیمت کرد پنجاه تومان بادره است داد که این هندوانه را به خراسان بفرست در بین راه آن هندوانه پوسید و بوی کند هم گرفت همین آنرا بصاحبش رد میکنند و آن حق بینه را هم که برای آن پنجاه تومان داده است خدمتی است که ادره است کرده و پولی بصندوق پست داده است حالا چون این شخص کنار را کرد و هندوانه او پوسید باین مجازات شود بسا چهل روز حبس شود این چنین غریبی است بنده باین اظهارات آقای معاون بیهوده قانع نشدم و باین ترجمه هم که در کمیسیون کرده اند بکلی مخالفم

**حاج شیخ اسدالله** - بنده در این جزء ماده که ادره است در بیک از معاکم رسمی ثابت کند قیمت امانت کمتر از آن قسمتی است که در موقع بینه تقویم شده است موافق هستم اینکه فرمودند بنده است ثابت کرد قیمت آن مال کمتر از آن قیمتی است که در موقع بینه کردن تقویم شده مگر اینکه همین آن امانت را در نظر گرفته و طوری این ماده را نوشتیم که بجهت بیاورد این بیک چیزی است که وظیفه مسکه و وظیفه طرفین است که طریق اثبات آنرا اظهار کنند اینکه میگویند وقتی آن امانت پیدا شود عین همان امانت را بصاحبش رد میکنند عرض میکنم ممکن است آن مال پیدا نشود ولی صورت حسابی بخط خود

صاحب امانت بدست بیابنده قیمت حقیقی آنرا ثابت کند حالا اگر در موقع قانونگزاری ما بگوئیم طریق اثبات دعوا چه چیز است این خارج از فلسفه قانونگزاری طریق اثبات دعوا خیلی است یکی این است که عین مال بیمه شده پیدا شود ولی فاسد شده باشد و طریق فسادش حتماً این نیست که هندوانه باشد و فاسد شود ممکن است شال کرمانی باشد و اداره است تصفیر کرده باشد و در یک جایی انداخته باشد که فاسد شده باشد آنوقت اداره است باید فراموش بدهد در این صورت رجوع باطل خبره می کنند که اینمال چقدر قیمت داشته است سیصد تومان قیمت اثبات دعوا را نباید فراینجایا نوشت و بنده در این قسمت (که اگر اداره است ثابت کند قیمت امانت بیمه شده که تصدیق با ضایع شده است که ترا از آن میزانی است کدر موقع بیمه تقویم شده است فراموش نمی دهد موافق هستیم اما اینکه باید آن شخص مجازات شود این بجای خودش است و در جای خودش باید نوشته شود ولی بکلی مال او از بین برود بنده مخالف هستم بلکه بآن اندازه که معلوم شد و قیمت واقعی امانت بوده باید اداره است فراموش بدهد و این تصفیر کرده است و نسبت بیک اداره دولتی نقاب نسوده است مجازاتش مطابق قانون جزا باید معین شود و اما غرامت مالش را باید بدهد.

حاصل میشود و در همان صورتی است که از یزد یا کرمان می آورند و ده من دوازده من تریاک در یک جبهه هست اتفاقاً در بین راه جبهه می شکند و چند اوله آن میافتد وقتی که بمحل میرسد میبیند قیمت او زیادتر از قیمت اصلی او اظهار شد چون وزن و قیمت آن هرچه باشد یا ده تومان یا بیاصد تومان بهر اندازه باشد نوشته شده این دیگر هیچ اشکالی ندارد آنوقت اداره است میگوید این شیشی شما این مبلغ قیمت دارد و وزنش هم معلوم است و فلان مقدار سکه از تریاک شما ضایع شده فلاقتی قیمت دارد و شما نباید قیمت امانت خودتان را در پیش وجدان خودتان بیش از قیمت حقیقی آن اظهار کرده باشید اگر هم در یک محکمه بخواهید صحبت کنید میتوانید در محکمه هم پذیرفته میشود این مسئله در تمام قوانین دنیا هست و تمام توضیحاتش را هم در اینجا داده ام این یک چیز مشکلی نیست وقتی که شما بگوئید من که صاحب مال هستم میگویم قیمت مال من این اندازه است و اداره است هم بگوید من ثابت میکنم و بتواند ثابت کند دیگر اشکالی نیست ولی یک چیزیکه یک قیمت معینی ندارد و جناب عالی بفرمائید من که دارای این امانت هستم این مقوا برای من ده تومان مبارز است و هیچ دلیل ندارد که بگوئید غیر از این است و باید آن فراموش را بدهد در خصوص مدت هم توضیح دادم که اداره است تا یکسال می تواند این دعوا را بنماید و بیش از یکسال حق ندارد و بعد از یکسال باید فراموش را بپردازد این مطلب هم در این مملکت خیلی اتفاق افتاد مثلا یک وقتی که کاری است از نوی رودخانه عبور می کند بعضی از امانات یعنی به آب می افتد و در جزه آن امانات یک پارچه است که گوشه آن عیبی کند و این آدم هم برای اینکه میدانند اولی هم این اتفاق برایش افتاده پارچه که قیمت آن ذوقی بگتومان است شاید ذوقی سی تومان قیمت کند و ذوق پارچه را در نوی یک بسته می بندد و سیصد تومان قیمت میگردد و آن سیصد تومان را هم بیمه می کند گشاید اداره است آنرا در آب بیاندازد اتفاقاً هم در بین راه روی آب میفتد و گوشه آن ناقص میشود در این صورت اداره است میگوید این امانت شما است و قیمت آنهم معین و معلوم است و ذوقی بگتومان هم قیمتش است شما چرا سیصد تومان قیمت کرده اید اگر می خواهید قیمت حقیقی او را بگیریید والا اداره است حاضر است در یک محکمه رسمی نقاب شمارا ثابت کند این هیچ عیبی ندارد و از این قبیل اتفاقات خیلی می افتد و به نظر بنده هیچ اشکالی ندارد و البته ما میتوانیم یک قانونی بگذاریم که به این اشکالات برنخوریم و آن شخص هم که میخواهد امانت بفرستد آنچه را که امانتش قیمت دارد قیمت بگذارد و اگر نگذارد اداره است در موقع معا که بتواند ثابت کند و اینکه فرمودند وقتی که اداره است بیمه کرده دیگر نمی تواند این حرف را بزند عرض می کنم اشتباه نشود اداره است اداره بیمه نیست که آقا میفرمایند وقتی بیمه می کند باید فراموش بدهد اداره است خودش را با اداره بیمه معرفی نمی کند در تمام دنیا مرسوم است که در اداره است یک همجو چیزی هست و میگوید من که اداره است هستم اشیاء را حمل میکنم در صورتیکه قیمت واقعی آنرا اظهار کنند بیمه میکنم

**رئیس** - گویا مذاکرات کافی نباشد - رأی میگیریم بماده ۴۴ با اصلاحی که کمیسیون در فقره اول و چهارم کرده است آقایانی که این ماده را به همین ترتیبی که قرائت شد تصویب میکنند قیام نمایند (عده قبلی قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد چون نزدیک ظهر است و بعضی شعبات باید دایر شود اگر مخالفتی نباشد بقیه این قانون بماند برای روز شنبه مراسم است که از طرف آقای سردار معنی رسیده و کمیسیون عرایض بمجلس رجوع کرده است قرائت میشود و رأی گرفته نمی شود و اختزای در آن خصوص مینماید بجلسه دیگر

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام منبع مجلس مقدس شورای ملی شید الله ارکانه نتایج آنهمه فداکاری ها و ایثار آنهمه فریادها در تأسیس حکومت شوروی برای این بود که امورات کلا در محور قانون گردش کرده حدود و حقوق ایشاه مملکت بلااستثناء از تجاوز تجاوزین مصون و معروس باشد من بنده که خدمات و زحمات طاقت فرسامی در اهالی لوی اوی حرب و تأسیس حکومت ملی گویا محل تردید دوست و دشمن نباشد و همواره طالب و شائق بوده ام که عرض ورزی از مملکت رخت بر بسته امورات در مجاری قانون و عدالت سیر نماید و چه قدر خوشوقت شدم سکه آقای حاج میرزا حسین نماینده کرمانشاهان در مقابل شکایات مظالمین مصنوعی کردستان از وزارت داخله سؤال نمودند ولی نهایت تأسف را دارم که ایشان از مقام سؤال تخطی کرده و داخل قضاوت شده اند صریحاً نسبت اخذ سه هزار تومان رشوه به بنده دادند چون نمی خواهم در موضوع خدمات و زحمات خود در راه مشروطیت و حریت داخل شوم حتی در کودتای اخیر و مصائبی که نسبت به بنده وارد شد غالب از نمایندگان محترم حاضر و شاهد بوده و هستند فقط بواسطه اینکه اظهارات آقای حاج میرزا حسین خارج از نزاکت و حیثیت و شئونت بنده است و نیز بملاحظه اینکه چون معزای الیه از حزب معتردم و در کرات است (اگر چه بقیه داوریم این اجتهاد ایشان مخالف مسلک و عقیده این حزب معظم است) برای اینکه مبدا در این موقع حمل بیک سابقه یادداشتان سوء تفاهمی بشود استرحاماً معا که با ایشان را از مجلس معتردم منعی نمیکند

**رئیس** - این مسئله چون جزه دستور نبوده امروز مذاکره نمی شود مقصود این بود که آقایان مسبق بشوند ولی مذاکره اش موکول به جلسه دیگر میشود.

**حاج میرزا حسین** - بنده اجازه میخواهم **رئیس** - اگر مجلس اجازه میدهد داخل در مذاکره می شویم اما اگر اجازه ندهد می گذاریم برای روز شنبه چون آقایان مسبق نبودند قرائت شد که مسبق باشند و جزه دستور بشود سکه آقایان افکار خود را حاضر کنند و روز شنبه رأی بگیریم.

**حاج میرزا حسین** - چون راجع به بنده است اجازه میخواهم **رئیس** - میخواهید همین امروز در این باب مذاکره شود که اجازه میخواهید؟

**حاج میرزا حسین** - اجازه بفرمائید تا عرض کنم **رئیس** - شما اجازه میخواهید که صحبتی بکنید آنوقت دیگری هم بعد از شما اجازه خواهد خواست و رفته امتداد پیدا می کند پس بهتر این است همانروز که در این باب مذاکره میشود اظهارات خودتان را بفرمائید پیشنهادی هم از آقای حاج شیخ محمد حسین یزدی راجع به استیضاح رسیده است که خارج از موضوع است با وجود این قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

در آخر جلسه در این پیشنهاد رأی گرفته شود انشاءالله مسئله رأی گرفتن در موضوع استیضاح از شنبه هم تأخیر نیفتد چون اولاً مسئله مهم و ثانیاً اختلاف مضر است و احتمال اشتباه برای استیضاح کنندگان و دفاع کنندگان از نمایندگان می رود بنده پیشنهاد میکنم حال که آقایان وزراء برای رأی سکوت حاضر نیستند این مسئله چند جلسه تأخیر نیفتد و در ضمن این مدت کمیسیون مرکب از طرفین و بی طرف بر انتخاب فرق معین شود تحقیقات از دلایل کرده هم اگر اشتباهی شده رفع شود وهم اشخاصیکه مطلع نیستند مطلع شوند و با اتفاق تمام رأی گرفته شود.

**رئیس** - اینکه عرض کردم خارج از موضوع است برای این است که این مطلب راجع با استیضاح است و باید آنروزیکه در باب استیضاح مذاکره میکنند در خصوص این پیشنهاد هم مذاکره شود حالا اگر میخواهید بماند برای روز شنبه و در ضمن مطالبی که راجع با استیضاح گفته میشود این هم یکی از آن مطالب باشد.

**حاج شیخ محمد حسین یزدی** - چون مذاکره در پیشنهاد را موکول به جلسه بعد فرمودید خواستم عرض کنم این مسئله تأخیر نیافتد تا اگر اشتباهی شده باشد مطالب درست واضح شود.

**رئیس** - روز شنبه قبل از اینکه در سایر مطالب راجع با استیضاح مذاکره شود میتوانی در این باب اظهارات خودتان را بفرمائید.

**سلیمان میرزا** - البته آقای حاج شیخ محمد حسین میتوانی یک پیشنهادی بکنند و رأی گرفته شود ولی بنده که یکی از استیضاح کنندگان هستم عرض میکنم هیچ اشتباهی از برای بنده پیش نیامده است.

**رئیس** - این مطالب را آنروزیکه در این باب مذاکره میشود اظهار بفرمائید جلسه آتی روز شنبه سه ساعت قبل از ظهر و دستور هم بقیه دستور امروز خواهد بود.

(مجلس ده دقیقه قبل از ظهر ختم شد)

**جلسه ۵۴**

**صورت مشروح مجلس شنبه چهارشنبه هشتم شهر رمضان ۱۳۲۷**

مجلس سه ساعت از شب گذشته در تحت ریاست آقای معاون الدوله نایب رئیس تشکیل و صورت مجلس روز ۱۸ شنبان قرائت شد.

غائبین بدون اجازه - آقایان: حاج امام جمعه حاج سید اسدالله - حاج شیخ اسماعیل - نجف ملی میرزا.

غائبین با اجازه - آقایان ارباب کبکسر - میرزا قاسم خان

**نایب رئیس** - در صورت مجلس مخالفتی نیست (اظهاری نشد)

صورت مجلس تصویب شد - آقایان مسبقند روز شنبه که بتایید مجلس متعقد شود شد حالا دستور همان روز را تقبیح میکنیم اول شور در بقیه قانونی یعنی بعد از صورت کمیسیون مبتسکرات راجع بطرح قانونی.

**حاج عزالممالک** - راپورت شعبه چهارم با اعتبار نامه آقای قوام الدوله و راپورت کمیسیون عرایض و مرخصی راجع به مرخصی ۲۰ روز شاهزاده نجفعلی میرزا یکی دو فقره راپورت دیگر هم از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده که در آخر جلسه اگر مجال باشد عرض آقایان خواهد رسید حالا شروع میکنیم بقانونی است.

(ماده ۵۲ قرائت شد)

**مبصر الملک محمدر کبکسیون** - چند ماده از قانون پستی مانده است و گمان میکنم باید آنها را مقدم داشت و بعد از آن از ماده ۵۲ که راجع به مجازات است باید خوانده شود چون ماده ۴۴ قانون پستی بملاحظه نظریکه آقای مدرس در جزه اولش داشتند و لازم میدانستند یک مدتی تعیین شود و نشده بود رد شد و کمیسیون برگشت لهذا کمیسیون قبول میکنند که در اینجا ذکر شود تا مدت یکسال (جزه اول ماده ۴۴ بمضمون ذیل قرائت شد)

در صورتیکه امانت بیمه شده مفقود یا مایبب شود و قبل از پرداخت وجه فراموش اداره است در یکی از معاکم رسمی تا مدت یکسال ثابت نماید که قیمت امانت بیمه شده پیش از قیمت حقیقی آن اظهار شده است.

**معتصم السلطنه** - این ماده در شور اول رد شد و کمیسیون رفت خوبست آن شق اولیکه رد شد قرائت شود ببینیم چه تفسیری داده اند تا بتوانیم اظهار عقیده بنمائیم.

**حاج عزالممالک** - جزه اول این ماده همان طوریکه آقای مبصر فرمودند رد شد و حالا مدت یک سال بر آن اضافه شده اگر در این خصوص فرمایشی دارید بفرمائید.

**معتصم السلطنه** - مقصود بنده این است که خوبست آن ماده را که رد شد بفرمائید بعد این ماده را مجدداً بخوانند که افکار روشن تر شود (ماده ۴۴ که رد شد بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۴۴ - در مواقع ذیل اداره پست مسئولیت های مذکور در ماده ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ را بعهده نمی گیرد.

اولاً - در صورتیکه اداره پست در یکی از معاکم رسمی ثابت نماید که قیمت امانت بیمه شده از روی تقلب بیش از قیمت حقیقی آن اظهار شده است.

ثانیاً - در صورتیکه امانت فقدان یا تصبیح مرسولات

وقایع جنگی و غوروش داخلی مملکت و بانقلابی باشد که دفع آن از عهده حکومت محلی خارج است ولی مطالبه کننده هم بشه حق خواهد داشت که در باب اثبات موقع اضطراری بودن که استدلال بآن میشود دلائل لازمه را بخواهد.

رابساً - در صورتیکه مورت فقدان یا تصبیح مرسولات یکی از حوادث آسانی باشد که رفع آن ممکن نیست.

خامساً - در صورتیکه علت فقدان یا تصبیح مرسولات معتویات آنها و یا خود آنها و یا قفلت فرستنده باشد.

سادساً - در صورتیکه در موقع تحویل دادن مرسوله بگیرنده آثار دست خورده گی ازلفاف خارجی آن دیده نشود و وزن آنهم با وزن زمان تحویل موافقت نماید ولیکن در صورتیکه فرستنده در زمان ارسال معتویات مرسوله خود را روی مرسوله پاروی ورده که به همراهی آن فرستاده میشود بنویسد و دفتر پست فرستنده صحت آنرا امضاء کند ولو اینکه عیبی روی لفاف خارجی مرئی نشود و وزن آنهم با وزن زمان تسلیم موافقت نماید اداره پست مسئول کسری یا معایب دیگر آن خواهد بود بجهت خسارت غیر مستقیم و عاید نشدن منافع متصوره اداره پست مسئولیت بعهده نخواهد گرفت.

**سلطان العماء** - بنحویکه آنها اظهار فرمودند این ماده در شور اول و ثانی رد شد و حالا خوبست آقایان نمایندگان توجه و دقتی در این ماده بفرمائید زیرا این مسئله اسباب تصبیح حقوق ملت میشود بواسطه اینکه مردم با کمال اطمینان با اداره پست بخانه میروند و مالی را بیمه میکنند و بعد از آنکه آن مال مفقود یا مایبب شد و اداره پست بخانه خواهد گفت تا یکسال در یکی از معاکم رسمی اثبات میکنم که قیمت این امانت پیش از قیمت حقیقی آن اظهار شده است و معلوم است که این ترتیب اسباب تعطیل و تصبیح حقوق مردم خواهد شد سابقاً این مطلب در مجلس مذاکره شد و آقایان همین ایرادها کردند و این ماده در شور اول و ثانی رد شد حالا نمیدانم از جهة اینکه تا آنجا بمجلس آورده اند چیست

**نایب رئیس** - دیگر مخالفتی نیست - مخالفتی نشد - رأی میگیریم در این ماده بطوریکه در کمیسیون تصویب شده آقایانیکه موافقت قیام نمایند.

(عده قیام نمودند)

**نایب رئیس** - مشکوک شد.

**مدرس** - اجازه بدهید دو باره خوانده شود (مجدداً قرائت شد)

**نایب رئیس** - رأی میگیریم در جزه اول این ماده بطوریکه قرائت شد آقایانی که موافقت قیام نمایند.

(افلب قیام نمودند)

**نایب رئیس** - جزه اول تصویب شد - جزه

**مبصر** - در تمام قسمتهای این ماده رأی گرفته شده و تصویب شده فقط جزء اول رد شده بود حالا باید در کل رأی گرفته شود.

**نایب رئیس** - خواننده میشود و بعد در کلیه آن رأی گرفته میشود.

(بقیه ماده ۴۴ با استثنای جزه راجع که ذیلا